

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۴۲، سه شنبه ۱ بهمن ۱۳۹۲ (۲۱ ژانویه ۲۰۱۴)

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

چهارمین حمله موشکی به لیبرتی.....ص ۲

خامنه ای در مدار نرْمش و غُرش - مهدی سامع.....ص ۳

راه دراز دیدن "کدخدأ" - منصور امان.....ص ۵

دستمزد پایه کاهش می یابد - زینت میرهاشمی.....ص ۹

سال ۲۰۱۴ از دیدگاه صاحب نظران، سال رویدادهای سیاسی غیر منتظره و تحولات اقتصادی- لیلا جدیدی...ص ۱۱

دستگیری بابک زنجانی و رضا ضراب، تغییر کاربری عوامل دور زدن تحریم - جعفر پویه.....ص ۱۸

نبرد قهرآمیز عشایر رمادی و قلوچه در دو جبهه - آناهیتا اردوان.....ص ۲۳

آخرین وداع با رضا مرزبان.....ص ۲۵

رضا مرزبان از پیشروان سندیکایی در گذشت.....ص ۲۵

چالشهای معلمان در دی ماه - فرنگیس بایقره.....ص ۲۶

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در دی ۱۳۹۲ - زینت میرهاشمی.....ص ۳۰

شورای قانونگذاری تونس برابری زنان و مردان را تصویب کرد.....ص ۴۰

زنانه شدن پدیده مهاجرت (بخش نخست) - برگردان: آناهیتا اردوان.....ص ۴۱

رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی.....ص ۴۴

اجلاس دو روزه شورای ملی مقاومت ایران.....ص ۵۰

فراسوی خبرها...ص ۵۲

مادر اختر نیکوکار چشم از جهان فرو بست!.....ص ۵۹

شهادت فدایی در بهمن ماه.....ص ۶۰

معرفی انتشارات تصویری سازمان...ص ۶۱

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار می کند
چهل و سومین سالگرد رستاخیز سیاهکل
ویرجینیا - آمریکا (شنبه 15 فوریه 2014)

سخنران: زینت میرهاشمی

بررسی مسائل روز در فراسوی حماسه سیاهکل

گفتگو و تبادل نظر: زینت میرهاشمی و منصور امان

برنامه هنری: کارگاه هنر ایران، فریدون رمضانی

مجری برنامه: لیلا جدیدی (شروع برنامه: ساعت 19.00)

Frying Pan Park (visitor center)-West OX Road 2739-Herndon, VA 20171

چهارمین حمله موشکی به لیبرتی



روز ۵ دی، در ساعت ۲۱ و ۱۵ دقیقه به وقت محلی، کمپ لیبرتی با دهها فروند موشک از انواع مختلف هدف قرار گرفت. این چهارمین حمله موشکی به کمپ لیبرتی در سال ۲۰۱۳ است که در اثر آن بخش زیادی از بنگالها و تأسیسات لیبرتی نابود شد. بر اساس اطلاعاتی های دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، در اثر این حمله موشکی مجاهدان خلق، محمد جواد صالح تهرانی، محمود برنافر، عباس نامور و یحیی زیارتی (از مجروحان این حمله جنایتکارانه) به شهادت رسیده و ۷۱ تن دیگر مصدوم و مجروح شدند.

در اطلاعاتی دبیرخانه شورا آمده است؛ ساعاتی بعد از حمله موشکی به لیبرتی، واثق البطاط، یک تروریست شناخته شده که صرفاً اسم مستعار مالکی است، مسئولیت این حمله را به عهده گرفت. این آخوند جنایتکار تحت عنوان مسخره «فرمانده ارتش شبه نظامی المختار» به رویتر گفت «این گروه ۲۰ موشک کاتیوشا و خمپاره به کمپ لیبرتی شلیک کرده است».

این اولین بار نیست که مالکی از ماسکی به اسم البطاط برای پوشاندن جنایات خود استفاده می کند. روز ۲۵ بهمن ۹۱ (۱۳ فوریه ۲۰۱۳) یعنی، ۴ روز پس از اولین حمله موشکی به لیبرتی مقاومت ایران طی اطلاعیه یی اعلام کرد «رژیم آخوندی و دولت عراق برای رد گم کردن و از آنجایی که همه می دانند «کتاب حزب الله» یک گروه تروریستی ساخته و پرداخته رژیم آخوندی است که در هماهنگی با دفتر مالکی عمل می کند به یک صحنه سازی جدید دست زدند و با علم کردن یک گروه خود ساخته جدید تحت عنوان «جیش المختار» تلاش کردند دستهای خونین خود را از این جنایت بشویند و تمیز جلوه دهند. «جیش المختار» اسم دیگری برای همان «کتاب حزب الله» است که توطئه های کثیف و خونین خامنه ای و مالکی



را در عراق پیش می برد».

خامنه ای در مدار ترمش و غرش

مهدی سامع

قطار بی دنده و ترمز احمدی نژاد تلوتلو خوران از خط خارج شده و واگنهای فرسوده آن هریک به سویی در حرکتند. رسوایی دروغ و دولتهای آن کوتوله سیاسی که به وسیله خامنه ای مهندسی می شد، همه جا به چشم می خورد. کاغذ پاره ها در مقابل چشم ولی به سندهای معتبر تبدیل شده و قطعنامه دان ولایت خامنه ای سوراخ سوراخ شده است. بوی تعفن نظام به مشام همگان رسیده و البته اینها هنوز از نتایج سحر است.

قرار بود در ریل گذاری جدید مقام معظم، جهان احمدی نژادی شود. قرار بود رمالها، جادوگران، جن گیران، شعبده بازان و ساحران در کنار مداحان، چاقوکشان و اوباشان دست در دست هم رویای تهوع آور ولی فقیه را تحقق بخشند. اما آن رویاهای جنون آمیز و بیمارگونه، اکنون در ژنو پریر می شود و در این میان البته راز و رمز گپ و گفتهها و توافقهایی «داوطلبانه» از دید «دشمن» پنهان نگهداشته می شود. به راستی دشمن کیست؟ آمریکا و اروپا که از زیر و بم توافق خبر دارند، زیرا خود یک طرف معامله هستند. اسرائیل نیز با دهها کانال و منجمله عوامل اش در وزارت خارجه جمهوری اسلامی از چند و چون معاملات با خبر است. پس چه کسانی از دسترسی به اطلاعات محروم می شود؟ رقبای دولتهای ۶ کشور طرف معامله، از کانالهای رسمی در جریان توافقات قرار دارند. خانم اشتون نیز وظیفه دارد تا تمامی کشورهای اتحادیه اروپا را در جریان قرار دهد. به نظر می رسد که ابر و باد و مه و خورشید و فلک دست به دست هم داده اند تا فقط مردم ایران به طور روشن در جریان امور قرار نگیرند. همین موضوع به خوبی نشان می دهد که از نظر سران نظام و به ویژه ولی فقیه، این مردم هستند که دشمن باید به حساب آورده شوند و بنابراین امور حساس از چشم و گوش آنها باید پنهان بماند. خامنه ای بزدلانه و با پنهانکاری می خواهد مردم را از عمق «ترمش» حقیرانه اش بی خبر نگهدارد و هزینه این عقب نشینی اجباری را از جیب مردم و مبارزان سیاسی و به ویژه مجاهدان ساکن در کمپ بدتر از زندان «لیبرتی» بپردازد. اما رویدادها خود به بهترین شکل سخن می گویند.

روز دوشنبه ۳۰ دی، علی اکبر صالحی رییس سازمان انرژی اتمی گفت: «عمده ترین اقدام تعلیق داوطلبانه غنی سازی ۲۰ درصدی است که اتصالات ۲ آبشار در نطنز و چهار آبشار در فردو قطع می شود و تا حوالی ظهر تولید ۲۰ درصد عملاً متوقف می شود... قرار بوده در تاسیسات اراک، آب سنگین وارد محوطه راکتور نشود و بازرسان امروز از انبارها بازرسی کردند و مشخص شد که آب سنگین نداریم... همچنین بازرسان امروز از اصفهان بازدید کردند که یکسری اقدامات را برای ساخت سوخت اراک متوقف کنیم... از ابتدا بارها گفتیم دنبال غنی سازی ۲۰ درصد نبوده ایم و پنج سال قبل تقاضا کردیم و گفتیم که ورود به غنی سازی ۲۰ درصد در نیت ما نیست و به دنبال غنی سازی در سطوح بالا نیستیم.» (ایرنا)

به جز مواردی که صالحی نام می برد، اقدامات دیگری هم بر طبق توافق اجرایی توسط رژیم باید انجام گیرد. صدای آمریکا در روز جمعه ۲۷ دی متن کامل بیانیه معاون مطبوعاتی کاخ سفید با عنوان «خلاصه یادداشت تفاهم فنی مربوط به اجرای برنامه اقدام مشترک در مورد برنامه هسته ای» رژیم را منتشر کرد.

برای همین است که سایت شبکه خبر با حسرت و اندوه فراوان حرفهای صالحی را با عنوان «قلب اراک هسته یی از تپش افتاد» منتشر کرد و روزنامه «وطن امروز» با تیتربزرگ «هولوکاست هسته ای» سپاهپوش شد.

در مقابل اقدامات «داوطلبانه» رژیم، آمریکا و اتحادیه اروپا نیز «داوطلبانه» برخی از تحریمها را به شکل مرحله ای کاهش می دهند. اهمیت این کاهش برای رژیم فقط جنبه کمی آن نیست، بلکه این کاهش یک فضای به طور نسبی مناسب از

نظر بین المللی برای حکومت فراهم می کند. این یک واقعیت انکار ناپذیر است که علت عقب نشینی خامنه ای، وجود تحریمها است. اگر تحریمها نبود، ولی فقیه نه در مورد انتخابات حسن روحانی عقب نشینی می کرد و نه در مورد پروژه اتمی. آن دسته از افراد و جریانات سیاسی که به علت عدم درک موقعیت رژیم و یا به علت منافی که در ماندگاری رژیم دارند، عوامفریبانه با تحریمها مخالفت می کردند، اکنون راهی جز اعتراف به ارزیابی اشتباه خود و یا مغلطه گویی ندارند.

قابل انکار نیست که تحریمها زیانهایی به مردم می رساند. اما در مورد خاص کشور ایران با وجود رژیم ولایت فقیه و سیاستهای ضد مردمی آن، تحریمها برای رژیم شرایط سختی را به وجود آورد. رژیم طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ که مورد تحریم جدی اقتصادی نبود، درآمد هنگفتی از فروش نفت به جیب زد. در حالی که در همین دوران زندگی مردم به شکل فاجعه باری بدتر شد.

به گمان من تا وقتی خامنه ای به یک راه حل «جامع و فراگیر» تن نداده، باید اساس تحریمها حفظ شود. کشورهای طرف مذاکره به درستی گفته اند که «هیچ چیزی مورد قبول نیست مگر آن که بر سر همه چیز به طور یک جا توافق شود». خامنه ای میلیاردها دلار از ثروت مردم ایران را در راه پروژه اتمی هزینه کرده و در ازای آن زندگی اکثریت مردم را به تباهی کشانده است. تا آن جا که به پروژه اتمی بر می گردد، هر عقب نشینی رژیم در پروژه اتمی به سود مردم خواهد بود. باید به هر نحو تلاش کرد تا این عقب نشینیها به نقطه غیر قابل بازگشت برسد. بدیهی است که عقب نشینی در پروژه اتمی برای مردم ایران هم یک فرصت فراهم می کند.

در سند سیاسی هفتمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که در بهمن سال ۱۳۹۱ برگزار شد، آمده است: «امروز دیگر همگان می دانند که ادعای مستقل شدن در انرژی و دستیابی به تکنولوژی اتمی بهانه ای برای دستیابی به جنگ افزار اتمی است. ما بارها خواستار توقف کامل تمامی عملیات و اقدامات رژیم ایران در زمینه اتمی شده ایم و گرچه بنا به دلایل گوناگون اقتصادی و زیست محیطی مخالف استفاده از انرژی اتمی هستیم، اما معتقدیم که مردم ایران در یک شرایط دمکراتیک و با امکان توجه به طرح آزادانه نظرات کارشناسانه باید در مورد استفاده و یا عدم استفاده از انرژی اتمی تصمیم گیری کنند... طی سالهای پس از حمله اشغالگرانه آمریکا به عراق ما به طور ممتد شاهد آن بودیم که محافل و جریانهای گوناگونی صحبت از «خطر جنگ خارجی» می کردند. بعضی از این جریانات به تبعیت از خبرگزاری رسمی روسیه، در موارد بسیار تاریخ دقیق حمله را هم تعیین می کردند! بخش گفتمان سازی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی با طراحی پیچیده و با استفاده از خواست برحق صلح خواهی در افکار عمومی مردم جهان، به توهم خطر جنگ دامن می زد. ما تا کنون و در چشم انداز قابل ارزیابی برای حمله خارجی احتمال کمی قایل بودیم، هرچند در شرایط پیچیده کنونی چنین امکانی را با توجه به ماجراجوییهای ولایت خامنه ای نمی توان نادیده گرفت. پروژه اتمی خامنه ای منجر به یک فاجعه بزرگ برای مردم و کشور ایران می شود و بدین لحاظ ما از عقب نشینی حکومت ایران از این پروژه مخرب استقبال می کنیم و آن را به سود مردم و کشور ایران دانسته و گامی در جهت جلوگیری از یک جنگ خانمانسوز می دانیم.»

روزهای یکشنبه ۳ آذر و دوشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۲ را باید روزهای فلاکت ولایت خامنه ای دانست. مقام معظم که مجبور به نوشیدن جام زهر هسته ای شده، بر خلاف آلدوروم بلدرومهایی که برای سرکوب مردم می کرد، در این مورد سیاست غیر فعال پیش گرفته است. جسارتهای مقام معظم برای اعدام زندانیان سیاسی و سرکوب مبارزات مردم و یا موشک باران

کمپ لیبرتی حد و مرزی ندارد. اما وقتی پای سُمبه پُر زور خارجی در میان باشد، «نرمش» ذلیلانه با نام مستعار «قهرمانانه» مطرح می شود تا از خُسرانهای عقب نشینی کاسته شود. خامنه ای برای دادن کمی دل گرمی به برخی از باندهای ولایت اش، همزمان با انبوهی «نرمش» کمی هم «غُرش» نشان می دهد.

جواد کریمی قدوسی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در مورد توافق ژنو صحبت از «جلسه ای با حضور خامنه ای، سران قوا و تیم مذاکره کننده» می کند و می گوید خامنه ای گفته است: «من فقیه هستم و سه بار این متن را خوانده ام و از آن تثبیت حق غنی سازی هسته ای به دست نمی آید.» (سایت حکمت سرا، وابسته به باند سعید جلیلی، جمعه ۲۷ دی ۱۳۹۲)

خامنه ای که مدعی فقیه بودن است، با «سه بار» خواندن توافقنامه ژنو، «تثبیت حق غنی سازی هسته ای» را در آن ندیده و با این وجود اجازه داده که روز ۳۰ دی، همان توافق اجرا شود. به نظر می رسد که ولی فقیه تلاش می کند تا نشان دهد که جام زهری در کار نبوده و تحریمها نیز هیچ نقشی در تن دادن رژیم به توافقنامه ژنو نداشته است. حرکت خامنه ای در مدار نرمش و غرش است، نرمش برای «خارج» و غرش برای «داخل»



راه دراز دیدن "کدخدا"

منصور امان

آمریکا با مشروط ساختن شرکت جمهوری اسلامی در ژنو ۲ به پایان دادن به حمایت از آقای بشار اسد، روی موج فشاری که ایجاد کرده به سمت جلو و رو به محورهای دیگر چالش با حاکمان ایران حرکت می کند. نتایجی که تحریمهای بین المللی و به ویژه تدبیرهای فلج کننده نفتی و بانکی در وادار کردن رژیم مَلاها به عقب نشینی هسته ای دربر داشته است، یک مُشوق نیرومند در ادامه این سیاست و بهره گیری از آن برای حل سایر مسایل حل نشده ی روی میز است.

از این زاویه، نگرانی آقای علی خامنه ای در این باره که در صورت عقب نشینی هسته ای موضوع خاتمه نمی یابد و محورهای دیگری در دستور کار طرفهای خارجی قرار خواهد گرفت، تایید شده است. هیچکس بهتر از رهبر جمهوری اسلامی نمی داند که کانونهای تنش و بُحران و نیز نُقاط اختلاف با غرب به درگیری بر سر تلاش "نظام" برای مُسَلح شدن به بُمب اُتمی محدود نمی شود. با این حال، این به گونه خودکار بدان معنا نیست که عقب نشینی از یک محور با پس روی در همه جبهه ها مُترادف است. بازی حساب شده با کارتهای پُر امتیاز، نه فقط می تواند قُدرت چانه زنی را بالا ببرد، بلکه در جریان عمل نیز قادر است توافقی مُتوازن بین داده ها و گرفته ها برقرار کند.

اما آقای خامنه ای و شریکانش بیشتر از آنکه در میدان جدالی که خود گشوده بودند، بازی مُحاسبه شده ای را پیش ببرند، مایل به قُمار بودند. آنها گِرد "همه یا هیچ" سازمان یافته بودند و طرح و برنامه های سیاسی و اقتصادی خویش را نیز بر همین اساس تدوین و تنظیم می کردند. از این رو، "نظام" لحظه مُناسب برای عقب نشینی را از دست داد و با هر فشار خارجی تازه، میدان مانور آن کوچک تر شد.

چرا تحریمهای "هسته ای"؟

هنوز اطلاع روشنی از مُفاد و محورهای مُذاکرات محرمانه آمریکا و رژیم وجود ندارد؛ روشن اما این است که چنین مُذاکراتی برگزار شده و خُروجی علنی آن "برنامه عمل مُشترک" در ژنو و به بیان دیگر، پذیرش کنار گذاشتن برنامه دستیابی به سلاح هسته ای از سوی جمهوری اسلامی بوده است. در همین حال به دُشواری می توان تصور کرد که توافقی

مزبور به طور مُجرد به دست آمده باشد و ماجراجویی هسته ای، ایزوله شده از متن و چارچوبی که آن را دربر گرفته، موضوع مذاکره بوده باشد.

یک نشانه روشن از مطرح بودن موضوعات بیشتر در دستور کار طرف حسابهای خارجی جمهوری اسلامی را می توان در سند تفاهم ژنو مشاهده کرد. در این سند هر جا که به تخفیف، تعلیق موقت یا برچیدن تحریمها در ازای گامهای مُشخص جمهوری اسلامی اشاره می شود، بی درنگ با قید پسوند توضیحی "هسته ای" به "تحریم"ها، تلاش گردیده موضوع تفاهم به روشنی تدقیق شود و بر تفکیک آن از سایر موارد در دستور انگشت تاکید گذاشته شود. سرچشمه ی این وسواس، وجود تحریمهای برقرار شده بیشتری است که فعالیتهای رژیم ولایت فقیه در پهنه های دیگری را هدف گرفته است. به طور کلی مُجازاتهای بین المللی وضع شده علیه حاکمان ایران به سه دسته تقسیم می شود:

۱- تحریمها علیه پروژه هسته ای

۲- تحریمها علیه پایداری حقوق بشر

۳- تحریمها علیه پُشتیبانی از تروریسم بین المللی

حال اگر ارتباط درونمایه ای این سه گروه تحریم از نظر سیاسی به کنار گذاشته شود و تنها از جنبه اجرایی و برای مثال مسدود ساختن منابع مالی یا برخورد با افراد و دستگاههای دخیل، بدان نگریسته شود، بهم پیوستگی سر خطهای مزبور و ناممکن بودن دستیابی به توافق کُلی بدون برخورد به همه موارد چالش روشن تر می شود.

بنابراین در کادر موارد اختلاف، عقب نشینی هسته ای جمهوری اسلامی آغاز به جریان افتادن یک پروسه فراگیرتر به شمار می رود که تمامی بخشهای موجود در مُناسبات مناقشه آمیز دو طرف را دخیل می سازد. تاکید مُذاکره کنندگان غربی در سند ژنو بر "تحریمهای هسته ای" و نه "تحریم" به طور عام، حفظ دینامیسمی است که تحولات را به نُقطه فعلی رسانده و ایستگاههای بیشتری را در چشم انداز قرار داده است.

مُتمرکز بودن آمریکا و اروپا روی این هدف را مُذاکره کننده ارشد ایالات مُتحد به روشنی بیان داشته است. خانم "وندی شرم" پیش از آغاز گفتگوهای ژنو، در جلسه کمیته روابط خارجی این کشور توضیح می دهد: "ما به طور شفاف به آنها گفته ایم که مُذاکرات فقط در باره برنامه هسته ای و تحریمهای مُرتبط با آن انجام می شود و تحریمهای مربوط به پایداری حقوق بشر و فعالیتهای تروریستی آنها هنوز روی میز است."

وی مفهوم عملی این رویکرد را نیز بیان کرده است: "این یعنی آنها باید در مورد مساله حقوق بشر پیشرفتهای توجه پذیری داشته باشند، باید دست از تروریسم برداشته و باید اقدامات خود در جهت بی ثبات کردن منطقه و دیگر بخشهای جهان را مُتوقف کنند."

اگرچه - همانگونه که گفته شد - پیرامون مُذاکرات در این بخش از اختلافها، اطلاعات روشنی در دست نیست، با این حال در شرایط فقدان فاکتورهای مُستند، آنچه که می تواند به توضیح شرایط حاضر و درک بهتر موقعیتی که "نظام" در آن بسر می برد کمک کند، توجه و ارزیابی تحولاتی است که گرد آنها به جریان افتاده است. در این کادر، تحولات مربوط به حقوق بشر و رویدادهای مربوط به سوریه که در اینجا بدان پرداخته می شود، از اهمیت مرکزی برخوردار هستند.

راستی آزمایی با محور سوریه

محور ظاهری اختلاف بر سر شرکت جمهوری اسلامی در ژنو ۲، آینده آقای بشار اسد است. در حالی که نشست مزبور دستور کار خویش را دستیابی به توافق سیاسی برای تشکیل دولت موقت و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری تعیین کرده است، رژیم مَلاها می گوید که مایل به مذاکره در این باره نیست. اما با کمی خراش بر پوسته رویدادها آشکار می گردد که باقی ماندن یا نماندن آقای اسد در قدرت موضوع مرکزی نیست و این امر فقط در چارچوب علایق بزرگ تر اهمیت می یابد.

برای جمهوری اسلامی صورت مساله، حفظ امکان مانور در میدان "عقبه استراتژیک" است. این امر در درجه نخست شامل باز ماندن گذرگاه تغذیه گروهها شبه نظامی تحت الحمايه آن در لبنان و غزه و از این طریق باقی ماندن اسراییل در نوک مگسک نشانه روی و تهدید می شود. لازم به گفتن نیست که معادله مزبور برای رژیم ولایت فقیه نقش سپر حفاظتی در برابر تهدیدها و خطرات خارجی ای را ایفا می کند که متوجه بقای آن است. بنابراین، در صورتی که آمریکا و جانشینان آقای اسد نیازهای امنیتی "نظام" را به رسمیت بشناسند، اسدها هم می توانند چمدان شان را ببندند. در شهریور ماه گذشته آقای رفسنجانی با انتقاد از حمله شیمیایی حکومت سوریه به حومه دمشق، نشانه روشنی از آمادگی برای معامله ارسال کرد.

با این حال چنین نمی نماید که طرفهای خارجی جمهوری اسلامی مایل به داد و ستد خرد و مدت دار باشند، به ویژه پس از وادار کردن جمهوری اسلامی به عقب نشینی هسته ای، این امر هم سطح با پیشروی آنها و دستاوردهایش نیست. مساله سوریه برای آنها آزمون سنجش رویکرد آقای خامنه ای و شرکا بعد از ژنو به شمار می آید و انگیزه رژیم مَلاها از توافقی که بدان تن داده اند را آشکار می سازد. پرسش این است که عقب نشینی ژنو یک چرخش استراتژیک در آماجها و نقشه های حاکمان ایران است و از تعریف دوباره و جدید علایق آنها حکایت می کند یا اینکه، تاکتیکی در خدمت هدفهای کلان پیشین و دریچه ای برای خالی کردن فشار تحمل ناپذیر روی آن است؟

رویکرد رژیم مَلاها نسبت به ثبات منطقه خاورمیانه از لبنان تا افغانستان که بحران سوریه یکی از چالشهای آن به حساب می آید، به این سووال پاسخ خواهد داد. بنابراین، این نقطه دیگر اختلاف می تواند مستقل از قرارداد موقت شش ماهه برای اسقاط پروژة هسته ای و برقراری مکانیزمهای فنی مانند کنترل و بازرسی، به خوبی در نقش اهرم دیگری در جهت راستی آزمایی مقاصد رژیم مَلاها به خدمت گرفته شود.

پروسه ی "بستن با کدخدا"

تضاد اصلی رژیم ولایت فقیه در واگذاری خاکریز سوریه، از دست دادن یک فاکتور امنیتی برای بقا و آسیب پذیری بیشتر است. این سووال به ویژه بعد از "نرمش قهرمانانه" ی اجباری و موافقت با کنار گذاشتن سلاح استراتژیک هسته ای که وظیفه آن تضمین بقای "نظام" بود، پیچیده تر شده است.

در نگاه اول چنین می نماید که با تحول ژنو، سیاست "عقبه استراتژیک" مبتنی بر تولید اقتدار برون مرزی و ایجاد فضاهای تنفسی برای دور نگه داشتن تهدید خارجی از حیات و ثبات رژیم، دارای اهمیت بیشتری شده باشد و فراتر از آن، تنها اهرمی باشد که در جهت تامین این هدف برای آن به جا مانده باشد. اما تنها خراش نازکی بر سطح این استدلال نمایان می سازد که پیش زمینه ها و چارچوبی که منجر به عقب نشینی هسته ای شده، راهکار "عقبه استراتژیک" را نیز فاقد موضوعیت کرده و آن را به گذشته سپرده است. بنابراین اگر رژیم مَلاها نخواهد تسلیم خیالپردازیهایی مانند

همزیستی براساس مُدل یک جنگ سرد منطقه ای شود، دیر یا زود با تنها گزینه واقعی که در برابر دارد، چشم در چشم خواهد شد و آن ایفای "نقش سازنده" در ثباتی است که آمریکا قصد شکل دادن به آن را در خاورمیانه زیر هژمونی خود دارد. این یک گام در همان جهتی است که حُجت الاسلام حسن روحانی برای تدارک عقب نشینی هسته ای نشان داد: "برخی فکر می کنند باید با دُنیا جنگید یا تسلیم شد، در حالی که راه سومی هم وجود دارد و آن تعامل سازنده با جهان است."

کمی جلوتر آقای روحانی مُراد خود از "جهان" را به این شکل دقیق تر کرد: "آمریکاییها کدخدای ده هستند، با کدخدا بستن راحت تر است."

در حقیقت نیز محورهای مُشترکی برای "بستن با کدخدا" وجود دارد. استراتژی ایالات مُتحدده برای ایجاد حوزه نفوذ و منافع و کُنترل آن از طریق تجزیه قومی و فرقه ای، با ایدئولوژی طایفه ای و دگر ستیزانه رژیم استبدادی مذهبی جمهوری اسلامی و استفاده از تفاوت‌های دینی و اعتقادی در نقش ابزاری برای یارگیری و جبهه سازی، سرفصلهای مُشترکی دارد. براین اساس رژیم شیعی ایران می تواند به عنوان ابزاری در خدمت این سیاست و ژرفش تجزیه "ملت" ها به فرقه های مذهبی به کار گرفته شود و از سوی دیگر، همانگونه که به کُنترل جمعیت شیعی در لُبنان، سوریه و عراق کُکم می کند، از منافع سیاسی و امنیتی آن بهره ببرد.

با این حال، به واقعیت گراییدن این سناریو، گذار از یک پروسه دردناک و پُرتلاطم در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی را در پیش زمینه دارد که با جنگ سخت قُدرت، تقسیم دوباره منافع و رُفرمهای ساختاری اقتصاد و سیاست همراه خواهد بود. نظام ولایت فقیه با مُناسبات کنونی از ظرفیت ورود به چنین فرآیندی بی بهره است حتی اگر بخشهایی از دستگاه قُدرت، ضرورت آن را احساس کرده باشند.

برآمد

این فقط قرارداد مُوقت شش ماهه هسته ای نیست که کاراکتر در گذار تحولات را به نمایش می گذارد؛ آرایش اصلی ترین جناحهای قُدرت در جمهوری اسلامی گرد آن نیز شناسه قرار داشتن "نظام" در یک دوره انتقالی است که طاسها فقط در نظر به نتایج آن ریخته خواهد شد.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای

روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

دستمزد پایه کاهش می یابد

زینت میرهاشمی

ارتقا دستمزد پایه و همخوان کردن آن با نرخ تورم، خواست عادلانه و بر حق کارگران و مزدبگیران است. بر اساس ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی، نرخ تورم اعلام شده از طرف بانک مرکزی باید پایه افزایش حداقل دستمزد قرار گیرد. تا کنون هیچگاه افزایش دستمزد با نرخ رسمی و اعلام شده تورم توسط بانک مرکزی همخوانی نداشته است. از سوی دیگر داده های آماری نهادهای حکومتی و منجمله آمار بانک مرکزی در رابطه با نرخ تورم و یا آمارهای دیگر به استناد حرفهای سخنگویان باندهای حکومتی اعتبار نداشته و قابل اتکا نیست.

در حالی که حسن روحانی و تیم تشکیل دهنده دولت او در آغاز کار همه ی آمارهای دولت احمدی نژاد، از جمله عدد مربوط به نرخ تورم را غیر واقعی و حتا دروغ اعلام کردند، اما میلیونها کارگر و مزد بگیر بر اساس همان داده های آماری غلط به فقر و تنگدستی بیشتر دچار شدند. در حالی که پایان سال ۹۲ نزدیک می شویم که سرنوشت شکایت کارگران در رابطه با ناهمخوانی مزد سال ۹۲ با نرخ تورم، سرانجامی پیدا نکرده است.

شورای عالی کار و نهادهای وابسته به آن فعالیت خود را برای تصمیم گیری بر سر تعیین حداقل مزد (دستمزد پایه) در سال ۹۳ آغاز کردند. ترکیب تصمیم گیرندگان، نظر دهندگان و ابزارهای اجرایی آن مانند سناریوی سال گذشته خواهد بود. تنها تفاوتی که امسال با سال قبل کرده، صحبتهای حسن روحانی مبنی بر تایید ناهمخوان بودن افزایش دستمزد پایه با نرخ تورم و قولهای بادکنکی او برای همخوان کردن آن است.

حسن روحانی در تبلیغات انتخاباتی اش، «افزایش مزد کارگران بر اساس نرخ تورم و مطابق قانون کار» را یکی از مهمترین برنامه های خود اعلام کرده بود. اگر نرخ تورم ۴۰ درصد به حساب آید و دستمزد برابر با آن یعنی ۴۰ درصد افزایش پیدا کند باز هم فقر ناشی از فاصله نرخ تورم و دستمزد در سالهای پیش تا کنون همچنان بر زندگی کارگران سنگینی خواهد کرد. اگر چه این شعار انتخاباتی روحانی فقط مصرف قبل از رسیدن به جانشینی احمدی نژاد را در بر داشت.

در اقتصاد بحرانی نرخ تورم اول سال با نرخ تورم پایان سال تفاوت زیادی دارد. دستمزد کارگران و مزدبگیران طی ۱۲ ماه سال با توجه به بالا رفتن نرخ تورم در شکل غیر متعارف، در عمل به قدرت خرید آنها اضافه نمی شود و برعکس قدرت خرید را به شدت کاهش می دهد. در حقیقت با توجه به افزایش نرخ تورم و عدم افزایش دستمزد پایه بر اساس نرخ تورم، دستمزد واقعی روز به روز کاهش می یابد.

روز آدینه ۲۷ دی، تلویزیون حکومتی یک شوی تلویزیونی در رابطه با دستمزد کارگران بر پا کرد. در این شوی حکومتی جای نمایندگان واقعی و منتخب کارگران خالی بود. برآمد این سناریوی تلویزیونی چیزی جز پیشبرد منافع پاسدارندگان نظام استثمار و بردگی نبود. برگزاری چنین نمایشهایی اهمیت موضوع افزایش دستمزد به عنوان یک چالش بین کارگران و مزدبگیران با حکومت را برجسته می کند.

شرکت کنندگان در این برنامه تلویزیونی در برابر سوال مزد سال ۹۳ چقدر باید باشد رقمی بیش از ۱.۵ میلیون تومان را پیشنهاد دادند. یکی از شرکت کنندگان خط فقر را ۲ میلیون و ۹۰۶ هزار تومان برآورد کرد. پیشنهادهای داده شده در این برنامه جدی گرفته نخواهد شد و تنها یک برنامه تبلیغاتی است. این افراد چون گذشته در نهایت در چارچوب پیشبرد سیاست دولت و سرمایه داران در شورای عالی کار به رقم پایین مزد امضا خواهند گذارد.

شورای عالی کار ترکیبی از نماینده دولت به عنوان کارفرمای بزرگ، نماینده کارفرمایان و نماینده منتخب دولت از شوراهای اسلامی کار همه ساله با تعیین دستمزد پایه سرنوشت معیشت و زندگی میلیونها مزدبگیر در کشور را رقم می زنند. کسانی که در این کانون امضای خود را به عنوان نماینده کارگران زیر تصمیم شورای عالی کار می گذارند، مدافعان نظام هستند. حتی اعضای از تشکلهای به اصطلاح کارگری غیر از انجمنهای اسلامی که به رسمیت شناخته شده اند در تصمیم گیری این نهاد حق رای ندارند.

افزایش دستمزد و تعیین سبد هزینه زندگی کارگران و مزدبگیران باید با مشارکت و نظر نمایندگان برآمده از تشکلهای مستقل کارگری صورت گیرد تا بتواند از افزایش فقر جلوگیری کند.

سبد کالاهای حمایتی در برابر واقعی کردن دستمزد

رژیم اعلام کرد که در ماههای بهمن و اسفند به کارگرانی که حداقل حقوق دریافت می کنند، «سبد کالای حمایتی» پرداخت می شود. میزان ناچیز روغن مایع و برنجی که در سبد کالاهای حمایتی چینش شده، قبل از پر کردن سفره کارگران و مزدبگیران، برای پر کردن بادبادکی است که دولت روحانی قرار است به نام حمایت از کارگران هوا کند. احمدی نژاد با سیاست صدقه پروری در برابر خواست به حق واقعی کردن دستمزد و برابر کردن آن با نرخ تورم مقابله کرد و اکنون حسن روحانی با کمک چند کیلو گوشت و برنج در برابر خواست افزایش حداقل دستمزد در شکل عادلانه و همخوان با نرخ تورم مقابله می کند. مقایسه کردن یک کیلو برنج و روغن در برابر دزدیهای کلان میلیاردرهای حکومتی، تحقیر کارگران و مزدبگیران است.

طرح دولت به نام سبد کالای حمایتی، طرحی موقت است که نه تنها مشکل فقر و تنگدستی را حل نمی کند بلکه تبعیض، نابرابری و فقر را بیشتر دامن می زند. این سیاستی فریبکارانه است. افزایش حقوق خواست عادلانه است که به مبارزه کارگران برای بهبود شرایط و واقعی کردن ارزش کار آنها یاری می رساند. واقعی کردن ارزش کار، قدرت خرید نیروی کار را بالا می برد. هر چه نا همخوان بودن مزد با نرخ تورم بیشتر شود، فقر بیشتر می شود. با تعیین حداقل مزد در سال ۹۲ به اندازه یک سوم خط فقر، طبیعی است که بی عدالتی، فقر و آسیبهای ناشی از آن افزونتر می شود. اگر دولت دلش برای کارگران ذره ای می سوزد قانون کار را به نفع کارگران تغییر دهد، از افزایش حقوق واقعی دفاع کند و....

یکی از کارگزاران وزارت کار در گفتگویی با خبرگزاری حکومتی مهر، از تصمیم دولت برای ارائه کالاهای حمایتی بین ۸.۵ میلیون کارگرانی که دارای بیمه بوده و قانون کار شامل حال آنها می شود، صحبت کرده است. در حالی که بر اساس آمارهایی که در رابطه با همین موضوع در این خبرگزاری درج شده نشان می دهد که ۵ میلیون کارگر در کشور مشغول کار هستند که فاقد بیمه هستند، به عبارتی این ۵ میلیون شامل قانون کار نمی شوند.

یعنی ۵ میلیون نفر در هیچ سندی وجود ندارند که شامل سبد کالاهای حمایتی شوند. کارگزاران رژیم از سویی شناسایی گروههای کارگری و رساندن کالاها را مشکل دانسته و اعلام کرده اند که از راه کارت اعتباری انجام خواهند داد.

خواست افزایش حقوق و پرداخت تفاوت حقوق سالهای قبل با نرخ تورم و رسیدگی به شکایت کارگران در رابطه با مزد سال ۹۲، خواستی عادلانه است که می تواند به بهبود وضعیت معیشتی کارگران یاری رساند. سبدهای حمایتی و یا صدقه دادن، شیوه هایی دهن پر کن و برای حفظ نظام در برابر گسترش حرکتها اعتراضی کارگران است.

افزایش دستمزد خواستی عادلانه است که میلیونها کارگر و مزدبگیر را شامل می شود. هرگونه راه حل موقت، نمی تواند جایگزین این خواست شود.

سال ۲۰۱۴ از دیدگاه صاحب‌نظران سال رویدادهای سیاسی غیر منتظره و تحولات اقتصادی

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

- فرصتی برای شما، آقای اوباما
- رابطه خطرناک
- چرخش غرب
- اعتبار بانکهای مرکزی زیر سوال می رود
- شورش رای دهندگان
- گزارش فوروم اقتصاد جهانی برای سال ۲۰۱۴
- آتش انقلاب همچنان شعله ور خواهد ماند

آنان که فرارسیدن سال نو میلادی را جشن می گرفتند، یک آرزوی مشترک داشتند؛ آنها "سال خوبی" را برای همدیگر آرزو می کردند. برخی نیز این سال خوب را برای همه مردم جهان آرزومند بودند. در این نوشته نظری می افکنیم به پیش بینیهای برخی از صاحب نظران در امور اقتصادی و سیاسی جهان تا با آنچه آنان برای سال در پیش تصویر کرده اند، آشنا شویم.

مجله "اکنومیست" یک شماره خود را به دیدگاههای صاحب نظران اقتصادی اختصاص داده است. این مجله که در حال حاضر به طور هفتگی منتشر می شود، هر هفته یک و نیم میلیون نسخه آن در سراسر جهان به چرخش در می آید و دارای صد هزار آبونمان اینترنتی است.



فرصتی برای شما، آقای اوباما

غرب می تواند رهبری را باز پس گیرد و اعتماد به نفس پیدا کند "جان میکلویت" (John Micklethwait)، سردبیر مجله اکنومیست است و در رادیو و تلویزیونهای سراسر جهان حضور داشته است. ۵ کتاب به نامهای "دکترهای جادوگر"، "کمپانی"، "ملت بجا"، "آینده بی نقص" و "خدا سیاه است" نوشته است.

میکلویت می گوید، در دهه اخیر تصور غالب بر این بود که قدرت و نفوذ از سوی آمریکا به سمت چین چرخیده است. اعتماد به نفس آمریکا نخست از سوی بوش و جنگ علیه تروری که نابخردانه براه انداخت و دمکراسی را بدنام کرد، صدمه دید. سپس، بحران اقتصادی و در آخر ناکارایی مجلس سنا که سبب تعطیلی دولت در سال ۲۰۱۳ گشت، بر آن افزود. از سوی دیگر، چین در آسیا منافع خود را مصرانه پیش برد. اوباما به دلیل طی شدن دوران نقاهت جنگ در افغانستان و عراق، موضع دفاعی به خود گرفت. وی نتوانست دوران بیداری عرب را به خوبی هدایت کند و مسوولیت آن را به قدرتهای منطقه ای واگذار کرد.

سردبیر اکونومیست پس از شرح مختصری از این دوران، چشم انداز سال ۲۰۱۴ را اینگونه توصیف می کند: "در سال ۲۰۱۴ این تعادل بهم خواهد خورد. آمریکا در سال آینده قوی تر و چین در مقام پایین تری قرار خواهد گرفت. سوال اما این است که آیا آقای اوباما از این فرصت استفاده خواهد کرد و مهر خود را بر جهان خواهد زد یا نه؟ تحول یاد شده با مسایل اقتصادی آغاز خواهد شد. چین همچنان رشد سریع تری در سال ۲۰۱۴ خواهد داشت اما آمریکا بدین دلیل که مشکلات بانکی خود را حل کرده و کارخانه ها دوباره به قوت قبلی مشغول به کار شده اند، حفره های پیشین را پر می کند. در واقع با وزنه تبادل پولی بازار، سهم آمریکا در رشد جهانی به مراتب بیشتر از چین خواهد بود."

وی در جایی دیگر می گوید: "دهها سال طول خواهد کشید تا درآمد سرانه چین که ۱۱۰۰۰ دلار است بتواند به آمریکا که ۵۵۰۰۰ دلار است برسد. از سوی دیگر، در رابطه با شرکتهای بزرگ، آمریکا به سمت بهبودی پیش می رود. در سال ۲۰۰۹ سرمایه داری دولتی چین جذابیت بیشتری داشت. از ۱۰ شرکت بزرگ جهان، ۴ کمپانی متعلق به چین بود، در مقایسه با تنها ۳ کمپانی در آمریکا. اما سهامداران بتدریج متوجه شدند که سرمایه ای که به دست دولت اداره شود، "دخالت" دولت را هم همراه دارد. از این رو در سال ۲۰۱۳ از هر ۱۰ شرکت بزرگ جهانی، ۹ کمپانی آمریکایی بود. این تنها "پتروچین" بود که آمریکایی نبود. در چین اما ما شاهد بحران دیگری در سال ۲۰۱۴ خواهیم بود. وامهای متعددی به بخشهای گوناگون بوروکراسی و شرکتهایی که از کنار آن سود می برند، داده شده است. این امر سبب نوعی بحران مالی - بانکی در چین خواهد گشت."

نکته قابل توجه دیگری که آقای میکلویت بدان اشاره می کند، وجود توده های کم درآمد در هر دو کشور است که به ثروت قانونگذاران معترضند. در آمریکا، ثروت ۵۰ نفر از سناتورها مبلغ ۱/۶ میلیارد دلار است و در چین ثروت ۵۰ نفر از اعضای کنگره ملی این کشور مبلغ ۹۴ میلیارد دلار می باشد.

در انتها جان میکلویت متذکر می شود که منظور او از این گفته ها این نیست که چین رو به ضعف است، بلکه وی معتقد است که این آمریکا است که موقعیت خود را بهبود خواهد بخشید.

رابطه خطرناک



مسیر حل مناقشه هسته ای با ایران طولانی و خطرناک خواهد بود "ادوارد کار" (Edwar Car) در لندن اقامت دارد و سردبیر بخش مالی مجله اکونومیست در این کشور می باشد. او همچنین مدتی با "فایننشیل تایمز" همکاری می کرده و تخصص وی در انرژی، محیط زیست و تجارت است. آقای کار می گوید: "ممکن است قرن ما قرن اقیانوس آرام باشد، اما گهواره تمدن سرسختانه حاضر نیست این را بپذیرد. تفاوتی ندارد تا چه حد آقای اوباما تلاش کند سیاست خارجی خود را به سمت آسیا [چین] متمرکز کند، او به دفعات ناچار گشته به سمت خاورمیانه کشیده شود. در سال ۲۰۱۴ این امر به شکل روشن تری بروز داده خواهد شد، احتمالاً به شکلی دراماتیک.

این نه به خاطر درگیریهای خونین در سوریه، مصر، لیبی و غیره است و نه به خاطر اینکه "جان کری"، وزیر امور خارجه آقای اوباما خود را متعهد کرده اسرائیل و فلسطین را به سوی صلح ببرد (که به نظر نمی رسد هیچیک به دنبال او راه بیافتند). این بدان خاطر است که روحانی، رییس جمهور جدید ایران که قدرت کمتری از روسای جمهور پیشین دارد، آماده است در باره برنامه هسته ای کشورش تفاهم داشته باشد. موفقیت یا عدم موفقیت آقای اوباما در این امر قضاوتی

تاریخی را در بر خواهد داشت، سیاست خارجی اوباما را شکل خواهد داد و همزمان آینده خاورمیانه را نیز تصویر خواهد کرد.

هیچکس این تصور را ندارد که این راه آسانی باشد و آنهم به سه دلیل:

نخست آنکه به همان میزان که چشم انداز حل مساله اتمی وجود دارد، به همان اندازه هم چشم انداز برای جنگ بیشتر می شود.

اوباما بارها گفته است سلاح هسته ای را تحمل نمی کند. سناتورهای آمریکایی که حتی بر سر اینکه ماست سفید است هم نمی توانند به توافق برسند، در سال ۲۰۱۲ با رای ۹۰ بر ۱ بر سر مخالفت با ایران هسته ای توافق کردند. حتی اگر اوباما هم از قول خود دست بکشد، ایران باز هم نمی تواند این وضعیت را از سر باز کند و احتمالاً به جنگ کشیده خواهد شد. دومین مشکل این است که حتی اگر مناسبات با ایران از صفر به نیمه برسد، هدیه ای است برای رییس جمهور جدید که سعی می کند دولت خود را با بیداری عرب شانه به شانه کند. این موفقیت سبب می شود که آمریکا وضعیت را در دست یک کشور مسلمان دیگر رها کند. همچنین امکان این نیز هست که تحریمها ایران را فلج کند و رژیم آن را زیر ضرب و فشار قرار دهد. فروش نفت که در سال ۲۰۱۱، ۸۰ درصد درآمد این کشور را تشکیل می داد، به نیم رسیده و ارزش پول کاهش پیدا کرده است. بنا بر گزارشهای رسمی، تورم به ۴۰ درصد رسیده. این آسیبها دولت را وادار می کند که بفرک تسکین فوری بیافتد. اما اگر هم ایران بخواهد، دستیابی به این هدف ماهها طول خواهد کشید. با در نظر گرفتن سطح پایین اعتماد، به توافقی سخت نیاز خواهد بود و کشورهای طرف ایران حاضر نیستند که پیش از اعتماد سازی لطفی بکنند و تا زمانیکه کاملاً اطمینان بیابند، گامی در این جهت بردارند.

مشکل سوم از اینجا شروع می شود که روحانی آنقدر قدرت ندارد که "شیطان بزرگ" را به آغوش بکشد. بنابراین آنچه که ما باید بدان چشم بدوزیم، رفتار خامنه ای است. تا به حال که او دوگانه برخورد کرده، هم روی خوش نشان داده و هم آمریکا را تهدید کرده است. این یک نوشیدنی زهرآگین است که در آن عدم اعتماد و تهدید مخلوط شده است. اگر قرار است مذاکرات در نهایت به جایی برسد، باید از نقطه اعتماد شروع شود و این بار روی دوش ایران است. تنها با رفتار آنها است که دنیا می تواند بدانها اعتماد کند. روحانی ناچار است به طور دایم برای به وجود آوردن اعتماد مایه بگذارد. این واقعیت است که آقای اوباما نمی تواند کنگره را راضی به برداشتن تحریمها کند، مگر اینکه این اعتماد به وجود بیاید. در نظر داشته باشیم که مجلس آمریکا بسیار علاقمند است که اوباما از کسب افتخار حل مناقشه ی هسته ای محروم گردد. البته این راه هم وجود دارد که اروپاییها تحریمها را کاهش دهند.

در بهترین حالت نیز رابطه جدید و تاریخی بین ایران و آمریکا به وجود خواهد آمد. البته از جهاتی این دو متحدان طبیعی یکدیگر هستند. با برداشته شدن برخی از تحریمها و دور شدن خطر جنگ، ایران می تواند مانند دوران شاه نقش خود را در منطقه به دست بیاورد.

آقای اوباما فقط می تواند بخشی از تهدیدهای رژیم ایران را کاهش دهد اما نه تمامی آن را. در کوران تحولات داغ خاورمیانه، حتی این هم یک پیروزی به حساب می آید.

چرخش غرب

بیشتر اخبار خوب اقتصادی از جانب بخش غنی جهان خواهد بود

"لئو ابروزس" (Leo Abruzzese)، تحلیلگر اقتصادی و تجاری آمریکا و جهان و مدیر پیش بینیهای اقتصادی جهانی در مجله اکونومیست است.

وی معتقد است که در سال ۲۰۱۴ ایالات متحده آمریکا به رشد اقتصادی جهان بیشتر از چین و ژاپن بیشتر از هند کمک خواهند کرد. با وجود آنکه چین و هند رشد سریع تری نسبت به کشورهای ثروتمند همپای خود خواهند داشت، اما بازار دیگر مانند گذشته نخواهد بود. سه منطقه آمریکا، ژاپن و اروپا در این زمینه جهش خواهند داشت. در دو سال اخیر اقتصاد آمریکا ۳/۴ میلیون شغل به وجود آورده و در سال ۲۰۱۴، به این رقم، ۲ میلیون شغل دیگر نیز افزوده خواهد شد. سوخت ارزان کارخانه ها در آمریکا، تولیدات این کشور را قابل رقابت می کند و ارزش دلار بالا می رود.

وی پیرامون موقعیت اروپا نیز معتقد است، از آنجا که بخش آسیب دیده اروپا نیمی از بدهیهای خود را پرداخت کرده، تولید رشد داشته است، هزینه نیروی کار کم شده و بدهیهای بزرگ ایتالیا، اسپانیا و پرتغال محو شده است، بریتانیا نیز در حال رشد است و بهبود کشاورزی در ژاپن هم در راه است. بنابراین اروپا موقعیت بهتری را در سال ۲۰۱۴ خواهد داشت.

"هیچیک از اقتصادهای ثروتمند صدمه ای نخواهد دید. آمریکا ۳ درصد، ژاپن ۲ درصد و اروپا ۱/۲ درصد رشد اقتصادی خواهند داشت."



آقای ابروزس پیش بینی می کند که برزیل به اندازه کافی سرمایه گذاری نخواهد کرد، بدهی ترکیه افزایش پیدا می کند. بانکهای چین که انباشته از وامهایی است که به شرکتها پرداخته و آنها نمی توانند بازپرداخت کنند، دچار بحران می شوند. این حالت مشابه بحرانی است که ژاپن در سال ۱۹۹۰ و آمریکا در سال ۲۰۰۰ با آن مواجه شد.

از مشکلات در راه، موضوع رهبری جدید در چین است که درخواهد یافت دیگر امکان رشد ۱۰ درصدی وجود ندارد و با ۷ درصد باید خود را تنظیم کند. چین با بحران بانکی روبرو نمی شود، اما بازپرداخت بدهی به بانکها همچنان کاهش می یابد. در هند نیز بدهیها انباشته تر می شود.

از این رو، لئو ابروزس بر این باور است که در سال ۲۰۱۴، خبرهای خوب اقتصادی از سوی غرب خواهد آمد.

اعتبار بانکهای مرکزی زیر سوال می رود



برای بسیاری این سوال وجود دارد که آیا بانکهای مرکزی می دانند چه می کنند؟ "زانی مینتون بدودس" (Zany Minton Beddones)، اقتصاددان و نویسنده مجله اکونومیست در بخشهای اقتصاد آمریکا، سیاست اقتصادی غرب و جهانی سازی است. او مدیریت تیمی از نویسندگان اقتصاددان در سراسر جهان را به عهده دارد. زانی مینتون بدودس تالیفات متعددی در زمینه اقتصاد جهان، امور مالی آمریکای لاتین و آسیای مرکزی دارد. همچنین، سابقه کار در صندوق بین المللی پول را داراست.

زانی مینتون می گوید: "در ۵ سال اخیر بانکهای مرکزی کشورهای ثروتمند نجات دهندگان اقتصاد جهانی شناخته شده اند. موافقت آنان با کاهش بهره وامها، خرید سهام و تقبل سیاستهای غیر متعارف سبب شد که از سقوط بحران اقتصادی به مرحله قحطی جلوگیری شود. این در حالیست که دولتها بی وقفه و بیهوده

سیاستهای ریاضتی را به مردم تحمیل کردند و این خود سبب اخلاص بیشتر در اقتصاد شد. در هر حال این بانکهای مرکزی توانا تر بودند که زیر بال آنها را گرفتند.

در سال ۲۰۱۴ در بر همان پاشنه خواهد چرخید و اقتصاد در بیشتر کشورها قوی تر می شود. سیاستمداران به ویژه در اروپا، اشتباهات اقتصادی کمتری می کنند، اما بانکهای مرکزی باز به کمک می شتابند. در اواخر سال ۲۰۱۴ این بحث که آیا تکنوکراتها می دانند چه می کنند، بالا می گیرد. آنها هم در زمینه سیاست و هم نقش تازه شان به عنوان مدیران مالی زیر سوال می روند. در اینجا است که اعتبار بانکهای مرکزی فرو خواهد کاست."

شورش رای دهندگان



دمکراسی در تهدید است، زمان اصلاحات فرا رسیده "فیلیپ کوگن" (Philip Coggan) در حال حاضر مقاله نویسنده مجله اکونومیست است، اما پیشتر به مدت ۲۰ سال در فایننشیل تایمز اشتغال داشته و آخرین شغل او در این روزنامه، مدیر بخش سرمایه گذاری بوده است. وی که جایزه بهترین ژورنالیست اقتصادی سال را دریافت کرده، نویسنده کتاب "قولهای کاغذی: پول، بدهی و نظم نوین جهانی" می باشد.

فیلیپ کوگن بر این باور است که سال پیش رو سال مهمی برای دمکراسی است. در سال ۲۰۱۴ رای دهندگان عمده ترین کشورهای در حال توسعه جهان به پای صندوق رای می روند. این شامل هند، اندونزی، برزیل می شود. همچنین ایالات متحده آمریکا

و ۲۸ کشور اتحادیه اروپا نیز با انتخابات روبرو خواهند بود. اما آنچه که باید توجه داشت این است که از دهه ۷۰ شمار رای دهندگان کاهش پیدا کرده و از ۸۰ درصد به ۷۰ درصد رسیده است. شک و تردید نسبت به سیاستمداران در سراسر جهان عمیق تر شده است.

احزابی که هنگام بحران اقتصادی در قدرت بودند، با مخالفان خود جایگزین شدند، اما سیاستها تغییر محسوسی نکرد. باز هم به رای دهندگان، سیاستهای ریاضت اقتصادی خورانده می شود. آنها هنوز رنج بیکاری را تحمل می کنند و امیدی به بهبودی زندگی معیشتی خود ندارند. سیاستمداران هم هدایای خوبی ندارند که به رای دهندگان بدهند. در واقع خدماتی که مردم بدان نیازمندند، همچنان قطع شدند. از همین روست که رای دهندگان از احزاب اصلی میانه دور می شوند و به سمت احزاب چپ و یا راست متمایل می گردند. برای نمونه در یونان به سمت "سیریزا" (چپ) یا فجرطلائی (راست)، در ایتالیا به "په گریلو" و در بریتانیا به "حزب مستقل بریتانیا" روی آورده اند. حتی در آمریکا که در هر انتخابات همواره یکی از دو حزب اصلی قدرت را در دست می گیرد، امکان اشتراک وجود نداشته و جدلهای سیاسی زیادی به وجود آمده. در انتخابات میان دوره ای در اوسط نوامبر به این جدل و درگیری افزوده می شود. از این روست که به تدریج نمایندگان منتخب مردم، تصمیم گیریها را به دست تکنوکراتها سپرده اند.

تصمیمهای مالی به دست بانکهای مرکزی که توسط مردم انتخاب نشده اند سپرده شده است، آنها حتی از نخست وزیران هم بیشتر تصمیم گیری می کنند. در اروپا هم قوانین ملی به دست قوانین بین المللی افتاده، هم در دادگاههای قضایی و هم در دادگاههای حقوق بشری. از سوی دیگر، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی سیاستهای اقتصادی را تعیین می کنند. رای دهندگان درک کرده اند که نظر آنها اهمیت چندانی ندارد. این همان عاملی است که سبب شده برخی از شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، رویکرد ضد اتحادیه اروپا داشته باشند.

نویسنده سپس برای رهایی از این وضعیت پیشنهاداتی را ارائه می دهد:

"روشهایی برای اصلاح وضع موجود و کسب اعتماد رای دهندگان وجود دارد، اما متأسفانه در سال ۲۰۱۴ بدانها جامع عمل پوشانده نخواهد شد. بهترین راه فوری برای درمان دموکراسی بیمار، رشد اقتصادی است تا بدان حد که درصد بیکاری کاهش پیدا کند و درآمدهای واقعی مناسب ایجاد شود. رای دهندگان باید امید تازه ای پیدا کنند تا متوجه شوند می توانند در تغییر سیاستها موثر باشند.

گزارش فوروم اقتصاد جهانی برای سال ۲۰۱۴

"فوروم اقتصاد جهانی" گزارشی از تهدیدهایی که جهان در سال ۲۰۱۴ با آن روبرو خواهد بود منتشر کرده است. این گزارش دارای لیستی است که به ۳۳ موضوع که پتانسیلی منفی برای تمام کشورها و صنایع جهان دارد، اشاره کرده است. این مجمع اقتصادی، ۵ تهدید مهم را از این قرار برشمرده:

۱- نابرابری درآمدها

۲- حوادث شدیدی که در اثر آب و هوا رخ می دهد

۳- بیکاری

۴- تغییرات آب و هوا و محیط زیست

۵- حملات سایبری

گزارش مزبور همچنین از ۴ شاخص که به ثبات جهانی در یک دهه زبان می زند، یاد کرده:

۱- بی ثباتی در بازار در نتیجه فشارهای اقتصادی و اجتماعی

۲- نزاع بین کشورها پیرامون مسایل سیاسی و تجاری

۳- گسترش درگیریهای سطح پایین ناشی از تغییرات تکنولوژیکی و عدم تمایل قدرتهای بزرگ برای دخالت که می تواند به جنگهای تمام عیار منجر شود

۴- پیشرفت کند در حل چالشهای جهانی: ادامه بن بست در اداره نهادهای حکومتی جهانی می تواند به شکست در پاسخ درست به چالشهای محیط زیستی و رشد و توسعه منجر شود.



آتش انقلاب همچنان شعله ور خواهد ماند

گفتگوی "گیلبرت آکار" (Gilbert Achcar)، سوسیالیست و نویسنده چندین کتاب پیرامون خاورمیانه از جمله "مردم می خواهند: چرخش رادیکال در خیزشهای عربی" و "مارکسیسم، شرق شناسی، جهان وطنی" با "اریک رودر" (Eric Ruder)، عضو هیات تحریریه نشریه "سوسیالیسم بین المللی"

گیلبرت آکار: در آغاز سال ۲۰۱۱، جنبش کشورهای عربی امیدهای گرمی را به دلها آورد،

اما امروز این امید به یاس تبدیل شده، به ویژه به خاطر شرایط موجود در سوریه مصر، تونس و غیره. سه سال گذشته را چگونه ارزیابی می کنید؟ چشم انداز چیست؟

اریک رودر: من فکر می کنم سرخوشیهای سال ۲۰۱۱ در واقع بیجا بودند، همینطور هم دلسردیهایی که اکنون مشاهده می کنیم. اینها واکنشهای امپرسیونیستی به حوادث هستند. البته در آغاز خیزشها، توده های عظیمی در چندین کشور به

میدان آمدند که سبب امیدواری بسیاری شد و این قابل درک است. آنچه که امروز اهمیت دارد این است توجه داشته باشیم که تنها تغییر رژیم سیاسی یا به اصطلاح تغییر دمکراتیک کافی نیست. در نهایت باید دید چگونه می توان تغییرات رادیکالی را وقتی در برابر پایه اصلی حکومت یعنی ارتش قرار می گیری، ایجاد کرد. این امر فندق سخت پوست تری از سرنگونی مبارک در مصر و بن علی در تونس است. چندان طولی نکشید که اعتراضات، رهبران را از تخت پایین کشید، اما استخوان بندی اصلی رژیم بر جای ماند.



در کشوری مثل سوریه که نیروهای نظامی مانند حلقه های زنجیر به خانواده حکومت وصل هستند، نمی توان حتی گامهای اول را بدون نشانه رفتن قلب حکومت برداشت. در هر سه کشور مشکلات بزرگ هستند و حل آنها نمی تواند در هیچیک از این کشورها در پروسه کوتاه مدت صورت بگیرد. بنابراین آنچه که در ۲۰۱۱ اتفاق افتاد، بخشی از یک پروسه طولانی مدت است. تا زمانی که اراده مردم برای به دست آوردن مطالبات شان باقی بماند، هنوز جای امید وجود دارد. در حال حاضر نیروهای مترقی ایزوله شده اند، در حالی که نیروی دیگر جلو و در مرکز قرار گرفته اند. رژیم اسد به گونه چشمگیری از سوی روسیه و ایران حمایت می شود و بنیادگرایان از سوی خلیج نشینان پشتیبانی می شوند. در سوریه نیز باید به فراتر از آنچه که در حال حاضر مشاهده می کنیم، بیاندهشیم. نباید فراموش کنیم که این تغییر تعادل نظامی تقریباً امری تازه است. تا چند ماه پیش، رژیم سوریه در حال شکست بود و در موقعیت بدی قرار گرفته بود که ایران به نجاتش شتافت. هزاران تن از نیروهای حزب الله در لبنان و از عراق در کنار اسد ایستادند و جنگیدند. بدین وسیله رژیم توانست تعادل قوا را برهم زند.

اما در سال آینده هنوز پتانسیل تغییرات دمکراتیک وجود دارد. جنبش هنوز زنده است. مردم سوریه گول نیروهای بنیادگرا را نخورده اند.

تا زمانی که درگیری مسلحانه وجود دارد، آنکس که سلاح بیشتری دارد، دست بالاتری خواهد داشت. اما نبرد مسلحانه خاتمه پیدا خواهد کرد. بحرانهای اجتماعی - اقتصادی باز ظاهر خواهند شد. همزمان، پتانسیل نیروهای مترقی، پتانسیل دمکراتیک و انقلابی در سراسر سوریه بسیار قوی است.

اریک رودر در جمع بندی نهایی می گوید: مهمترین نکته در اینجا است که تخت زیر پای رژیمهای مستبد و ارتجاعی که سالها در منطقه حکمرانی کرده اند و به نظر می آمد تا ابد برجای می مانند، از سال ۲۰۱۱ به آتش کشیده شده است. شعله تغییرات انقلابی فراگیر شده و دیگر به آسانی خاموش نمی شود. البته نیروهای واپس گرا نیز رشد کرده اند و بنابراین همه مبارزات به پیروزی ختم نمی شود. اما موضوع کلیدی در این است که در حال حاضر این پروسه هنوز در جریان است و زمان خوبی برای سازماندهی، عمل و برای روشن کردن استراتژی سیاسی وجود دارد. باید در این پروسه شرکت فعال داشت.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.co

دستگیری بابک زنجانی و رضا ضراب، تغییر کاربری عوامل دور زدن تحریم

جعفر پویه

خبر دستگیری بابک زنجانی، میلیاردری که یک شبه ره صد ساله رفته بود، همزمان با خبر افتضاحات اقتصادی در ترکیه و دستگیری رضا ضراب یا صراف، همزاد اقتصادی او، نگاههای بسیاری را به خود جلب کرد. جالب است که بعد از توافق اتمی رژیم با طرفهای خارجی به ناگاه ورق برگشته و این بار پرونده سازی برای بابک زنجانی نه از تحریریه روزنامه کیهان، بلکه از مجلس آخوندها کلید خورد. دستور دستگیری کسی که خود را یک "بسیجی اقتصادی" معرفی می کرد را غیرمستقیم حسن روحانی، رییس جمهور رژیم تحت نام مفسد اقتصادی می دهد و به ناگاه زلزله ای در دو طرف مرز یکی در ترکیه و دیگری ایران بین سیاستمداران فاسد براه می افتد و تن بسیاری به لرزه در می آید. طرح این سووال که ارتباط پرونده بابک زنجانی در تهران با رضا ضراب در ترکیه چه اندازه است و چرا این دو بعد از توافق اتمی افشا می شوند، سویه های سیاسی این رسوایی اقتصادی را پر رنگ تر می کند. تاثیر این زلزله در اتفاقات منطقه از سوریه تا عراق یک طرف و جابجایی دولت ترکیه یا کوتاه کردن دست آن از این اتفاقات، سویه دیگر آن است. بند و بست اقتصادی برای به زیر کشیدن سیاستمدارانی که در دو سوی ماجرا صف بندی کرده اند و خطوط ارتباطی آنان با این پرونده ها نیز می تواند جالب ترین بخش ماجرا باشد. اینکه یک بسیجی اقتصادی با سر و صدای فراوان و در یک تبلیغات وسیع به ناگاه از پرده بیرون می جهد تا اسباب دست عملگرایان سیاسی شود نیز از بی بته گی و ناشیگری این دلکتهای بی خاصیت است. نگاهی گذرا به طرفهای درگیر در این پرونده و شیب بندی سیاسی و سنگرسازیهای پشت آن می تواند راهنمای خوبی برای شناخت اینگونه بازیهای کثیف باشد.

تحریم شکنها، رقیب شکن شده اند

وقتی احمدی نژاد با فیلم فاضل لاریجانی وارد مجلس آخوندی شد تا برادران لاریجانی را سر جای خود بنشانند، وعده برادر کوچکتر آنها به سعید را نقل کرد که گفته بود اگر زنجانی او را به عنوان مباشر خود به کار گیرد، خواهد توانست با توجه به نفوذ برادرانش مشکلاتی را که اغلب برای فعالیتهای اقتصادی پیش می آید حل کند. اکنون مشکلاتی که فاضل لاریجانی به آنها اشاره کرده و به بابک زنجانی نسبت به آنها هشدار داده بود، خود را نشان داده اند، اما نه از فاضل لاریجانی خبری هست و نه از سعید مرتضوی و احمدی نژاد و مابقی مدافعان. همان روز باید فهمیده می شد که بابک زنجانی، این مدعی تازه به دوران رسیده با پولهای باد آورده از صدقه سر تحریمهای اقتصادی، ابزار دست سیاسی کارهای کارکشته است و به راحتی می توان از او برای مقاصد سیاسی و منکوب کردن حریفان استفاده کرد. با چنین نمایشی که بابک زنجانی از خود بروز می دهد، بدیهی است که کسان بسیاری هشیار می شوند و این بی بته تازه از راه رسیده که حد خود را نمی داند و با پولهای درشتی که تا دیروز در خفا خرج کرده و راه ترقی خود را باز کرده، اکنون هر آن ممکن است دهان باز کند و دانسته و یا نادانسته بسیاری را به چاه ویل سیاست سرازیر نماید. این است که می شود گفت در همان ابتدای کار او با دست خود گور خودش را کنده و خود را همچون سیلی نشان داده که می تواند آماج هر تیر مستقیم یا کمانه کرده سیاسی گردد. بنابراین برداشتن او از سر راه کار را برای بسیاری آسان کرده و خیال بسیاری را نیز راحت می نماید. هرچند که حسرت دلارها و باج سبیلهای چرب او به دل بعضی دیگر خواهد ماند.

وقتی رهبر و ولی فقیه رژیم، سید علی خامنه ای در سخنرانی ۱۶ شهریور ادعا کرد که "محاسبات تحریم کنندگان ایران نادرست است و ایران با دور زدن تحریمها، تحریم کنندگان را ناکام خواهد گذاشت" پشت او به چه کسانی برای این کار

گرم بود؟ هرچند دستگاه امنیتی و شرکتهای بزرگ و کوچک تحت نظارت بیت خودش بخشی از این پروژه بودند، اما مارهای خوش خط و خالی همچون بابک زنجانی و رضا ضراب ستونهای اصلی و کارای او محسوب می شدند. این نورچشمیهای رهبر برای دور زدن تحریم، امروز دیگر کارکردشان را از دست داده اند. رژیم جمهوری اسلامی به همت حسن روحانی و دولت امنیتی اش توانستند با قدرتهای جهانی توافق کنند و این ابزارهای پر زرق و برق را کنار بزنند. حال این عوامل فرسوده و ناکارآمد دور زدن تحریم که خوش رنگ و لعاب هم هستند، تبدیل به دست افزاری برای تصفیه حسابهایی که وقت پرداخت آن سر رسیده، شده اند. آنانی که تا دیروز آتش می افروختند و دانشگاه آزاد را بهانه قرار دادند تا یکی از ستونهای نظام را جا کن کنند، رهبری مجلس خبرگان را ستاندند و راه نماز جمعه را سد کردند، باید فکر امروز را می کردند که بابک زنجانی چنان گلوگیر خواهد شد که نتوان با هیچ سنبه ای آنرا فرو داد. منهای رفسنجانی که یک پای دعوای دولت روحانی با مابقی مدعیها ست، برادران لاریجانی نیز با همین پیه تن شان چرب شده است. علی لاریجانی که با پاتک محمود احمدی نژاد خواب رییس جمهور شدن را از سرش بدر کرد، حال بابک زنجانی را در دستگاه عدالت برادر دارد تا به شیوه مقتضی آنرا به کار گیرد. نه تنها دار و دسته نمایندگان مجلسی که برای دولت هر روزه قال چاق می کنند باید حساب کار خود را بکنند، بلکه همه اعضای دولت قبلی باید حساب دست شان باشد که از مهلکه بابک زنجانی جان بدر نخواهند برد.

دستگاه ها وارد می شوند

در امتداد نزاع، ۱۲ نماینده مجلس آخوندی در نامه ای خطاب به سران سه قوه نوشتند که "فساد مالی مزمن به فساد سیاسی و جرایم یقه سفیدها دامن زده است" و خواهان دستگیری بابک زنجانی شدند. آنان شکایت کردند: "سالها مامشات با فساد مالی، متاسفانه امروز کشور را به فساد سیستمی رسانده است. ویژگی این مرحله از فساد آن است که دستگاه ها و نهادهای مسوول مبارزه با فساد، خود گرفتار مراتبی از فساد می شوند."

سردسته امضا کنندگان این نامه شداد و غلاظ کسی نیست جز احمد توکلی که پسرخاله لاریجانیهاست. چه نفعی دستگیری بابک زنجانی برای توکلی دارد که اینگونه به شیوه روزنامه کیهان اردو کشی کرده را باید در پخش نوار احمدی نژاد در مجلس و افشاگری او با سند سازی علیه فک و فامیل اش جستجو کرد.

اندکی پس از این جو سازی و رسانه ای شدن موضوع بابک زنجانی، حسن روحانی در نامه ای به اسحاق جهانگیری، معاون اول خود که رییس ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی هم هست، دستور می دهد: "از آنجا که مبارزه با مفاسد اقتصادی لازمه پیشرفت و عدالت است و دولت تدبیر و امید، برای خروج اقتصاد کشور از رکود و ایجاد رونق اقتصادی، تامین امنیت برای فعالیت سالم اقتصادی را در اولویت کار خود قرار داده است، مقتضی است اقدامات لازم برای شناسایی و مجازات کسانی که با تبانی و سوو استفاده از امتیازات خاص، زمینه ویژه خواری و درآمدهای غیرموجه فراهم کرده اند در اولویت کار قرار گیرد. به ویژه ضروری است موارد سوو استفاده از شرایط تحریم مورد رسیدگی قرار گیرد و برای حراست از حقوق مردم و بیت المال اقدام فوری صورت پذیرد و گزارش مربوطه ظرف یک ماه به اینجانب ارایه گردد."

اگر به مندرجات این نامه و دستور رییس جمهور رژیم عمل شود، باید صف طویلی از "برادران قاچاقچی" احمدی نژاد یعنی فرماندهان سپاه، تعدادی از اعضای بیت رهبری، کسانی از مجلس آخوندی، کارچاق کنه های لانه کرده در بانک مرکزی، صاحبان اسکله ها و فرودگاههای غیرقانونی، دست اندرکاران بازار ارز و طلا و... را دستگیر کرده و تحویل مقامات مربوطه دهند. اما از آنجا که هر دستور معنایی و هر نامه هدفی دارد، تنها بابک زنجانی مفسد اقتصادی و هدف نامه

روحانی تشخیص داده شده و غلامحسین محسنی اژه ای اعلام کرد: "بابک زنجانی با توجه به مسایل و اتهامات وارده، در هفته های اخیر از سوی مراجع قضایی بازداشت شد."

هرچند رهبر و ولی فقیه رژیم افتخار می کرد که "ایران با دور زدن تحریمها، تحریم کنندگان را ناکام خواهد گذاشت" و رستم قاسم خانی، وزیر نفت و فرمانده قرار گاه خاتم الانبیا با تبانی مجلسیها بخش خصوصی را وارد قراردادهای نفتی کرده و عملکرد کسانی چون بابک زنجانی را قانونی نمودند، اما امروز همان مجلسیها در برابر عملکرد خود نه تنها پاسخگو نبوده، بلکه به دلایلی مشخص بابک زنجانی را به دلیل "دامن زدن به جرایم یقه سفیدها" هدف قرار داده اند تا از این نمذ کلاهی برای خود بدوزند.

پس از بازداشت بابک زنجانی، بیژن نامدار زنگنه، یکی از سرمایه داران بنام جمهوری اسلامی و وزیر نفت دولت روحانی ادعا کرد که بابک زنجانی دو میلیارد دلار پول نفت را به دولت پرداخت نکرده است. از سوی دیگر مسوول رسیدگی به پرونده بابک زنجانی در وزارت نفت، عبدالرحمان ندیمی بوشهری می گوید زنجانی با شکایت وزارت نفت دستگیر شده است. حال اگر وزارتخانه ای شاکی کسی است، پس چرا رییس جمهور دستور می دهد؟ این وسط ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی کجای کار قرار دارد؟ از جانب دیگر عبدالرحمان ندیمی بوشهری در مورد بابک زنجانی و ورود او به معاملات نفتی می گوید: "در شرایط فشارهای ناشی از تحریم و لزوم پذیرش ریسک، به تشخیص مقامات وقت وزارت نفت و بانک مرکزی برای عبور از این شرایط دشوار، فروش نفت به وی انجام گرفت." وی ادامه می دهد: "شروع حضور آقای بابک زنجانی در معاملات نفتی به خرداد سال ۱۳۹۱ برمی گردد و از تاریخ اول دی ماه ۱۳۹۱ هم وزارت نفت با وی دیگر هیچ معامله ای نداشته است. البته قبل از آن وی از طریق بانک خود اقداماتی در جهت جابه جایی پول انجام می داد."

با این حساب بابک زنجانی تنها ۶ ماه در سال ۹۱ به تشخیص مقامهای وزارت نفت (رستم قاسم خانی) و بانک مرکزی (محمود بهمنی) به معاملات نفتی مشغول بوده است. به ادعای نماینده وزارت نفت که مسوول پیگیری پرونده بابک زنجانی است، او قبل از این سالها به کارهای دیگری همچون جابجایی پول مشغول بوده است. اینکه ادعاهای این فرد تا چه اندازه واقعیت دارد، جای حرف بسیار دارد، زیرا کشاکشی که در دولت احمدی نژاد در مورد بابک زنجانی وجود داشت، نشان می داد که او مبالغ گزافی از اموال وزارت نفت را بالا کشیده و با پول آن به معاملات دیگری دست زده است. بانک سازی و ثبت شرکتهای متفاوت و سازماندهی یک امپراتوری مالی چیزی نیست که از محل پورسانت معاملات کثیف ساخته شده باشد. به غیر از آن، اژدهای چند سری که یکی از سرهای آن بابک زنجانی است، آنچنان هیولایی است که کسانی چون ندیمی بوشهری حتا جرات اظهار نظر در مورد آنها را ندارند، هرچند نماینده وزارت نفت باشند و مسوول پیگیری پرونده ای که نزدیک شدن به آن مثل تماس با تله انفجاری با احتمال خطر مرگ همراه است. بابک زنجانی خودش در گفتگو با خبرنگاران می گوید: "بانک مرکزی ایران دیگر پولی در بساط نداشت، آنها از من خواستند تا پول نفت را به ایران بیاورم تا نظام بتواند از این پول استفاده کند، من هم کاری که خواستند انجام دادم."

بسیجی اقتصادی و آقازاده

گوشه ای از چگونگی کارکرد این غلام حلقه به گوش باندهای تبهکار رژیم مدعی نمایندگی خدا بر روی زمین را می شود در پرونده ای که در ترکیه در جریان است، بهتر مشاهده کرد.

جذابیت این پرونده وقتی بیشتر آشکار می شود که ارتباطات پیدا و پنهان این باند تبهکار بین المللی را با مقامهای بلند پایه رژیم جمهوری اسلامی مشاهده کنیم. حسین ضراب (پدر رضا ضراب، متهم ردیف اول فساد اقتصادی در ترکیه) از نزدیکان باند احمدی نژاد است و سالها است که به زد و بندهای پنهان پولی و اقتصادی از دویی تا ترکیه مشغول است. در

سال ۱۳۸۶ طرح کارخانه "فولاد کاوه تیکمه داش" در سفر استانی هیات دولت به تبریز توسط ضراب پدر (حسین ضراب) به محمود احمدی نژاد ارایه می شود و او در همان جلسه دستور موافقت با آن را صادر می کند. جالب است که بدانیم رییس هیات مدیره این کارخانه، آقا زاده او، رضا ضراب است. حسین ضراب به غیر از این کارخانه، در واردات و صادرات، کشتیرانی و صرافی در دوی... نیز فعالیت می کند. سایت "افکار نیوز"، از سایتهای نزدیک به باندهای امنیتی رژیم در گزارشی می نویسد: "تنها در سال ۱۳۸۷، ۹ آگهی تاسیس شرکت فولاد در روزنامه رسمی از سوی این خانواده به ثبت رسیده است." شرکت فولادگستران قائم سهند، شرکت صنایع فولاد سدید تیکمه داش، شرکت فولادسازان نصر تیکمه داش، شرکت مجتمع صنایع فولاد قائم تیکمه داش، شرکت صنایع فولاد نوین تیکمه داش، شرکت صنایع فولاد کاوه تیکمه داش، شرکت صنایع نورد مهر تیکمه داش، شرکت صنایع ذوب الغدیر تیکمه داش و شرکت مجتمع صنعتی آذر سهند تیکمه داش از جمله شرکتهایی هستند که این سایت خبری، رضا ضراب را به عنوان عضو هیات مدیره آنها معرفی کرده است. این شرکتها به جز صنایع فولاد کاوه، در دو تاریخ یعنی در تاریخ ۲۹ و ۱۵ آبان سال ۸۷، تاسیس شده اند. رضا ضراب، فرزند ارشد حسین ضراب، بسیجی اقتصادی رژیم ولایت فقیه است که سالهاست در خدمت به باند ولایت به کارچاق کنی بین المللی اشتغال دارد. او جوانی پر هیاهو و دست و دل باز است. ازدواج او با خواننده زن ترک، "ابرو گوندش"، به تیتراژ یک مجلات زرد تبدیل شد و بر سر زبانها افتاد. حضور او و همسرش در سال ۸۹ در کرج و شرکت در میهمانی افطار اسفندیار رحیم مشایی بیش از گذشته وابستگی او به باندهای داخلی حکومت را افشا کرد. رضا ضراب با کسب ملیت از ترکیه، نام خانوادگی خود را به "صراف" تغییر داده. او مالک شرکت "هلدینگ رویال" بوده و در تجارت سنگهای قیمتی نیز فعال است. این شخص به تنهایی ۴۶ درصد تجارت طلای ترکیه را در اختیار داشته و با تاسیس شرکتهای اقماری به گسترش فعالیت خود مشغول بود. گردش مالی سالیانه او در ترکیه از بزرگترین سرمایه داران آن کشور نیز بیشتر بوده و ارقامی نجومی را شامل می شود. رضا ضراب در بازجویی پلیس ترکیه، بابک زنجانی را رییس خود معرفی کرده است.

فساد صادراتی دامن اردوغان را می گیرد

دستگیری رضا ضراب در ترکیه چنان زلزله ای برپا کرد که موجب استعفا سه وزیر کابینه اردوغان شد. پلیس ترکیه روز ۲۶ آذر در یک عملیات گسترده ۵۳ تن از جمله چند تن از کارفرمایان و سرمایه داران سرشناس را دستگیر کرد. در بین دستگیر شدگان نام سلیمان ارسلان (رییس بانک خلق)، مصطفی دمیر (شهردار منطقه فاتح استانبول و عضو حزب حاکم عدالت و توسعه)، پسر معمر گولر (وزیر کشور که نیروی پلیس هم زیر نظر او اداره می شود)، پسر ظفر چاغلایان (وزیر اقتصاد) و پسر اردوغان بیرقدار (وزیر محیط زیست و شهرسازی) دیده می شود. یک هفته بعد از این دستگیری، معمر گولر و ظفر چاغلان، وزیران کشور و اقتصاد ترکیه استعفا کردند و چند روز بعد اردوغان بیرقدار، وزیر کشور و شهرسازی و محیط زیست نیز از مقام خود کناره گیری کرد. به ظاهر ماجرا به هم اینجا ختم نشد و پلیس و دادگستری ترکیه که مدتها این باند را تحت نظر داشتند، اقدامات دیگری را تدارک دیدند تا کل این ماجرا را یکجا جمع نمایند.

به یک مرتبه دولت اردوغان که یکی از مدعیان منطقه و نماینده اسلام میانه رو و دموکرات شناخته می شد، در زیر آوار عظیمی از فساد مالی و اداری در حال دفن شدن قرار گرفت. رجب طیب اردوغان گرفتار در یک کلاف سردرگم، ابتدا حریف امروزی و هم پیمان دیرینه اسلامگرای خود یعنی فتح الله گولر را به توطیه چینی علیه خود متهم کرد. اما کشف جعبه های کفش حاوی چهار و نیم میلیون دلار پول نقد از خانه سلیمان ارسلان، مدیرعامل بانک خلق اوضاع را از گذشته بدتر کرد. برکناری تعداد بسیار زیادی از مقامهای پلیس به اتهام ارتباط و همکاری با فتح الله گولر اوضاع را به نفع رهبر

حزب عدالت و توسعه چرخش نداد، بلکه بسیاری ادعا کردند که دولت از ترس دستگیریهایی بیشتر اقدام به یک کودتای داخلی کرده است.

تا اینجای کار آبروی مدعی رهبری مسلمانان منطقه و رقیب جدی رژیم ولایت فقیه که خواب خلافت اسلامی در منطقه را می بیند ریخت و دولتش در یک قدمی سقوط قرار گرفت. حامی جدی مخالفان سوریه که از مرزهای مشترک تدارکات نظامی و مالی به آنها می رساند، اکنون خود در یک بحران داخلی گرفتار شده است. مدافع دولت سرنگون شده اخوان المسلمین مصر پایه هایش لرزان شد و ادعاهایش در مورد عراق و بقیه منطقه فروکش کرد.

زمانی برای تصفیه حساب

از یک طرف برخی آمریکا و نهادهای ناظر بر تحریمهای اعمال شده بر رژیم ایران را مسوول برملا شدن این فساد گسترده می دانند و از سوی دیگر، گولن، همپیمان و رقیب اردوغان در مظان اتهام قرار دارد. اما بعد از توافق رژیم با قدرتهای جهانی بر سر پرونده اتمی اش، نه تنها موضوع تحریم و محدودیتهای اعمال شده برای رژیم کمرنگ شد، بلکه بنابر افشاگریهای متعدد، توافقات صورت گرفته در گفتگوهای پشت پرده این زد و بند بین المللی که از مدتها قبل در جریان بوده، باعث و بانی اتفاقاتی است که در ترکیه و تهران به وقوع پیوسته است. اکنون دیگر مهره های دور زننده تحریم که ولی فقیه و کاربه دستان رژیم تا دیروز به آنان می نازیدند، کاربرد خود را از دست داده اند و با تغییر کاربری تبدیل به ابزار بازیهای جدیدی شده اند. رضا ضراب و دم و دستگاه عریض و طویل او که با رشوه های میلیونی، بالاترین مقامهای دولت ترکیه را تبدیل به پادو خود کرده بود، همچون چماقی بر فرق دولت اردوغان فرود می آید و بابک زنجانی، نور چشمی دولت احمدی نژاد و ویتترین نمایش منطقه ای آن، به اسباب تسویه حسابهای داخلی باندهای رژیم ولایت فقیه تبدیل شده است. رژیم ولایت فقیه تا دیروز با رضا ضراب بالاترین مقامات ترکیه را می خرید تا بتواند به دستور رهبرش تحریمها را دور بزند. حجم صادرات دولت را بالا می برد تا بتواند خودی نشان دهد و اکنون با همان ابزار، خرده حسابهای قدیمی را تسویه می کند و رقیب را وادار به عقب نشینی می نماید.

دولت امنیتی حسن روحانی بابک زنجانی را برای تصفیه حساب با باندهای رقیب دستگیر کرده است. آنکه بیش از همه باید بترسد، اعضای دولت احمدی نژاد و حامیان او هستند. ارقام درشت پولهای ردوبدل شده در پشت پرده و بدهیهای پرداخت نشده که سر به فلک می زند، بهانه دندانگیری برای سر جای خود نشانیدن بسیاری از حریفان است. اکبر رفسنجانی از یک طرف و برادران لاریجانی از سوی دیگر، منافع بسیاری در این کشاکش دارند. باندهای بزرگ و کوچکی که از این مهره بین المللی برای مقاصد خود بهره برده اند نیز در تیررس اتهام قرار دارند. دولتی که به خاطر چهار میلیارد دلار برای آمریکا خوش رقصی می کند و جای دوست و دشمن نشان می دهد، از حساب بانکی بابک زنجانی که حدود ۱۴ میلیارد دلار ذخیره دارد نمی تواند بگذرد.

دوره دله دزدان کوچک و پادوهای فرمانبر به سر آمده و اکنون پدر خوانده ها خود وارد میدان می شوند تا هرآنچه موجود است را به حساب خود واریز کنند. بهره سیاسی آن نیز نازشست کسانی است که در سنگرهای نظام جاهای خالی را پر کرده و در انتظار فرصت مناسب دقیقه شماری کرده اند.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

نبرد قهرآمیز عشایر رمادی و فلوجه در دو جبهه

آناهیتا اردوان

تداوم و افزایش سیاستهای اقتدارگرایانه نوری مالکی در شکل حذف و دستگیری رهبران و شخصیت‌های سیاسی سنی، تشدید اعدام و مجازات‌های غیر انسانی، بی‌اعتنایی به حقوق شهروندان سنی عراق و تهاجم وحشیانه به اعتراضات مسالمت‌آمیز، تاکتیک مبارزه مسلحانه را به معترضان تحمیل کرده است.

دستگیری "احمد العوانی"، نماینده سنی شهر "الرمادی" در پارلمان عراق و از اعضای "ائتلاف العراقیه" که از مخالفان سرسخت سیاستهای مالکی و نفوذ رژیم ولایت فقیه و سپاه قدس در عراق و سوریه است و به قتل رساندن برادر وی توسط نیروی سرکوبی مالکی، خشم جمعیت سنی عراق به ویژه در استان "الانبار" و دو شهر "فلوجه" و "الرمادی" را افزون‌تر از پیش برافروخت. نماینده مزبور به تازگی به ائتلاف موسوم به "الکرامه" پیوسته بود که اعتراضات شش استان سنی نشین را نمایندگی می‌کند. موج دستگیری رهبران سیاسی عراق پدیده‌ای نیست که امروز آغاز شده باشد، بلکه پیش از این نیز "طارق الهاشمی"، معاون رییس جمهور و "رافع العیسوی"، وزیر دارایی، از چهره‌های مشهور سیاسی نیز توسط نیروهای ضد تروریست مالکی دستگیر و یا وادار به تبعید شده‌اند.

در حال حاضر، ساکنان شهرهای فلوجه و رمادی با در دستور کار قرار دادن تاکتیک مبارزه مسلحانه در حال مبارزه خونباری با نیروی سرکوبی ارتجاع حاکم هستند. اتخاذ تاکتیک مبارزه مسلحانه و تشکیل "شورای کل نظامی انقلابیون عراق" در حمایت و دفاع از مبارزه قهرآمیز فلوجه و رمادی برآیند سرکوب وحشیانه تحصن‌ها و تظاهرات مسالمت‌آمیز و عدم تحقق خواسته‌های عدالت طلبانه معترضان است. مبارزه مسلحانه و مسالمت‌آمیز توسط سنی‌های عراق برای تحقق خواست ملی و مردمی یعنی سرنگونی دولت مالکی، کوتاه کردن دست ولایت فقیه از دخالت در مسایل عراق و ایجاد یک دولت کثرت‌گرا صورت می‌گیرد. به گزارش سایت مجاهدین خلق ایران، تلویزیون "الرافدین" اعلام کرد؛ شورای کل نظامی انقلابیون عراق از شوراهای نظامی در بغداد، الانبار، فلوجه، موصل، صلاح الدین، تلمیم، دیالی، ابوغریب، ضلوعیه و شرقاط تشکیل شده که از همه انقلابیون در استانهای بپاخاسته عراق می‌خواهد که به آن بپیوندند. در میثاق شورای مزبور آمده است: "روسای عشایر استان الانبار و شهرهای تابعه برای ثبت در تاریخ اعلام می‌کنند که سد مستحکمی در برابر پروژه ایران و همه‌آنهایی باشیم که همراه با رژیم ایران و مزدوران این رژیم توطیه کرده‌اند." میثاق مزبور اضافه می‌کند که نوری مالکی را مدیر اجرایی سیاست رژیم ایران در عراق می‌داند و علیه او و شبه‌نظامیان فرقه‌گرایش تا آخر خواهند جنگید.

نوری مالکی با استفاده از ترفند مبارزه با تروریسم و گروه "داعش" (حکومت اسلامی عراق و شام) وابسته به القاعده، به سرکوب قیام انقلابی عشایر سنی به ویژه در استان الانبار پرداخته است. به گزارش وبگاه سازمان مجاهدین خلق ایران، "ظافر العانی"، سخنگوی "ائتلاف متحدون عراق" ابراز می‌دارد که داعش یکی از بازوهای سپاه پاسداران است. وی اضافه می‌کند: "ما در الانبار به داعش به عنوان یکی از ویتربنی‌های سپاه پاسداران رژیم ایران نگاه می‌کنیم." خبرگزاری "الحره" نیز در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۴ با انتشار مقاله‌ای از مبارزه مردم در فلوجه و رمادی در دو جبهه علیه نیروی سرکوبی مالکی و داعش خبر داد.

به گزارش مندرج در سایت "همبستگی ملی"، محمد حجازی، معاون پشتیبانی ستاد کل نیروهای مسلح ریم ایران، برای ارسال تجهیزات نظامی به منظور سرکوب مردم استان الانبار اعلام آمادگی کرده است. بر اساس سخنان و اعلام مواضع نمایندگان ائتلاف العراقیه، عشایر انقلابی و خبرگزاری‌های مخالف، حضور داعش در فلوجه و رمادی جهت سرکوب معترضان است.

داعش از جمله نیروهایی است که دولتهای مختلفی جهت تامین منافع طبقاتی و سیاسی خود، از آن به نوعی بهره می برند. در حالیکه نیروهای سرکوبی مالکی و سپاه قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی به بهانه حضور نیروی داعش در فلوجه و رمادی به سرکوب قیام مسلحانه مردم تا حد بمباران و به توپ بستن شهرهای مزبور مشغولند، رسانه های امپریالیستی فربکارانه به تشویق و حمایت از مالکی در مبارزه با تروریسم و لاپوشانی قیام مردم مبادرت می ورزند. این دسته رسانه ها دقیقاً در راستای منافع دولتهای متبوع خود پیش می روند که به مالکی سلاح و تجهیزات نظامی فروخته اند. به گفته منابع دیپلماتیک عراق، به نقل از وبگاه همبستگی ملی، روسیه ۵۶ نفربر و توپ جنگی در بندر "ام القصر" تحویل دولت مالکی داده است. دولت آمریکا نیز بر اساس گزارش خبرگزاریهای خارجی، هواپیمای شناسایی و موشکهای هوا به زمین به مالکی فروخته است. دولتهای مختلف بر اساس موضع گیری پیرامون بحران منطقه از جمله نسبت به دیکتاتوری بشار اسد، تحت لوای مبارزه با تروریسم به دولت مالکی برای سرکوب جنبش حق طلبانه مردم سنی نشین یاری می رسانند. تعدادی از نمایندگان مجلس از اعضای ائتلاف العراقیه در اعتراض به حمله نیروی سرکوبی مالکی موسوم به "سوات" به استان الانبار استعفا داده اند. در همین راستا، ایاد علاوی با انتشار بیانیه ای کشتار مردم قیام کننده را محکوم کرد. به گزارش الحره در بیانیه مزبور آمده است که وی از همه وزیران وابسته به دولت قانون خواسته است که بی درنگ استعفا دهند.

با تشدید مبارزه مسلحانه و مسالمت آمیز شهروندان سنی عراق، قدرت المالکی بیش از پیش به خطر افتاده و دقیقاً به مانند مرتجعان حاکم بر تهران، سیاست سرکوب را در دستور کار قرار داده است. اما سوال اینجاست که آیا سرکوب در تاریخ همواره ره به تسلط می برد؟ به نظر نگارنده خیر! وجود مبارزات حق طلبانه مردم در سراسر جهان گویای این امر مهم است که مردمی که برای خواستههای مترقی مبارزه می کنند، برابر سرکوب حتی باوجود شکست، برای همیشه ساکت نخواهند ماند.

"مقتدی صدر" و "عمار حکیم" که در بسیاری مواقع گوش به فرمان ولی فقیه رژیم ایران هستند، متوجه تغییر توازن نیرو، ضعف مالکی در کنترل و ژرفش بحران سیاسی شده اند. بدین ترتیب، بعید به نظر می رسد که آنها برای حفظ و کسب قدرت سیاسی، از "حزب الدعوه" به رهبری نوری مالکی در انتخابات آینده عراق حمایت کنند.

سرنوشت سومین دوره انتخابات عراق با توجه به قیام مسلحانه عشایر انقلابی و تشکیل شورای نظامی عشایر انقلابی، موضع گیریهای ائتلافهای گوناگون و ناتوانی مالکی در برقراری صلح و آرامش به دلیل اجرای فرامین ولایت فقیه، بسیار حساس و پیچیده تر شده است. تداوم مبارزه بی امان مردم عراق، بر انتخابات آینده عراق تاثیر گذار است. این تاثیر در صورت تداوم و همه گیر شدن مبارزات قهرآمیز و مسالمت آمیز شهروندان عراقی و سازماندهی قدرتمندتر و رهبریت سیاسی جدی و توانمند بی تردید تغییر معادلات سیاسی که با خلع قدرت از نوری مالکی گره می خورد را رقم خواهد زد.

تضاد بین حزب الدعوه و دیگر احزاب سیاسی به موازات تضاد بین شهروندان سنی و دولت نوری مالکی در انتخابات ماه آوریل، قادر است تعادل را به زیان نیروی ارتجاعی نوری مالکی وابسته به رژیم ولایت فقیه تغییر دهد و در انتها پروژه صدور تروریسم و بنیادگرایی ولایت فقیه در عراق را با شکست روبرو سازد. قیام مردم در شش استان سنی نشین، باوجود قدرتمند بودن جبهه ضد انقلاب و حمایت دولتهای غربی از نوری مالکی و سرکوب و بمباران شهرهای فلوجه و رمادی، با تشکیل شورای کل نظامی انقلابیون عراق به مثابه بازوی نظامی و حمایت سیاسی ائتلاف العراقیه، جبهه مخالفان را تقویت کرده و مالکی را در گردابی از بحران قرار می دهد. روند مبارزات مردم عراق، با توجه به تداوم و رادیکالیزه شدن آن قادر است خیال شوم مالکی مبنی بر کسب مجدد قدرت سیاسی را برای نیروهای ارتجاعی و حامیان آن به سراب بدل سازد.

آخرین وداع با رضا مرزبان

روز شنبه ۲۸ دی، پیکر رضا مرزبان، روزنامه نگار برجسته در میان اندوه صدها ایرانی در گورستان پرلاشز به خاک سپرده شد.

زنده یاد رضا مرزبان در روز شنبه ۷ دی در ۸۵ سالگی بر اثر بیماری سرطان در بیمارستانی در حومه پاریس در گذشت. رضا مرزبان از مدافعان پیگیر آزادی اندیشه و بیان بود و در طول حیات خود از این پیکار دست برنداشت.



زنده یاد رضا مرزبان از جمله روشنفکران متعهدی بود که هرگز تسلیم دیکتاتوری شاه و شیخ نشد. او پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ اقدام به انتشار نشریه «پیغام امروز» کرد. اما رسانه افشاگر استبداد پس از چند ماه به دستور مرتجعان حاکم توقیف شد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت این مبارز راه آزادی را به خانواده وی و به همه آزادیخواهان ایران تسلیت می گوید.

رضا مرزبان از پیشروان سندیکایی در گذشت

رضا مرزبان روزنامه نگار و از موسسان سندیکای خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات در سال ۱۳۴۱ بود. او در مقام یک کوشنده سندیکایی از حقوق مادی و معنوی اعضای سندیکای خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات سالها دفاع کرد. رضامرزبان معتقد بود که در حرفه روزنامه نگاری، اطلاع رسانی و آگاه سازی وظیفه اصلی یک روزنامه نگار است. او روزنامه نگاری آرمان خواه بود و حقیقت خواهی را نیز از وظایف دیگر روزنامه نگاری می دانست. رضا مرزبان در دانشکده علوم ارتباطات گزارش نویسی و تنظیم خبر را به روزنامه نگاران آینده درس می داد و معتقد بود، تعهد یک روزنامه نگار به پخش درست اتفاقات و تعهد حرفه ای او نسبت به جامعه یک اصل اساسی در روزنامه نگاری است.

سندیکای خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات درخشان ترین فصل روزنامه نگاری حرفه ای را در ایران رقم زد. سندیکا گامهای بزرگ و بی سابقه ای برای ارتقای زندگی مادی و معنوی اعضای خود از یک سو و ارتقای کیفیت روزنامه نگاری ایران از سوی دیگر، برداشت. بیمه تامین اجتماعی به همراه یک بیمه عمر، ساختن ۱۲۱ واحد آپارتمانی در زمین خریداری شده برای اعضا، تشکیل صندوق بیکاری برای روزنامه نگارانی که ناخواسته بیکار می شدند و... بخشی از اقدامات سندیکا بود. به موازات آن سندیکا و اعضای آن حرکت مداومی برای مبارزه با سانسور و اعتلای مطبوعات انجام می دادند.

متأسفانه سندیکای روزنامه نگاران و نویسندگان مطبوعات در دهه شصت تعطیل گشت و روزنامه نگاران جوان نتوانستند از تجربیات این روزنامه نگار قدیمی و کوشنده سندیکایی بهره مند بشوند. رضا مرزبان در زمان فوت عضو کانون نویسندگان ایران بود.

ما درگذشت این کوشنده سندیکایی را به کارگران سندیکایی و انجمن صنفی روزنامه نگاران و کانون نویسندگان ایران تسلیت می گوییم.

سندیکای کارگران فلزکارومکانیک

۹ دی ۱۳۹۲

کارگران و مزدبگیران.....

چالشهای معلمان در دی ماه

فرنگیس بایقره

مخالفت با حضور روحانیون در مدارس

۲ دی - "سازمان معلمان ایران" در یک بیانیه مخالفت خود را با حضور روحانیون در مدارس اعلام داشت. به گزارش وبگاه "سخن معلم" این تشکل نوشت:

"طی یک تفاهم نامه میان اداره کل آموزش و پرورش تهران و حوزه علمیه تهران، مدارس دولتی تحت پوشش این طرح، به مدارس وابسته به حوزه علمیه تبدیل می شود. بر اساس این سند، مدیریت حوزه با استقرار روحانی ثابت در این مدارس، مدیریت تربیتی مدارس را بر عهده خواهد گرفت. در این سند، اداره کل آموزش و پرورش تهران، تعهداتی را به حوزه علمیه داده است که برخی از آنها به شرح زیر است:

- تعیین مکان مشخص برای روحانی به عنوان دفتر کار برای ارایه مشاوره و یا پاسخگویی به سوالات و ارتباط با خانواده ها
- ابلاغ حکم روحانیون تعیین شده از طرف معاونت به مناطق و مدارس
- حمایت و تامین نیازهای مالی و امکانات لازم به صورت ویژه
- زمینه سازی برای استفاده مستمر از روحانی مدرسه و اساتید حوزه علمیه در جلسات خانواده ها، دانش آموزان و معلمان"

در این بیانیه اشاره شده که آموزش و پرورش متولی اصلی تعلیم و تربیت رسمی در کشور است و این اختیار به هیچ وجه قابل تفویض نبوده و نیست و می افزاید: "در مدارس ما پست سازمانی "معاون پرورشی" با وظایف و کارکردهای مشخص تعریف شده است. همچنین معلمان دینی وظیفه آموزش آموزه های دینی را بر عهده دارند. آیا قرار است پست جدیدی در سازمان آموزش و پرورش تعریف شود، در حالی که هیچ گونه تناسب منطقی و مناسب میان تعداد دانش آموزان و کارکنان آموزش و پرورش وجود ندارد؟ حضور روحانیون محترم در مدارس چه نسبت سازمانی و کارکردی با پستهای سازمانی خواهد داشت؟"

"سازمان معلمان" تاکید می کند: "مساجد با معماری خاص و نیز فضای روحانی که دارند بهترین جا و مناسب ترین مکان برای انتقال و پرورش آموزه های دینی هستند. روحانیت با در اختیار داشتن حدود ۷۰ هزار مسجد و بیش از ۱۰ هزار امامزاده، پایگاههای نماز جمعه، کانالهای صدا و سیما و... چه نیازی به ورود مستقیم به مدارس دارد؟ اگر در تربیت دینی مشکلی وجود دارد که دارد، آیا راه حل آن حضور مستقیم روحانیت در همه زمانها و مکانها می باشد؟"

علی ابطحی روانه زندان خمینی شهر شد

۵ دی - به گزارش وبگاه "حقوق معلم"، سید علی ابطحی، متخصص سخت افزار کامپیوتر و دبیر فیزیک در استانهای کهگیلویه و بویر احمد و اصفهان، پس از احضار برای اجرای احکام دادگاه انقلاب اصفهان، ظهر روز چهارشنبه ۴ دی برای گذراندن دوره ی حبس خود (۶ ماه) به اتهام توهین به رییس جمهور پیشین و مقامات، روانه زندان خمینی شهر شد. آقای ابطحی که عضو هیات موسس "کانون معلمان خمینی شهر" است، همراه اعضای کانونهای صنفی معلمان کشور در تجمع معلمان جلوی مجلس در اعتراض به قانون معطل مانده مدیریت خدمات کشوری از سوی دولت دکتر احمدی نژاد شرکت کرد. این اعتراض به اجرا نشدن قانون، منجر به احضار و بازداشت و گذراندن ۲۲ روز در انفرادی بند ۲۰۹ اوین و بازنشستگی اجباری او گردید.

طرح نظام رتبه بندی معلمان بررسی می شود

۶ دی - به گزارش ایلنا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در هفته آینده گزارش کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری در مورد طرح نظام رتبه بندی معلمان را مورد بررسی قرار می دهند.

رییس نهضت سوادآموزی: ۱۵ درصد جمعیت ایران بی سوادند

۶ دی - رییس سازمان نهضت سوادآموزی ایران از "بی سوادی" حدود ۱۵ درصد از جمعیت کشور خبر داد. رادیو فردا به نقل از علی باقرزاده، مدیر نهضت سوادآموزی ایران گزارش داد که در آخرین سرشماری در جمعیت ۶۷ میلیون و ۶۸۱ هزار نفر بالای ۶ سال کشور، ۵۷ میلیون و ۳۶۱ هزار نفر (۸۵ درصد) خود را باسواد و ۹ میلیون و ۷۱۹ هزار نفر (۱۴.۴ درصد) خود را بی سواد اعلام کرده اند.

رییس سازمان نهضت سوادآموزی همچنین از نامشخص بودن وضعیت سواد ۶۰۰ هزار نفر دیگر در کشور خبر داده است. بر اساس اعلام مرکز آمار ایران، بی سواد به کسی گفته می شود که توانایی خواندن، نوشتن و حساب کردن نداشته باشد. یک روز پیش از رییس سازمان نهضت سوادآموزی، مدیرکل نظارت و ارزشیابی تحصیلی این سازمان نیز از وجود ۱۹ میلیون بی سواد و کم سواد در کشور خبر داده بود. به گفته مهدی نامجمنش، باسواد در ایران کسی است که "بتواند بخواند و بنویسد، اعمال چهارگانه ریاضی را بداند و قرآن مجید را روخوانی کند."

۱۱ آبان ماه ۱۳۸۷ خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، به نقل از علیرضا علی احمدی، وزیر سابق آموزش و پرورش نوشت که طی چهار سال آینده (۱۳۹۱) جشن پایان بی سوادی در شهرهای مختلف کشور برگزار خواهد شد.

در همین حال علی یزدی خواه، مدیر کل آموزش و پرورش شهر تهران نیز در شهریور گذشته از پایان بی سوادی در گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ تا سال ۱۳۹۳ خبر داده بود. حمیدرضا حاجی بابایی، وزیر پیشین آموزش و پرورش در دولت محمود احمدی نژاد نیز هنگامی که به وزارت رسید، وعده داد که بی سوادی را در مدت پنج سال به صفر می رساند.

اما رییس سازمان نهضت سوادآموزی گفته است که "جایگاه ایران در دنیا با توجه به مکانیزمها و روشهای سوادآموزی، جایگاه مناسبی نیست". به گفته باقرزاده، بر اساس اعلام یونسکو، رتبه ایران در موضوع سوادآموزی در میان ۱۶۴ کشور جهان، رتبه ۸۶ اعلام شده است. او همچنین گفته است که "بیشترین آمار بی سوادی از سالهای ابتدای انقلاب در بین زنان بوده" و در این میان، زنان روستایی بیشترین سهم در بی سوادی را داشته اند.

رییس سازمان نهضت سوادآموزی، مسایل اقتصادی را یکی از علتهای اصلی بی سوادی در ایران دانسته و گفته است که هزینه باسواد کردن یک نفر در ایران ۵۴۵ هزار تومان است.

هنوز ۱۵۰ هزار کلاس درس با بخاری نفتی و گازی گرم می شود

۱۳ دی - رییس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور گفت: "۱۵۰ هزار کلاس درس از لحاظ سیستم گرمایشی با استانداردهای حداکثری که مدنظر وزارت آموزش و پرورش است، فاصله دارند و با استفاده از بخاری نفتی و گازی گرم می شوند." مرتضی ریسی، معاون و عمرانی وزیر آموزش و پرورش و رییس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور اضافه کرد: "گرمای این کلاسها با استفاده از بخاری نفتی و گازی تامین می شود و در کنار اقدامات انجام شده، رعایت نکات ایمنی و رعایت استاندارد در استفاده از وسایل گرمایشی بسیار مهم است تا در هنگام وقوع حادثه، خطای انسانی به حداقل برسد و این بحث مهمی است؛ لذا تاکید داریم مدیران مدارس، معلمان و خدمتگزاران حتماً نکات فنی، ایمنی و استاندارد را در استفاده از وسایل گرمایشی در نظر بگیرند تا حادثه ای رخ ندهد."

معلمان اخراجی در انتظار بازگشت به کلاس درس

۱۶ دی - از صحبت‌های علی اصغر فانی، وزیر آموزش و پرورش مبنی بر پیگیری پرونده معلمان اخراجی و تبعیدی بیش از یک ماه می‌گذرد، دبیرخانه کانونهای صنفی معلمان هم نزدیک به ۴۵ روز پیش پرونده ۲۲ معلم اخراجی، تبعیدی و زندانی را به معاونت حقوقی آموزش و پرورش فرستاد. آموزش و پرورش همچنان می‌گوید در حال پیگیری است، اما هنوز هیچ حکمی متوقف یا برگشت داده نشده است.

(ا.ع) به "اعتماد" می‌گوید: "تاکنون پرونده ۲۲ نفر از معلمان را با توجه به اهمیت و اولویت رسیدگی به احکام شان به معاونت حقوقی آموزش و پرورش فرستادیم، اما تاکنون اقدامی در جهت توقف احکام و رسیدگی به پرونده‌ها از سوی آموزش و پرورش صورت نگرفته و هرچه گفته شده بیشتر جنبه وعده و وعید داشته است." به گفته او آخرین پاسخ معاونت حقوقی آموزش و پرورش این بوده که پرونده‌ها برای رسیدگی به هیات عالی نظارت رفته است. از آن طرف ناصری زنجانی، معاون حقوقی و پارلمانی آموزش و پرورش هم به صراحت تاکید دارد آموزش و پرورش چندان اختیاری در این زمینه ندارد و برگشت احکام از اختیارات قوه قضاییه است.

علاوه بر این ۲۲ نفر، تعدادی دیگر از معلمان با احکامی همچون بازنشستگی اجباری، انفصال از خدمت، کسر از حقوق و... طی سالهای گذشته روبرو بودند که به گفته دبیرخانه کانون صنفی معلمان در اولویت بعدی پیگیری از سوی کانون قرار دارند و هنوز پرونده‌هایشان به دلیل اولویت پرونده معلمان تبعیدی و اخراجی به آموزش و پرورش فرستاده نشده است. این در حالی است که تعداد این دسته معلمان خیلی بیشتر از ۲۲ پرونده حاد فعلی است. علاوه بر حوادث و اعتراضات صنفی سال، پرونده یکسری از این معلمان هم به اعتراضات بعد از انتخابات سال ۸۸ برمی‌گردد. بیشتر این معلمان از اعضای کانونهای صنفی سراسر کشور و اغلب از معلمان و دبیران با سابقه آموزش و پرورش هستند.

عدم پرداخت مطالبات، موجب بی‌انگیزگی معلمان شده است

۲۱ دی - بنا به گزارش خبرگزاری "تسنیم"، رییس کمیته آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی گفت: هم اکنون معلمان مطالبات زیادی را از آموزش و پرورش دارند که شامل حق التدریسها، اضافه کار کارکنان اداری و حق الزحمه امتحانات است در چنین شرایطی برای پرداخت مطالبات به حمایت دولت نیاز است، به گونه ای که دولت باید یکبار حمایت کرده و تمام مطالبات را پرداخت کند، چرا که اگر مطالبات پرداخت نشود موجب بی‌انگیزه شدن فرهنگیان می‌شود. "عطاالله سلطانی صبور با اشاره به اینکه منابع مصرفی آموزش و پرورش بر اساس تورم افزایش نمی‌یابد، گفت: "امسال بودجه آموزش و پرورش ۲۶ درصد افزایش داشت که بالاترین افزایش را در میان دستگاهها داشته است اما این افزایش نیز کافی نیست چرا که با توجه به تورم ایجاد شده نمی‌تواند هزینه‌های آموزش و پرورش را تامین کند." سلطانی صبور اضافه کرد: "پرداخت نشدن مطالبات فرهنگیان باعث می‌شود تا مدیر منطقه قدرت نظارتی خود را از دست دهد. هم اکنون مدیر یک منطقه وقتی به مدارس می‌رود نخستین سوال از وی درخصوص مطالبات است." رئیس کمیته آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی بیان کرد: "آموزش و پرورش برای پرداخت حقوق به نیروهای مازاد و معلمان حق التدریس حدود ۱۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد که اگر ساماندهی نیروها صورت بگیرد این اعتبار به آموزش و پرورش تزریق می‌شود که می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند."

ابتکار معلم مریوانی برای همدردی با شاگرد سرطانی اش

۲۲ دی - محمدعلی محمدیان، معلم مریوانی، در راستای همدردی با دانش آموز سرطانی خود، موی سرش را تراشید.

به گزارش فارس، محمدعلی محمدیان، معلم پایه دوم دبستان "شیخ شلتوت" شهر مریوان به منظور همدردی با دانش آموز سرطانی خود که به علت عوارض ناشی از مصرف دارو و شیمی درمانی دچار ریزش موی سر شده بود، موهای سرش را تراشید. این معلم دلسوز با بیان اینکه جز دادن روحیه به این دانش آموز و ابراز همدردی با وی هیچ هدفی نداشته است، گفت: "خوشحالم از اینکه با این حرکت هرچند کوچک توانسته ام روحیه دانش آموزم را تقویت کرده و وی را به فعالیت بیشتر آموزشی و پرورشی تشویق کنم." وی شرکت دادن این دانش آموز در فعالیتهای گروهی کلاس را از دیگر اهداف این کار عنوان کرد و افزود: "این کار در جهت فعال شدن دانش آموز در کلاس درس و جلوگیری از گوشه گیری وی انجام شده است."

رعب و وحشت در کلاس درس دانش آموزان زرنندی

۲۶ دی - خطر ریزش سقف کلاسهای درس در یک دبستان دخترانه در زرنند کرمان از بیخ گوش ۹۰ دانش آموز گذشت. به گزارش "ایرنا"، بر اثر بارندگی، بخشهایی از سقف کلاسهای درس مدرسه چهار کلاسه "شهید اکبر مومنی" ریحانشهر زرنند فرو ریخت. ریزش ناگهانی بخشی از سقف کلاسهای درس این دبستان باعث وحشت دانش آموزان شد و بلافاصله دانش آموزان با کمک معلمان کلاس را ترک کردند. یکی از دانش آموزان در حالی که بسیار پریشان بود، گفت: "در حالی که در کلاس درس بودیم، ناگهان سقف ریزش کرد و لباسهایمان پر از گل شد." یکی دیگر از دانش آموزان گفت: "نمی توانم به درستی به حرفای معلم گوش بدهم. هر لحظه فکر می کنم سقف بر روی سرم ریزش می کند." یکی دیگر از دانش آموزان هم می گوید: "از مسوولان می خواهیم به فکر جان ما دانش آموزان باشند. این مدرسه فرسوده است، سرویس بهداشتی درستی ندارد و کلاسها سرد هستند." احمد بذی، نایب رییس انجمن اولیا و مربیان این دبستان دخترانه هم گفت: "۲۷ سال از قدمت این مدرسه می گذرد. این واحد آموزشی می بایست در اعتبارات زلزله چهارم اسفند ماه سال ۸۳ باز سازی شود، اما مسوولان کوتاهی کردند و حالا جان ۹۰ دانش آموز آن در خطر است." برخی اولیای دانش آموزان نیز از وضعیت ساختمان این مدرسه ابراز نگرانی می کنند و برای سلامت و جان فرزندان خود نگرانند. حمید صادقی، رییس اداره آموزش و پرورش شهرستان زرنند کمبود اعتبار را از مشکلات اصلی در روند بازسازی مدارس این شهرستان عنوان کرد و گفت: "از این پس کلاسهای درس این مدرسه را در کانکس برگزار می کنیم." وی افزود: "۱۱ واحد آموزشی در شهرستان زرنند نیاز به بازسازی دارد." ریحانشهر در ۲۰ کیلومتری شهر زرنند قرار دارد.

محکومیت فرزند معلم زندانی به صرف پیگیری حقوقی و دفاع از پدرش

۲۷ دی - بنابه گزارش "فعالین حقوق بشر دمکراسی در ایران"، جمال آگوشی ۲۷ ساله، متاهل و فرزند معلم بازنشسته زندانی، محمد امین آگوشی، چند روز پیش در شعبه ۱ دادیاری انقلاب پیرانشهر به ۱ سال زندان محکوم شد. او به خاطر پیگیری پرونده حقوقی و دفاع از پدرش که به صورت تبعید در زندان مرکزی زاهدان و در شرایط غیر انسانی محبوس می باشد، به این حکم سنگین و غیر انسانی محکوم شد.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در

ایران را به شدت محکوم می کنیم.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در دی ۱۳۹۲

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۶۶ حرکت اعتراضی

* کارگران مجتمع کشت و صنعت هفت تپه روز یکشنبه ۱ دی برای دومین روز متوالی با تجمع در مقابل ساختمان اداری کارخانه پی‌گیر مطالبات معوقه خود شدند. به گزارش ایلنا رضا رخشان، از فعالان صنفی کارگران هفت تپه، از استمرار حرکت‌های اعتراضی همکاران اش خبر داد و گفت؛ علت این اقدام اعتراضی پرداخت نشدن حقوق ماه‌های مهر، آبان، پاداش سالانه و عدم بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل است.



* صبح روز یکشنبه ۱ دی ۶۰۰ کارگر پلی‌اکریل اصفهان در فاصله زمانی تغییر شیفت، در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این دومین روز در دور سوم تجمع کارگران این واحد تولیدی است. اعتراض کارگران به سیاست کوچک سازی کارخانه و تصمیم کارفرما مبنی بر جداسازی شرکت‌های زیر مجموعه آن است.

* کارگران کارخانه سیمان لوشان به دلیل تعطیلی این کارخانه از مرداد ماه امسال، برای دومین بار در مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. به گزارش فارس کارگران کارخانه سیمان لوشان روز یکشنبه ۱ دی به دلیل تعطیلی این کارخانه در مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. کارخانه سیمان لوشان از نظر سوددهی مشکلی نداشته و صاحبان کارخانه به بهانه زیاندهی آن را تعطیل کردند.

* کارگران شهرداری بهبهان در اعتراض به تاخیر در پرداخت ۸ ماه حقوقشان در روز یکشنبه ۱ دی دست به اعتصاب زدند. به گزارش یورونیوز، ماه گذشته هم این کارگران دو روز اعتصاب کردند و در نتیجه زباله های شهر جمع نشد و باعث مشکلات عدیده ای شد.

* شماری از کارگران شاغل در نهالستان وابسته به اداره کل منابع طبیعی استان گردستان در سنج از کار اخراج شدند. به گزارش کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، این کارگران روز یکشنبه ۱ دی در مقابل اداره کل منابع طبیعی تجمع کردند.

* جمعی از کارگران کارخانه سیمان اصطهبان شیراز در روز دوشنبه ۲ دی در محوطه این کارخانه تجمع کردند. به گزارش فارس این کارگران در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته هایشان دست به اعتراض زدند و در مقابل از طرف مدیر این کارخانه ۵ تن از نمایندگان این کارگران از کار اخراج شدند.

*روز دوشنبه ۲ دی جمعی از کارگران اخراج شده شرکت کفش بلا ضمن شکایت علیه بانک ملی که سهامدار اصلی این شرکت است، درمقابل دادگاه عمومی واقع در خیابان ولیعصر در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایران کارگر، کارگران ضمن اعتراض به اخراج، خواهان بازگشت به کار و دریافت مطالبات خود شدند. این کارگران که بین ۲۶ تا ۳۰ سال سابقه کار دارند، ماه گذشته بدون هیچ دلیلی از کار اخراج گردیدند این گزارش حاکی است که کارگران اخراجی وقتی با این حکم ظالمانه مخالفت کرده بودند مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

*روز سه شنبه ۳ دی کارگران شاغل و بازنشسته استان تهران با تجمع در مقابل ساختمان مجلس به فساد گسترده دولتی اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، کارگران در این تجمع با در دست داشتن پارچه نوشته هایی خواستار رسیدگی جدی به گزارش کمیته تحقیق تفحص مجلس از سازمان تأمین اجتماعی و همچنین انجام تحقیق و تفحص از سایر سازمانهای دولتی مرتبط با کارگران همچون صندوق مهر امام رضا، وزارت کار و مسکن مهر شدند.

*روز سه شنبه ۳ دی تعدادی از کارگران اخراجی شرکتهای برفاب و پاک پی در مقابل دفتر امام جمعه در شهرکرد تجمع کردند. به گزارش سایت همبستگی ملی، تجمع در مقابل دفتر امام جمعه کار شجاعانه و پر خطری است اما این کارگران که ماههاست اخراج شده و نه حقوقی دارند و نه بیمه بیکاری، از سر ناچاری دست به این اقدام زدند. این تجمع در خیابان شریعتی شهرکرد شکل گرفت، اما بسیار زود نیروهای تیپ ۴۴ که در همان نزدیکی پایگاه دارند وارد صحنه شده و آنها را مجبور به ترک محل کردند.

*کارگران مخابرات راه دور در روز سه شنبه ۳ دی در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران مخابرات روستائی در اعتراض به عدم واریز بیمه هایشان به سازمان تأمین اجتماعی در مقابل مجلس دست به تجمع زدند. در این تجمع، کارگران مخابرات روستائی طوماری را نیز تنظیم و آن را تحویل مسئولان مجلس دادند.



*کارگران پلی اکریل اصفهان در اعتراض به بی پاسخ ماندن مطالبات صنفی هر روز صبح و عصر هنگام جایجایی شیفتهای کاری نیم ساعت در محوطه کارخانه تجمع می کنند. به گزارش ایلنا روز سه شنبه ۳ دی، به منظور کاهش تنشها در هر نوبت کاری کارگران پلی اکریل هر روز هنگام ورود و خروج به مدت نیم ساعت در داخل محوطه کارخانه حاضر شده و خواسته های صنفی خود را مطرح می کنند.

*روز چهارشنبه ۴ دی کارگران شبکه آبیاری و زهکشی سد چمشیر به دنبال تجمع یک روزه دست به اعتصاب زدند. به گزارش فارس اعتراض این کارگران به دلیل عدم پرداخت مطالباتشان بوده است. کارگران شبکه آبیاری و زهکشی چمشیر پنج ماه حقوق معوقه دارند و مسئولان کارگاه قول دادند ظرف ۱۰ حقوق معوقه را پرداخت کنند.

*کارگران شرکت ساختمان سازی «کوهدشت» در شهر سقز، از آغاز سال جاری تاکنون هیچ گون ۵ حقوق و مزایایی دریافت نکردند. ب ۵ گزارش آژانس خبررسانی گُردپا، ۴۰ تن از کارگران شرکت کوهدشت روز چهارشنبه ۴۵ دی ب ۵ علت عدم پرداخت حقوقشان در مقابل دفتر این شرکت تجمعی اعتراضی برپا کردند.

*روز پنجشنبه ۵ دی، کارگران نی بر شرکت کشت و صنعت هفت تپه، برای دومین بار در یک ماه گذشته با اعتصاب از برداشت نیشکر، تولید شکر این شرکت را قطع کردند.

به گزارش ایرنا، کارگران نی بر در اعتراض به وضعیت کاری خود در این شرکت و محقق نشدن وعده مسئولان از حضور در مزارع نیشکر خودداری می کنند. کارگران نی بر، آذر ماه گذشته نیز دست به اعتراض زدند و ۱۰ روز از حضور در مزارع خودداری کردند اما با وعده مدیر عامل و مسئولان شرکت برای حل مشکلات به کار بازگشتند.

پنجاه و سومین دوره تولید شکر در کارخانه کشت و صنعت نیشکر هفت تپه خوزستان از ۲۰ مهر امسال با آغاز برداشت محصول نیشکر از مزارع آغاز شد.

کشت و صنعت هفت تپه، قدیمی ترین کارخانه تولید شکر از نیشکر در کشور است و نیم قرن از تاسیس آن می گذرد. ظرفیت تولید این کارخانه ۱۰۰ هزار تن شکر در سال است اما به دلیل فرسودگی خط تولید، سالانه ۶۵ هزار تن شکر در آن تولید می شود.

*روز پنجشنبه ۵ دی با پرداخت معادل یک ماه از مجموع حقوق و مطالبات معوقه کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، اعتصاب این کارگران به طور موقت پایان یافت. به گزارش ایلنا، کارگران نیشکر هفت تپه بابت دستمزد ماههای مهر و آبان و پاداش سالیانه معادل سه ماه حقوق طلبکار هستند. کارفرمای مجتمع نیشکر هفت تپه با پرداخت یک ماه از مطالبات معوقه کارگران به اعتراضهای صنفی چند روزه خاتمه داد.

*به گزارش ایران کارگر، روز شنبه ۷ دی بیش از ۱۵۰ کارگر شرکت لاستیک سازی ایران تایر در اعتراض به اقدامات بنیاد مستضعفان برای بستن این شرکت در مقابل ساختمان مدیریت شرکت تجمع کرده و خواهان جلوگیری از تعطیلی این واحد تولیدی و اخراج از کار شدند.

*کارگران سد گرین نهاوند به علت عدم دریافت هشت ماه حقوق، روز شنبه ۷ مهر با حضور مقابل فرمانداری نهاوند، اعتراض خود را در مورد این موضوع اعلام کردند. به گزارش مهر، آیت چگینی که سه سال است در سد گرین کار می کند در مقابل فرمانداری گفت؛ هشت ماه است حقوق نگرفته ایم، کارگاه سد و عملیات اجرایی آن تعطیل شده است و هیچ کس پاسخگویی اعتراض ما نیست. چگینی ادامه داد؛ ما هم زن و بچه داریم با این وضعیت تورم گرانی منبع درآمدی نداریم چند ماه می توانیم مقاومت کنیم هشت ماه است امروز و فردا می شنویم دیگر خجالت می کشیم وارد منزل شویم و مقابل خانواده خود قرار گیریم.

*روز شنبه ۷ دی، کارگران نیروگاه دماوند در اعتراض به تعویق مطالبات صنفی و فقدان نهاد کارگری در مقابل درب ورودی این نیروگاه تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، ۵۱۰ کارگر شاغل در این نیروگاه بیش از یک سال است بابت معوقات پراکنده حقوقی طی سالهای ۹۰ تا ۹۱، از جمله اضافه کاری، عیدی، پاداش و بن کارگری از این نیروگاه طلبکارند.



*جمع کثیری از رانندگان خودروهای سنگین حمل بار و خدمات درون شهری زاهدان در اعتراض به کاهش پنجاه درصدی سهمیه سوخت در مقابل استاندارد سیستان و بلوچستان تجمع کردند. به گزارش وبسایت عصر هامون، این حرکت اعتراضی روز شنبه ۷ دی صورت گرفت و ۳ تن از رانندگان به نمایندگی از دیگران جهت مذاکره و کسب پاسخ مناسب وارد استانداری شدند.

*به گزارش ایران کارگر، کارگران شرکت «سهند آذر» میاندوآب روز شنبه ۷ دی در اعتراض به پرداخت نشدن شش ماه حقوق عقب افتاده اعتصاب کردند. کارگران اعتصابی خواستار بازگشت کارگران اخراجی به کار شدند.

*جمعی از کارگران شرکت کولهپایم سقز در اعتراض به ۵ ماه حقوق معوقه خود، روز پنجشنبه ۵ دی در مقابل دفتر این شرکت در سقز تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایران کارگر، به دنبال این اعتصاب مدیریت کارخانه در یک اقدام ضد کارگری و ضد انسانی ۶۰ تن از کارگران اعتصابی را از کار اخراج کرد. در ادامه کارگران معترض نیز مجدداً روز شنبه ۷ دی نسبت به اخراج این کارگران در مقابل اداره کار شهرستان سقز دست به تجمع اعتراضی زدند.

*به گزارش همبستگی ملی، کارکنان اداره پست آذربایجان شرقی صبح روز یکشنبه ۸ دی، در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق عقب افتاده در مقابل دفتر مدیریت پست استان در تبریز تجمع کردند.

*به گزارش خبرگزاری «خانه ملت»، روز یکشنبه ۸ دی، جمعی از بازنشستگان کمتر از ۳۰ سال بنیاد شهید و چند سازمان دیگر به علت کاهش حقوق خود جلوی درب مجلس تجمع کردند.

*به گزارش همبستگی ملی، کارگران بازنشسته لوله سازی اهواز روز یکشنبه ۸ دی برای دومین بار طی یک هفته در مقابل دادسرای رژیم در این شهر تجمع کردند و به پرداخت نشدن ۶ ماه حقوق و مزایای عقب افتاده اعتراض کردند.

*به گزارش گردپا، کارگران کارخانه کوهدشت سقز روز دوشنبه ۹ دی در اعتراض به پرداخت نشدن ده ماه حقوق عقب افتاده دست از کار کشیدند و برای دومین بار در مقابل دفتر شرکت تجمع کردند.

*صبح روز دوشنبه ۹ دی، کارگران «روغن نباتی قو» در اعتراض به عدم توجه کارفرمای جدید کارخانه به پرداخت نشدن به موقع حقوق و سایر مطالبات کارگران، همانند بهره‌وری، عدم تأمین لباس کار، اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل و

مشکلات ناشی از سومدیریت دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، از یکسال گذشته با تغییر کارفرما، محاسبات حقوقی ۲۱۰ کارگر کارخانه بهم ریخته است. مدیریت جدید کارخانه سعی دارد با یک روش مدیریت استبدادی، در بین کارگران رعب و وحشت ایجاد کند که این وضعیت به مرور باعث ایجاد جو خفقان در کارخانه شده است.

*روز دوشنبه ۹ دی صدها تن از کارگران عضو یکی از تعاونیهای مسکن شهر سنندج که از سال ۱۳۸۲ سپرده های خود را برای دریافت مسکن به حساب تعاونی واریز کرده اند، در مقابل دادگاه تجدیدنظر استان در بلوار خسرو آباد تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش سایت پیام، خواست این کارگران یا مسکن و یا بازپرداخت سپرده هایشان است. نیروهای گارد ویژه و نیروی انتظامی رژیم کارگران معترض را محاصره کردند و از آنان خواستند تا به تجمع خود پایان دهند.

*روز جمعه ۱۳ دی کارگران اخراجی سیمان شهرکرد باوجود سرمای بسیار شدید در مقابل مصلی این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش سایت همبستگی ملی، کارگران پلاکارد هایی در دست داشتند و از گرسنگی و اخراج خود شکایت می کردند.

*روز شنبه ۱۴ دی، تعدادی از کارگران کارخانه روغن نباتی قو در تهران برای دومین بار طی شش روز گذشته در داخل این واحد تولیدی تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان به محقق نشدن مطالبات شان و اخراج رئیس تعاونی مصرف کارگران اعتراض داشتند. بر اساس این گزارش، مدیریت کارخانه روغن نباتی قو رئیس تعاونی مصرف کارگران را عامل تجمع نخست کارگران می داند.

*جمعی از کارگران کارخانه قند کامیاب خمینی شهر اصفهان، روز یکشنبه ۱۵ دی در اعتراض به بی توجهی کارفرما و مسئولان استانی نسبت به مشکلات صنفی شان در ابتدا در داخل کارخانه تجمع کردند و سپس به سمت فرمانداری خمینی شهر حرکت کردند. به گزارش ایلنا، این واحد تولیدی بیش از ۱۵۰ کارگر دارد که به دلیل تعطیلیهای مکرر کارخانه امنیت شغلی شان را در مخاطره می بینند.

*کارگران کارخانه سیمان لوشان روز یکشنبه ۱۵ دی در اعتراض به پرداخت نشدن چهار ماه حقوق عقب افتاده تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، کارگران این شرکت که ۲۵۰ نفر هستند، هفته گذشته نیز در مقابل فرمانداری رژیم در این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواهان مطالبات عقب افتاده خود شدند.

*پس از یک هفته اعتصاب و تجمع کارگران پولاد سازان فرآیند، روز یکشنبه ۱۵ دی، کارفرما مکلف شد حقوق عقب افتاده کارگران را پرداخت کند. به گزارش ایلنا، این واحد تولید کننده انواع مخازن پالایشگاهی در شهرک صفا دشت شهرستان شهریار مبالغ کلانی از برخی شرکتهای سفارش دهنده محصولاتش طلب دارد که به موقع نتوانسته است این مطالبات را وصول کند، به همین دلیل کمبود منابع مالی دامن گیر کارخانه شده است.

*گروهی از کارگران شرکت ماشین آلات تراکتورسازی تبریز در اعتراض به وضعیت پرداخت حقوق خود در ماههای گذشته، روز دوشنبه ۱۶ دی در مقابل سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان شرقی تجمع کرده و شعارهای اعتراضی

دادند. به گزارش مهر؛ کارگران معترض با در دست داشتن پلاکاردهای اعتراضی و با سر دادن شعارهایی خواستار احقاق حقوق خود شدند.

همچنین در این حرکت اعتراضی کارگران علیه رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت و نیز برخی نمایندگان آذربایجان شرقی که در کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی عضویت دارند، شعار داده و خواستار استعفای آنها شدند.

*کارگران شرکت گروه ملی با وجود گذشت یک هفته از تجمع اعتراضی به دلیل عملی نشدن مطالبات شان همچنان در روز یه شنبه ۱۷ دی به حرکت اعتراضی خود ادامه می دهند.

به گزارش فارس، شرکت پیمانکاری اکسین واسطه بین کارگران و گروه ملی بوده که زیر نظر تعدادی از بازنشسته های شرکت فعالیت می کند. یکی از کارگران این شرکت مستقر در اهواز گفت؛ پرسنلی که قرار بود نحوه استخدامی آنها قراردادی باشد هنوز به صورت پیمانکاری هستند. یکی از خواسته های کارگران اجرایی شدن وعده های مدیران قبل و فعلی شرکت گروه ملی مبنی بر عقد قرارداد مستقیم و حذف شرکت پیمانکار نیروی انسانی است.

*بیش از هزار کارگر پیمانکاری «پتروشیمی رازی» در اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق و سایر مطالبات صنفی شان روز چهارشنبه ۱۸ دی در مقابل ساختمان دفتر مرکزی این شرکت در بندر امام تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، کارگران پیمانی پتروشیمی رازی که زیر نظر چندین شرکت پیمانکاری همانند «پیشکامان فن اندیش»، «پیشگام فرا صنعت»، «تعمیرات نیروگاههای حرارتی خوزستان» و... فعالیت دارند حدود هزار و ۸۵۰ تن هستند که در مقایسه با کارمندان اداری این کارخانه که زیر نظر شرکت اصلی کار می کنند، از حقوق و مزایای کمتری برخوردارند.

*روز چهارشنبه ۱۸ دی دهها تن از کارگران اخراجی و پیمانی عسلویه در مقابل شرکت پتروپارس تجمع کرده و نسبت به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و مطالبات خود اعتراض کردند. به گزارش ایران کارگر در این تجمع کارگران اخراج شده سایر شرکتهای نیز ضمن همبستگی با این کارگران به آنها پیوستند و خواهان بازگشت به کار و مطالبات معوقه خود شدند. اغلب کارگران شرکت کننده در این تجمع اعتراضی از فازهای ۱۳، ۱۷ و ۱۸ بودند.

*روز شنبه ۲۱ دی، کارگران ماشین آلات تراکتورسازی ایران بار دیگر مقابل دفتر امام جمعه تبریز و استانداری آذربایجان شرقی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران بیش از ۹ ماه است که حقوق دریافت نکردند. کارگران تجمع کننده پس از پیگیری موضوع از طریق امام جمعه تبریز به سمت استانداری آذربایجان شرقی حرکت کردند. گفتنی است، کارگران تراکتورسازی ایران پیش از این با تجمع در مقابل استانداری آذربایجان شرقی و ساختمان صنعت، معدن و تجارت استان، خواستار دریافت مطالبات صنفی شان شده بودند.

*به گزارش سایت همبستگی ملی، کارگران کارخانه فولاد زاگرس در قروه در روز شنبه ۲۱ دی در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۰ ماه حقوق عقب افتاده خود در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند.

*جمعی از کارگران پتروشیمی رازی صبح روز یکشنبه ۲۲ دی، در سومین روز از اعتراضات شان به آنچه وجود تبعیض در حقوق و مزایای کارگران پیمانی و کارمندان رسمی می خوانند، بار دیگر در محوطه کارخانه تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، نماینده کارگران پیمانی پتروشیمی رازی تصریح کرد: خواسته ما کارگران پیمانی پتروشیمی رازی که حدود هزار و ۸۵۰ نفر از مجموع سه هزار کارگر شاغل در این کارخانه هستیم، رفع تبعیض حقوق و مزایا در مقایسه با کارمندان رسمی است.

*به گزارش ایلنا، صبح روز دوشنبه ۲۳ دی، جمعی از کارگران شرکت واحد بار دیگر در اعتراض به نحوه برگزاری مقدمات برگزاری انتخابات شورای اسلامی کار این واحد خدماتی در مقابل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجمع کردند.

*تعدادی از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که در ۳۸ ماه گذشته بلا تکلیف بوده اند، روز دوشنبه ۲۳ دی در اعتراض به بی توجهی مسئولان نسبت به مشکلات شان در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز طی دو سال گذشته تجمعات متعددی را در اعتراض به تعطیلی و مشخص نبودن شرایط ادامه کارشان برپا کردند.

*کارگران پتروشیمی بوعلی سینا که طی سه ماه گذشته از امضای قراردادی که ناعادلانه می خواندند خودداری کرده بودند، سرانجام با سیاستی که پیمانکار در پیش گرفت، در روز دوشنبه ۲۳ دی و در سومین روز تجمع در خارج از کارخانه، ناچار به امضای این قرار داد شدند.

یکی از نمایندگان کارگران با اعلام این خبر به ایلنا گفت: بیش از ۱۶۰ کارگر پیمانی پتروشیمی بوعلی سینا که به شرایط ناعادلانه قرارداد پیشنهادی پیمانکار (شرکت فرا صنعت) معترض بودند و از امضای آن خودداری می کردند، پس از به کارگیری سیاست تهدید از جانب این شرکت پیمانکاری، به امضای قرارداد تن دادند.

*روز دوشنبه ۲۳ دی، اهالی پنج روستای باغملک در اعتراض به قطع ۲۸ روزه آب، مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش فارس، این روستاییان که از روستاهای سرمورد، زیرمورد، دورتو، پسرکه و آب انارک دهستان هیرو بخش مرکزی باغملک در این تجمع شرکت کرده بودند خواستار رفع مشکل بی آبی در این روستاها شدند. این تجمع با حضور اقشار مختلف این روستاها در مقابل فرمانداری این شهر در محله رستم آباد انجام شد.

*به گزارش ایلنا، جمعی از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که طی دو سال گذشته تجمعات متعددی را در اعتراض به تعطیلی و مشخص نبودن شرایط ادامه کارشان برپا کرده اند، صبح روز سه شنبه ۲۴ دی همزمان با سفر حسن روحانی به اهواز در مسیر عبور او از فرودگاه به مصلی این شهر تجمع کردند.

*تعدادی از کارگران کارخانه روغن نباتی پارس قو در اعتراض به نامشخص بودن ثبات شغلی و نگرانی از وضعیت بیمه و دریافت دستمزد و مزایای در روز سه شنبه ۲۴ دی، دست به اعتصاب زده و در محل کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایرنا شرکت سهامی عام روغن نباتی پارس تولیدکننده انواع روغن نباتی تحت نام تجاری «قو» است.

*حدود هزار تن از کارگران پیمانی پتروشیمی رازی صبح روز سه شنبه ۲۴ دی، هم زمان با سفر حسن روحانی به خوزستان، برای چهارمین بار طی دو هفته اخیر در مقابل دفتر مرکزی تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، نماینده کارگران پتروشیمی رازی در چهارمین تجمع اعتراض آمیزشان طی دو هفته اخیر خواستار حضور «روحانی» در منطقه صنعتی بندر امام و آگاهی از مشکلات کارگران پیمانی شدند.

*روز سه شنبه ۲۴ دی، کارگران کارخانه روغن نباتی پارس قو دست به اعتصاب و تجمع زدند. به گزارش نسیم آنلاین، این کارخانه زمانی بیش از ۱۷۰۰ کارگر داشت که در حال حاضر تعداد آنها به حدود ۳۶۰ کارگر کاهش پیدا کرده است. حقوق کارگران این شرکت در سال ۹۲ نسبت به سال ۹۱ هیچگونه تغییری نداشته است. شرکت سهامی (عام) روغن نباتی پارس تولیدکننده انواع روغن نباتی تحت نام تجاری «قو» در سال ۱۳۳۳ تأسیس شد و این واحد تولیدی طی سالهای گذشته به سبب افزایش مشکلات در زمینه تغییرات متعدد مدیریتی و مشکلات کارگری، که عمده سهام آن در اختیار سازمان اقتصادی "کوثر" بود طی مزایده ای به شرکت «نهران گل» واگذار شد. این کارگران در تاریخ ۱۰ آذر و ۱۴ دی سال جاری نیز تجمع اعتراضی داشتند.

*به گزارش ایران کارگر، روز سه شنبه ۲۴ دی، کارگران شهرداری بهبهان در ادامه اعتصاب از دادن هرگونه خدمات شهری جمع آوری زباله ها خودداری کردند. تنها خواسته این کارگران زحمتکش، دریافت حقوق عقب مانده شان است که در این رابطه تاکنون هیچگونه اقدامی از طرف کارگزاران حکومتی انجام نشده و حتی کارگران را تهدید کرده و تحت فشار قرارداده اند. در نتیجه شهر مملو از زباله های انباشته شده در جلوی منازل است.

*روز چهارشنبه ۲۵ دی کارگران یک کارخانه دارویی در منطقه شمال غرب کشور در اعتراض به سو مدیریت در این شرکت با تجمع در مقابل دفتر مدیر عامل خواستار حل مسائل شرکت شدند. به گزارش بولتن نیوز، ضعفهای مدیریتی و رفتارهای بدون احترام و نگاه از بالا به پایین در این شرکت منجر به بحران و برخی دیگر از مسائل عجیب قبلی، می تواند منجر به بروز مشکلات بسیار در این صنایع شود.

*به گزارش فارس، روز پنجشنبه ۲۶ دی، پرستاران ماهشهر همزمان با بازدید وزیر بهداشت از بیمارستان حاجیه نرگس، در اعتراض به عدم دریافت حقوق در ۲ سال اخیر در این بیمارستان تجمع کرده و اعتراض خود را به گوش وزیر رساندند.

*به گزارش روز ۲۶ دی ایلنا، بیش از ۲۰ کارگر پلی اکریل اصفهان با دریافت نامه هایی جداگانه از سوی مدیران کارخانه، به دلیل آنچه شرکت در «تجمعات غیرقانونی و دادن شعار» خوانده شده، تهدید به اخراج شدند.

*روز پنجشنبه ۲۶ دی ۱۲۰۰ تن از کارگران شاغل در شرکتهای حفاری به دلیل فسخ قرارداد شرکتهای حفاری بیکار شده، دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایران کارگر، این دو شرکت حفاری که از OESO دانا و ژئوفیزیک شرکتهای بزرگ حفاری نفتی هستند و در شهرستان گچساران منطقه بی بی حکیمه مستقر می باشند قرار بود که از تاریخ اول فروردین سال ۹۲ تا اول فروردین ۹۳ در این منطقه در حفاری چاههای نفت با هم همکاری داشته باشند. ولی روز پنجشنبه ۲۶ دی به دلیل مشکلات مالی و کش و قوسهای فراوانی که داشتند قراردادهای خود را فسخ کرده و بیش از ۱۲۰۰ کارگر این دو شرکت بیکار شدند و این در شرایطی است که حقوق و مزایای این کارگران نیز پرداخت نشده است.

*به گزارش ایران کارگر، روز پنجشنبه ۲۶ دی صد تن از کارگران لوله سازی اهواز در نمایشگاه بین المللی در کیانپارس مقابل غرفه شرکت نفت دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران معترض از اینکه خانه هایپایشان را که زیر نظر شرکت نفت ساخته شده، شرکت نفت قصد فروش خانه های آنان را دارد به این اقدام ضد انسانی شرکت نفت اعتراض کردند.

*روز شنبه ۲۸ دی، جمعی از رانندگان خطوط تاکسیرانی داخل شهری ابهر در اعتراض به عدم افزایش نرخ کرایه تاکسی در مسیرهای داخلی، در مقابل سازمان حمل و نقل شهرستان ابهر تجمع کردند. به گزارش ابهر آنلاین، تجمع کنندگان با ابراز ناراحتی از افزایش بی رویه تعداد تاکسیهای موجود در سطح شهر با توجه به کمی مسافر، از اضافه شدن برخی از تاکسیهای آژانس و تاکسیهای خطوط تعیین شده مسیر ترمینال-مصلی که بیش از ۱۵۰ دستگاه می باشند، انتقاد کردند.

*کارگران زحمتکش شهرداری بهبهان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده خود دست به اعتصاب زده اند. به گزارش همبستگی ملی، کارگران شهرداری بهبهان روز شنبه ۲۸ دی هشتمین روز اعتصاب خود پشت سر گذاشتند. آنها همچنان از انتقال زباله ها خودداری می کنند.

*جمعی از کارگران پلی اکریل اصفهان در اعتراض به ادامه سیاست کوچک سازی کارخانه که با وجود نامه فرمانداری شهرستان مبارکه مبنی بر توقف این روند در حال انجام است، بار دیگر در روز دوشنبه ۳۰ دی، در محوطه کارخانه تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، یکی از کارگران با اشاره به نامه فرمانداری شهرستان مبارکه در تاریخ ۱ دی مبنی بر توقف سیاست کوچک سازی در کارخانه پلی اکریل اصفهان، افزود؛ کارگران ناراضی بعد از تحصن در مقابل دفتر مدیر عامل به بخش اکریلیک ۲ رفته و تابلوهای الیاف زاینده روز را از سر در این بخش پایین آوردند و پس از وقفه ای کوتاه، بار دیگر در مقابل دفتر مدیر عامل کارخانه تحصن کردند که این تحصن همچنان ادامه دارد.

*صبح روز دوشنبه ۳۰ دی، تعدادی از کارمندان کارخانه نساجی کاشان، بعد از به تعویق افتادن ۵۰ ماه معوقه و همچنین اجرایی نشدن وعده های مربوط به حق و حقوق بازنشستگی شان مقابل وزارت کار تجمع کردند. به گزارش چهره نیوز، تعداد ۲۸۲ تن از کارمندان کارخانه نساجی کاشان با عدم پرداخت معوقه های ۵۰ ماهه و حق و حقوق بازنشستگی شان مواجه هستند که حتی با توجه به وعده سال گذشته سازمان تامین اجتماعی مبنی بر پرداخت بیمه بیکاری مشمولان بازنشستگی اما هنوز بسیاری از این کارمندان بازنشسته نشده اند.

*جمع زیادی از مستمری بگیران کانون بازنشستگان گیلان پیش از ظهر روز دوشنبه ۳۰ دی در مقابل این کانون تجمع کردند و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند.

به گزارش فارس، یکی از معترضان گفت: بیش از هفت ماه فاکتورهای بیمارستانی ما پرداخت نشده است. وی افزود: طبق قرارداد با بیمه ایران قرار بود این فاکتورها در مدت دو ماه پرداخت شود، اما با قرارداد بیمه دی این موضوع انجام نشد.

جبران عقب‌ماندگی قدرت خرید کارگران، نیازمند افزایش ۶۵ درصدی مزد است

مازیار گیلانی‌نژاد

یک فعال مستقل حقوق صنفی کارگران گفت: در محاسبه میزان عقب‌ماندگی قدرت خرید کارگران تبعات ناشی از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، تثبیت قیمت‌ها و راکد ماندن توافق سال ۸۲ شرکای اجتماعی مبنی بر افزایش تدریجی و چهار ساله دستمزد بر مبنای شاخص مزدی سال ۵۸ لحاظ نشده است.

«مازیار گیلانی‌نژاد» از فعالان سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک در این باره به ایلنا گفت: اینکه برخی مسئولان دولت از هم اکنون زمینه مسکوت ماندن دستمزدها را مطرح می‌کنند اقدام درستی نیست و با وعده‌های قبل از انتخابات و روزهای نخست دولت منافات دارد.

وی در ادامه با اشاره به پیش‌بینی‌های دولت مبنی بر اینکه قرار است نرخ تورم در پایان سال ۹۲ و بهار سال ۹۳ به ترتیب ۳۵ و ۲۵ درصد کاهش یابد، گفت: چنانچه این گفته دولت را بپذیریم و به وعده کاهش تورم خوشبین باشیم، آنگاه طبق توافقات اجرا نشده سال ۸۲، در بهترین حالت برای جبران عقب‌ماندگی قدرت خرید کارگران، مزد سال آینده باید حداقل ۶۵ درصد افزایش یابد.

به باور این فعال صنفی کارگری دولت هرچقدر هم که با توزیع سبد کالایی به افزایش قدرت خرید کارگران کمک کند، باز هم کارگران زیادی به دلیل آماده نبودن شبکه‌های شناسایی و توزیع از این مزایا محروم خواهند شد.

به باور گیلانی‌نژاد تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که بالاخره روزی می‌رسد که پرداخت‌های کالایی و غیر نقدی به دلایلی چون معین نبودن ردیف بودجه، کمبود منابع مالی، جابجایی و تغییرات سیاسی دولت و یا در بهترین حالت عبور از بحران خاتمه می‌یابند و در این زمان به دلیل قطع شدن کمک‌های کالایی باردیگر قدرت خرید کارگران دچار سقوط آزاد خواهد شد.

وی بابیان اینکه پرداخت نقدی بهترین شیوه ممکن پرداخت دستمزد کارگران است ادامه داد که؛ دولت بهتر است طبق وظایف نظارتی خود، حضور حمایتی اش در بازار کار را تقویت کند و بدین تریب علاوه بر ایجاد امکان پرداخت دستمزدهای واقعی از سوی کارفرما، بر پرداخت شدن قانونی آن به همه کارگران نظارت کند.

ایلنا، شنبه ۲۱ دی ۱۳۹۲ - ۱۱ ژانویه ۲۰۱۴

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای

روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

شورای قانونگذاری تونس برابری زنان و مردان را تصویب کرد

رادیو بین المللی فرانسه

دوشنبه ۱۶ دی ۱۳۹۲ - ۶ ژانویه ۲۰۱۴

تونس در یک اقدام بی سابقه در کشورهای عربی، «برابری بدون تبعیض شهروندان زن و مرد» در قانون اساسی آینده این کشور را مورد تأیید قرار داد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، بند ۲۰ قانون اساسی تونس روز دوشنبه ۱۶ دی با ۱۵۹ رای موافق از میان ۱۶۹ رای دهنده در شورای ملی قانون گذاری تونس به تصویب رسید.

گفته می شود تصویب برابری حقوقی زن و مرد در تونس نتیجه توافقی است که میان نیروهای اسلامگرای حزب نهضت که اکثریت را دارا هستند و نیروهای لائیک مخالف آن،



انجام شده است.

در سال ۲۰۱۲ تلاش حزب نهضت برای وارد کردن طرح «مکمل هم بودن» زنان و مردان در قانون اساسی تونس، با مخالفت‌های جدی روبرو شد، مخالفت‌هایی که باعث شد این حزب از طرح خود دست بردارد. سازمان دیدبان حقوق بشر و عفو بین الملل با این حال، بند تصویب شده روز دوشنبه را محدود کننده ارزیابی کرده و گفته اند قانون اساسی باید با صراحت اعلام کند که «زنان و مردان با هم برابر هستند و از نظر قانون و عملی، حقوق کاملاً مساوی دارند.»

ناظران می گویند علیرغم تأیید بند ۲۰ قانون اساسی در مورد برابری شهروندان زن و مرد در تونس، مساله «برابری جنسیتی» به طور روشنی اعلام نشده است.

گزارش شده که با این حال، فعالان حقوق زن در تونس، از تصویب این بند استقبال کرده اند.

تونس در میان کشورهای عربی تنها کشوری است که از سال ۱۹۵۶ تا کنون حقوق بیشتری برای زنان این کشور قایل شده است. اگرچه در مساله وراثت، مردان همچنان از امتیاز بیشتری برخوردار هستند.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

زنانه شدن پدیده مهاجرت (بخش نخست)

Zuhal Yeşilyurt Gündüz

منبع: مانتلی رویو

برگردان: آناهیتا اردوان



تاریخ مهاجرت به قدمت تاریخ انسان برمی گردد. انسانها از زمانهای دور جهت دستیابی به زندگی تازه و بهتر به سرزمینهای دیگر نقل مکان کرده اند. امروزه، افراد، سرزمین مادری خود را به دلیل پیامدهای مخرب جنگ، سیاست سرکوبی دولتها و فقر فزاینده ترک می کنند. در حقیقت، مهاجرت به راه حلی شخصی جهت رفع مشکلات همگانی بدل گشته است.

مهاجرت نیروی کار نیز به بیشمار مشکلات کارگران در کشورهای محل اقامت شان ربط پیدا می کند. کارفرمایان، دفاتر استخدام، کشورهای دریافت کننده و فرستنده از پدیده مهاجرت و کار سخت و ارزان مهاجران بهره می برند. مهاجرت برای کشورهای ترک شده یا فرستنده همچون راهکاری برای رشد و پیشرفت عمل می کند. کشورهای فرستنده نه تنها از طریق مهاجرت شهروندان خود به کشورهای دیگر نرخ بیکاری را پایین می آورند، بلکه از سرمایه ای که از کشور میزبان به کشور فرستنده سرازیر می گردد، بهره مند می شوند.

برخی کشورها جهت قدردانی از مهاجران زن به آنها لقب "قهرمانان اقتصادی" داده اند که نه تنها برای خویشاوندان، بلکه برای همه شهروندان میهن خویش فداکاری می کنند. کشورهای میزبان، از نیروی کار ارزان مهاجران سود می برند. کشورهای مزبور از طریق کارگران مهاجر، کمبود نیروی کار در بخشهای ارتباطات، بهداشت و کار خانگی را کاهش می دهند و یا برای طبقه متوسط امکان مراقبت از سالمندان و کودکان را فراهم می آورند. آنها به این وسیله حفره های ناشی از کاهش امکانات رفاهی و همگانی دولتی به دلیل اعمال سیاستهای نو - لیبرالیستی را با هزینه کم پر می کنند. افزون بر اینها، کشورهای میزبان از پدیده فرار مغزها و مهاجرت نیروی کار انسانهای تحصیل کرده یا ماهر که با سرمایه کشور خود آموزش دیده اند، بهره می برند. طبقات مرفه نیز با بهره برداری از مهاجران به عنوان کارگران خانگی ارزان قیمت، خرج زندگی شان را کاهش و کیفیت آنرا بالاتر می برند.

امروزه میزان مهاجرت زنان به مثابه گرایش نوین، به طور حیرت انگیزی در جهان افزایش یافته است. در گذشته تنها مردان اقدام به مهاجرت می کردند و زنان دنبال روی آنان بودند. ولیکن طی بیست سال گذشته، پدیده مهاجرت چهره ای زنانه پیدا کرده است، به طوری که زنان بیش از نیمی از مهاجران را تشکیل می دهند. علاوه بر این، بیشتر زنان مهاجر یگانه و یا اصلی ترین نان آور خانواده هایشان هستند. "ساسکیا ساسن"، نویسنده و پژوهشگر مسایل زنان، گرایش مزبور را "زنانه شدن دستیابی به راهی برای نجات و ادامه بقا" می نامد. جوامع، دولتها و کشورهای پیشرفته با گذشت زمان هر چه بیشتر به نیروی کار زنان وابسته و نیازمند می شوند. بدین گونه، شرایط کاری و ضرورت بقای زنان، بار سنگینی بر دوش محروم ترین، کم مزدترین و استثمار شده ترین کارگران که زنان هستند، گذارده است. "زنانه شدن مهاجرت" پدیده ای اجتماعی است که به تغییرات دموگرافیک مانند پیر شدن جمعیت و رشد میزان مشارکت زنان در نیروی کار جهان (بیش از پنجاه درصد در جمع و نزدیک به هفتاد درصد در برخی کشورهای صنعتی) ربط پیدا می کند. این زمینه، نیاز به نیروی کار در بخشهای بهداشت و درمان، مواد غذایی، هتلها، کار خانگی و نگهداری از کودکان، بیماران و سالمندان را افزایش می

دهد. مشاغل در بخشهای مراقبت و نگهداری دچار دوگانگی بارزی ست، زیرا فعالیتی خصوصی و همزمان عمومی به شمار می رود.

کار خانگی به پنج دلیل روشن در جهان رو به افزایش است:

۱. کاهش امکانات دولتی و همگانی به ویژه در حوزه خدماتی به دلیل اعمال سیاستهای نو - لیبرالیستی
 ۲. فاکتورهای جمعیتی مانند پیر شدن جوامع کشورها
 ۳. دگرگونی در نقش اجتماعی - اقتصادی زنان که موجب افزایش مشارکت آنان در نیروی کار و اشتغال بیرون از خانه را فراهم ساخته است. از همین رو، نیاز به گرفتن کمک برای "کارگر خانگی"، به ضرورتی جهت انجام کار بیرون و سازگار ساختن آن با کارهای خانگی تبدیل شده است
 ۴. کالایی و تجاری سازی کار خانگی. البته کار خانگی هنوز در بسیاری مناطق جهان یا بدون دستمزد و یا با دستمزد بسیار پایین انجام می پذیرد
 ۵. این واقعیت که در بسیاری از کشورها، به ویژه در خاورمیانه، از مهاجران به عنوان کارگر خانگی استفاده می شود، بیانگر شرایط و موقعیت زنان - خواه بخشی از نیروی کار باشند که دستمزد دریافت می کنند، خواه بخش بدون مزد - است
- کارفرمایان به طور آشکار مشتاق استخدام کارگران زن مهاجر هستند که امروزه بیشتر ملیتی فیلیپینی یا سریلانکایی دارند. اولویت در استخدام با کارگران زن مهاجری است که اجازه کار یا اقامت ندارند، زیرا تحت نظر و کنترل قرار دادن کارگران مهاجر غیرقانونی توسط کارفرمایان بهتر و راحت تر است.
- کارگران خانگی مهاجر که بیشتر زن هستند، در خانواده های طبقات مرفه و متوسط، نزد خانواده ها، افراد مجرد، مادران و یا پدران تنها، سالمندان و یا بیماران، به کار نظافت، آشپزی، نگهداری و مراقبت مشغولند. کار خانگی را می توان به دو بخش "کاربردی" که اجرایی ست و "اجتماعی" که جنبه نگهداری و مراقبت دارد، تقسیم کرد. نخستین شامل آشپزی، نظافت و شستشو می باشد و دومی نگهداری و مراقبت از دیگران را در بر می گیرد که جنبه احساسی و عاطفی نیز دارد. این نوع کار خانگی ضرورتا وابسته به احساسات و عواطف انسانی می شود و بدون ابراز عواطف انسانی عینیت پیدا نمی کند. بدین ترتیب، کارگران خانگی که به امر نگهداری از دیگران می پردازند، نه تنها کیفیت زندگی خانواده های کارفرمایان خود را ارتقا می دهند، بلکه یک ارزش اضافی "احساس و عاطفه انسانی" نیز برای آنها تولید می کنند.
- با مهاجرت زنان کارگر از کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند جهت دستیابی به زندگی و شغل بهتر به عنوان خدمتکار، پرستار آسایشگاه و کودکان، بازار کار فراملی با گرایش تازه ای روبرو شده است. این گرایش "جذب یا فرار مراقبتهای انسانی" به معنای انتقال مراقبتهای انسانی و عاطفی از کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند می باشد که به نابرابری و حتی تخریب نیروی کار مراقبتی زنان می انجامد. به بیان دیگر، مراقبتهای انسانی و عاطفی که در خانواده های مرفه و ثروتمند در کشورهای صنعتی توسط زنان کارگر مهاجر صورت می پذیرد، در مناطق دیگر جهان (کشورهای فقیر و فرستنده مهاجران) کمیاب شده است. جذب مغزها یا فرار مغزها، پدیده ای مخرب برای کشورهای فقیر است. ولیکن فرار مراقبتهای انسانی نتایج مخرب تر و برگشت ناپذیری برای کشورهایی که زنان از آنها مهاجرت می کنند، به بار می آورد. بسیاری از زنان مهاجر به امید دستیابی به زندگی و سرنوشت بهتر برای خود و خانواده هایشان دست به مهاجرت می زنند. آنان اعضای خانواده و حتی کودکان شان را برای سالهای طولانی ترک می کنند. بدینوسیله، مهاجرت زنان به فرسایش و تخریب زندگی اجتماعی در جوامع جهان سوم می انجامد، زیرا روستاها و شهرهای کشورهای فقیر از زنان و مراقبتهای انسانی و عاطفی آنان تهی می گردد. مهاجرت وسیع زنان و اشتغال آن به مثابه کارگر خانگی، موجب تهی سازی جهان سوم از نقطه نظر مراقبتهای انسانی و عاطفی شده است. اگرچه زنان کارگر مهاجر تلاش می کنند تا با ارسال هدیه، پول و

برقراری ارتباط تلفنی با فرزندان خویش رابطه عاطفی شان را حفظ و تداوم بخشند، ولی در غیبت آنها، مراقبت دیگران از فرزندان الزامی و ضروری می شود. این موضوع را می بایست مورد توجه قرار داد که زمانی که مردان مهاجرت می کنند، زنان از فرزندان خویش نگهداری می کنند، ولی زمانی که زنان مهاجرت می کنند، مردان می بایست سنتهای مناسبات پدرسالارانه پیرامون تقسیم جنسیتی نقش والدین را نادیده بگیرند تا قادر باشند از فرزندان خویش مراقبت کنند. در غیر این صورت، بار مسوولیت نگهداری بر دوش دیگر زنان خانواده، مادر بزرگها و عمه و... است. اگرچه این موضوع مراقبتهای مادری را جهانی می سازد، ولی زنجیره مراقبتهای انسانی را در جهان نابرابر ساخته و زندگی روزمره شهروندان کشورهای فقیر را ناتوان تر می سازد.

زنجیره مراقبت در جهان شامل سلسله ارتباطات مراقبتی و عاطفی بین افراد در سراسر جهان است که هر گونه گسست در آن، زندگی روزمره شهروندان جهان را با مخاطره روبرو می سازد. اگرچه کالایی سازی کار خانگی، زنان را از نظر جنسیت به هم نزدیک می سازد، اما از جنبه طبقاتی، ملیت و قومی از هم دور تر می کند و دستمزد کارگران زن که در حالت عادی بسیار پایین است را بیش از پیش کاهش می دهد. فرهنگ غالب، حتی در کشورهای صنعتی معتقد است که کودکان به شیوه بهتری توسط مادران بیولوژیک خود، نسبت به زنان دیگر (کارگران خانگی) مراقبت و محافظت می شوند. این باور نیز دستمزد کارگران خانگی را بیشتر کاهش می دهد. اگرچه مشاغل مراقبتی ماهیتی اجتماعی-احساسی دارند که می بایست دستمزد بالا برای آن قایل شد، اگرچه کارگران خانگی از فرزندان، پدران، مادران و اعضای خانواده کارفرمایان خویش با ابراز عشق و عاطفه انسانی نگهداری می کنند، ولی دستمزد آنها بسیار ناچیز است. کشورهایمانند فیلیپین و سریلانکا، زنان را با تسهیل دریافت اجازه و مدارک مورد نیاز قانونی یا با ایجاد موسسه های حمایتی مانند دوره های شش ماهه دریافت دیپلم خدمتکاری، به مهاجرت به کشورهای ثروتمند جهت کار خانگی تشویق می کنند. تنها در فیلیپین، بیش از ۱۲۰۰ دفتر وجود دارد که برای زنان، کار خانگی "مناسب" در کشورهای ثروتمند مهیا می سازد.

گذران زندگی به عنوان کارگر خانگی

مراقبت در تمام حوزه های مشاغل اجتماعی می بایست سازماندهی شده، به رسمیت شناخته شود و ارایه گردد، زیرا زندگی انسان بدون مناسبات مراقبتی، غیرقابل تصور است. حیات انسان در صورت فرسایش و تخریب فعالیتها و ارتباطات مراقبتی به خطر خواهد افتاد.

کارگران خانگی در بسیاری موارد می بایست در منازل کارفرمایان خود به صورت شبانه روزی سکنی گزینند تا خدمات آنان همواره در دسترس باشد. این امر، آنها را از محیط بیرون دور نگاه می دارد، همسازی و ارتباط یکپارچه آنان با جامعه جدید را بکلی مختل می نماید. ارتباط بین کارگر و کارفرما به دلیل محیط خانه، شکل ارباب - رعیتی به خود گرفته و مانع احقاق حقوق اولیه و شکوفایی استعداد و خلاقیت آنان می شود. ترقی و پیشرفت در حوزه کار خانگی برای زنان کارگر مهاجر، خواه دارای تحصیلات باشند یا نباشند، غیرممکن است. دردناک تر و مضرتر از همه اینها، حبس خانگی است که آنها را از دادخواهی در مواردی چون اعمال تبعیض، استثمار و آزار و اذیت شامل خشونت و تجاوز جنسی کاملاً ناامید می سازد. کارگران خانگی که از مدارک قانونی جهت اقامت و کار محرومند، با معضلاتی مانند دستمزد بسیار ناچیز یا عدم پرداخت دستمزد، پرداخت نشدن اضافه کاری و نداشتن امکانات لازم و ضروری هنگام بیماری روبرو می گردند. معضلات مزبور آنها را به بردگان خانگی بدل می سازد. هراس از اخراج، شرایط و موقعیت کارگران خانگی را بیش از پیش به مخاطره انداخته و رسیدگی به اعمال خلاف کارفرمایان و مجازات شان را غیرممکن می سازد.

(ادامه دارد)

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

گفتار ماه:

"بنده هنر بدون تعهد را دو پول ارزش نمی گذارم. هنرمند همیشه بر قدرت است نه با قدرت، حالا اگر یکی می خواهد برود با قدرت باشد، بگذار برود خودش را با بند تنبان فلان رییس جمهور دار بزند. اصلا برایم مهم نیست، نه زنده بودنش برایم مهم است نه مردنش. (احمد شاملو، ۲۱ آذر ۱۳۰۴ - ۲ مرداد ۱۳۷۹، شاعر، روزنامه نگار، مترجم، فرهنگ نویس و از بنیان گذاران و دبیران کانون نویسندگان ایران در پیش و پس از قیام)

هرگز با احمقها بحث نکنید. آنها اول شما را به سطح خودشان پایین می کشند، بعد با تجربه یک عمر زندگی در آن، شما را شکست می دهند. (مارک تواین، ۳۰ نوامبر ۱۸۳۵ - ۲۱ آوریل ۱۹۱۰، نویسنده و طنزپرداز آمریکایی. او شهرت خود را مدیون رمان ماجراهای هاکلبری فین (۱۸۸۵) و ماجراهای تام سایر (۱۸۷۶) است)

هنر و سیاست

واکنش شاهین نجفی و محمود دولت آبادی به دیدار هنرمندان با روحانی

شاهین نجفی، خواننده معترض در واکنش به دیدار حسن روحانی با گروهی از هنرمندان بیانیه ای تصویری منتشر کرد.



محمود دولت آبادی هم در متنی با عنوان "اگر دیر نشده باشد" علت حضور خود را بیان کرد.

شاهین نجفی در آغاز این بیانیه تصویری می گوید: "کاسه گدایی [به دست گرفتن] و با در یوزگی حق خود را از حکام طلبیدن، چیزی جز تجلی نوعی از اختگی سیاسی - هنری مدرن نیست."

آقای نجفی در ادامه این بیانیه می گوید: "باید بر هنر و

هنرمندان این سرزمین گریست، وقتی اینگونه خوار و خفیف می شوند و در گیرودار امنیت و نام و نان، حیثیت شان را حصیر نشیمنگاه دولتمردان می کنند."

او در پایان این بیانیه که فقط یک دقیقه و نیم است، با کنایه می پرسد: "ما بزدلی شما را می فهمیم، آنچه نمی فهمیم توانایی ترس شما با هنرتان است."

برخی رسانه های نزدیک به حاکمیت در ایران واکنشهای بسیار تندی به شاهین نجفی نشان دادند.

از میان سینماگران مسعود کیمیایی، تهمینه میلانی، بهمن فرمان



آرا و رخشان بنی اعتماد، از میان خوانندگان شهرام ناظری و در بین نویسندگان، محمود دولت آبادی از شاخص ترین چهره هایی بودند که شامگاه چهارشنبه ۱۸ دی ماه در تالار وحدت به دیدار حسن روحانی رفتند. از میان این اشخاص

فقط آقای دولت آبادی تاکنون انگیزه اش از حضور در تالار وحدت و نظرش درباره سخنرانی حسن روحانی را بیان کرده است.

دولت آبادی تاکید دارد "آنچه پس از شنیدن سخنان رییس جمهور روحانی در اندیشه دیگران پدید آمد، کلیاتی از جنس امید و بهبودی قابل تصور است" و از طرف دیگر می گوید: "از تالار بیرون رفتم و نخواستم به این داورها باور کنم که آقا، حکومت "بردار- بگذار" می کند، یا اینکه یکی شان می آید گره می زند، یکی می آید گره ها را با وعده باز می کند."

موسیقی

رفع ممنوعیت ۱۰ ثانیه ای از نمایش ساز در تلویزیون

تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی برای نخستین بار در طول حیات ۳۴ ساله اش، تصویر سازهای موسیقی به هنگام نواخته شدن را نشان داد. این تلویزیون در اواخر دی ماه لحظات کوتاهی از نوازندگی یک گروه موسیقی را نشان داد که اشعاری در ستایش پیامبر مسلمانان می خواندند.

این اقدام با استقبال شماری از هنرمندان روبرو شد. به نوشته روزنامه "شرق"، سامان علیپور، سرپرست گروه موسیقی مزبور، نمایش تلویزیونی را "اقدامی بسیار خوب که باید تداوم داشته باشد" توصیف کرد و شهرام ناظری در این رابطه از "بسر بردن ایران در یک دوره جدید" خبر داد.

اکنون غلامرضا بختیاری، تهیه کننده این برنامه می گوید که نشان داده شدن ساز یک اشتباه فنی بوده و به سیاست ممنوعیت آن در تلویزیون ارتباطی ندارد: "در حین اجرای برنامه، اشتباهی از سوی ما سازندگان برنامه روی داد و به مدت ۱۰ ثانیه تصویری از گروه موسیقی به همراه سازهایشان نشان داده شد."

وی تاکید کرد: "تصویری که از سازها روی آنتن تلویزیون رفت، ربطی به تغییر و تحول در نگاه و یا عملکرد سازمان صدا و سیما ندارد و فقط اشتباه سهوی بود که از سوی ما روی داد و البته من پای پیامد این اشتباه هم می ایستم."

بلندترین موزیک ویدیوی جهان در صدر جدول ترانه های برتر



این هفته بزرگترین جهش در جدول ترانه ها را تهیه کننده و خواننده موفق آمریکایی "فرل ویلیامز" داشت. او توانست با ترانه ای که طولانی ترین موزیک ویدیو را دارد، در صدر جدول ترانه های برتر آلمان قرار بگیرد. ترانه "happy" خواننده و تهیه کننده بزرگ آمریکایی "فرل ویلیامز" (Pharell Williams) بینندگان را به رقص تشویق

می کند. این ترانه آهنگ فیلم

"Despicable Me 2" نیز هست. روی وب سایت hoursofhappy.com ۲۴ می توان به مدت ۲۴ ساعت به این ترانه

گوش داد.



فیلم "کلاهبرداری آمریکایی" برنده جایزه گلدن گلوب

هفتاد و یکمین دوره جوایز گلدن گلوب به میزبانی "تینا فی" و "امی پولر"، کمپینهای آمریکایی در شهر لس آنجلس کالیفرنیا برگزار شد. اولین جایزه نصیب "جنیفر لارنس" به خاطر نقش مکمل زن در فیلم "کلاهبرداری آمریکایی" شد. "ایمی آدامز"، بازیگر زن "کلاهبرداری

آمریکایی" هم برنده یک گلدن گلوب شد. "کلاهبرداری آمریکایی" همچنین جایزه بهترین فیلم در رشته کمدی یا موزیکال را برد.

"برایان کرانستون"، بازیگر اصلی سریال موفق تلویزیونی "راه خلافتاری"، بعد از پنج بار نامزدی، برنده اولین گلدن گلوب خود شد. "راه خلافتاری" همچنین بهترین سریال درام شناخته شد.

فیلم "۱۲ سال بردگی" جایزه بهترین فیلم در بخش درام را نصیب خود کرد. "کاپیتان فیلیپس"، "جاذبه"، "شتاب" و "فیلمونا" دیگر نامزدهای این رشته بودند.

"متیو مکنهی" به خاطر بازی در "باشگاه خریداران دالاس" جایزه بهترین بازیگر مرد را برد

فیلم فلسطینی نامزد اسکار: دیوار بلند بین دو دلدا



فیلم سینمایی "عمر" به کارگردانی "هانی ابو اسعد"، سینماگر فلسطینی مقیم ناصره آخرین فیلم از منطقه خاورمیانه است که در محافل سینمایی توجه زیادی برانگیخته است.

فیلم "عمر" در آخرین دوره جشنواره سینمایی کن، مه ۲۰۱۳، جایزه ویژه هیات داوران را از آن خود کرد.

فیلم "عمر" پیام سیاسی خود را زیر پوشش یک درام عاشقانه عرضه کرده است. فیلم

سرگذشت یک کارگر جوان نانوا به نام عمر با بازی "آدم بکری" است که هر از گاهی با ترس و خطر و زیر رگبار گلوله از "دیوار امنیتی" عبور می کند و برای دیدن دختر محبوب خود به کرانه باختری می رود.

قیمت بلیط سینما افزایش پیدا کرد

قیمت بلیط سینماها در ایام "جشنواره فیلم فجر" افزایش پیدا می کند. قیمت بلیط سینما در این ایام از مبلغ ۵۵۰۰ تومان در سال گذشته به رقم ۸۰۰۰ تومان در سال جدید می رسد.

محمد رضا اشرفی، رییس انجمن سینماداران می گوید: "وضعیت سینماهای کشور امروز بسیار ناامیدکننده است و خطر تعطیلی، سالنهای زیادی را تهدید می کند. دولت می تواند در اولین گام با اختصاص بودجه ای تعدادی بلیطهای سینما را تهیه کند و در اختیار اقشار کم درآمد یا کارمندان دولت قرار دهد تا به نوعی بخشی از هزینه های سالنهای سینما جبران

شود." وی افزود: "۵۰ درصد فروش فیلمها به تهیه کننده می رسد و کاملاً مشخص است که اگر میزان فروش یک فیلم زیاد باشد، کمک شایانی نیز به بخش تولید می کند."



عکس

مجموعه عکسهای "زندگی در جنگ"، برنده جایزه لوکاس دوله گا

مجید سعیدی، عکاس ایرانی، برنده سومین جایزه انجمن لوکاس دوله گا برای مجموعه عکسهای "زندگی در جنگ" شد.

آقای سعیدی که در پاریس زندگی می کند، گفت که چهار سال در افغانستان زندگی کرده و این جایزه به دلیل عکاسی از زندگی مردم این کشور به او اهدا شده است. او پیش از این جایزه "رابرت اف کندی" را برای مجموعه عکسهایش از افغانستان در رشته عکاسی خبری دریافت کرده بود و همچنین جایزه یونیسف در سال ۲۰۱۰ به او تعلق گرفت.

شعر

به مناسبت فرا رسیدن چهل و سومین سالگرد رستاخیز سیاهکل



خطابه ی تدفین

احمد شاملو

غافلان

همسازند،

تنها توفان

کودکان ناهمگون می زاید.

همساز

سایه سانانند،

محتاط

در مرزهای آفتاب

در هیات زندگان

مردگانند.

وینان دل به دریا افکنانند،

به پای دارنده ی آتشها

زندگانی

دوشادوش مرگ

پیشاپیش مرگ

هماره زنده از آن سپس که با مرگ

و همواره بدان نام

که زیسته بودند،

که تباهی

از درگاه بلند خاطره شان

شرمسار و سرافکنده می گذرد.

کاشفان چشمه

کاشفان فروتن شوکران

جویندگان شادی

در مجری آتشفشانها

شعبده بازان لبخند

در شبکلاه درد

با جاپایی ژرف تر از شادی

در گذرگاه پرندگان.

در برابر تندر می ایستند

خانه را روشن می کنند،

و می میرند.

طنز

هادی خرسندی

هموطن علاف روحانی مشو

زینب این تعزیه خوانی مشو

از پس آن یاوه گوی بددهن

محو استاد سخنرانی مشو

با مواعیدش خودارضایی مکن

همچنین در خواب، شیطانی مشو

در عروسی و عزای این رژیم

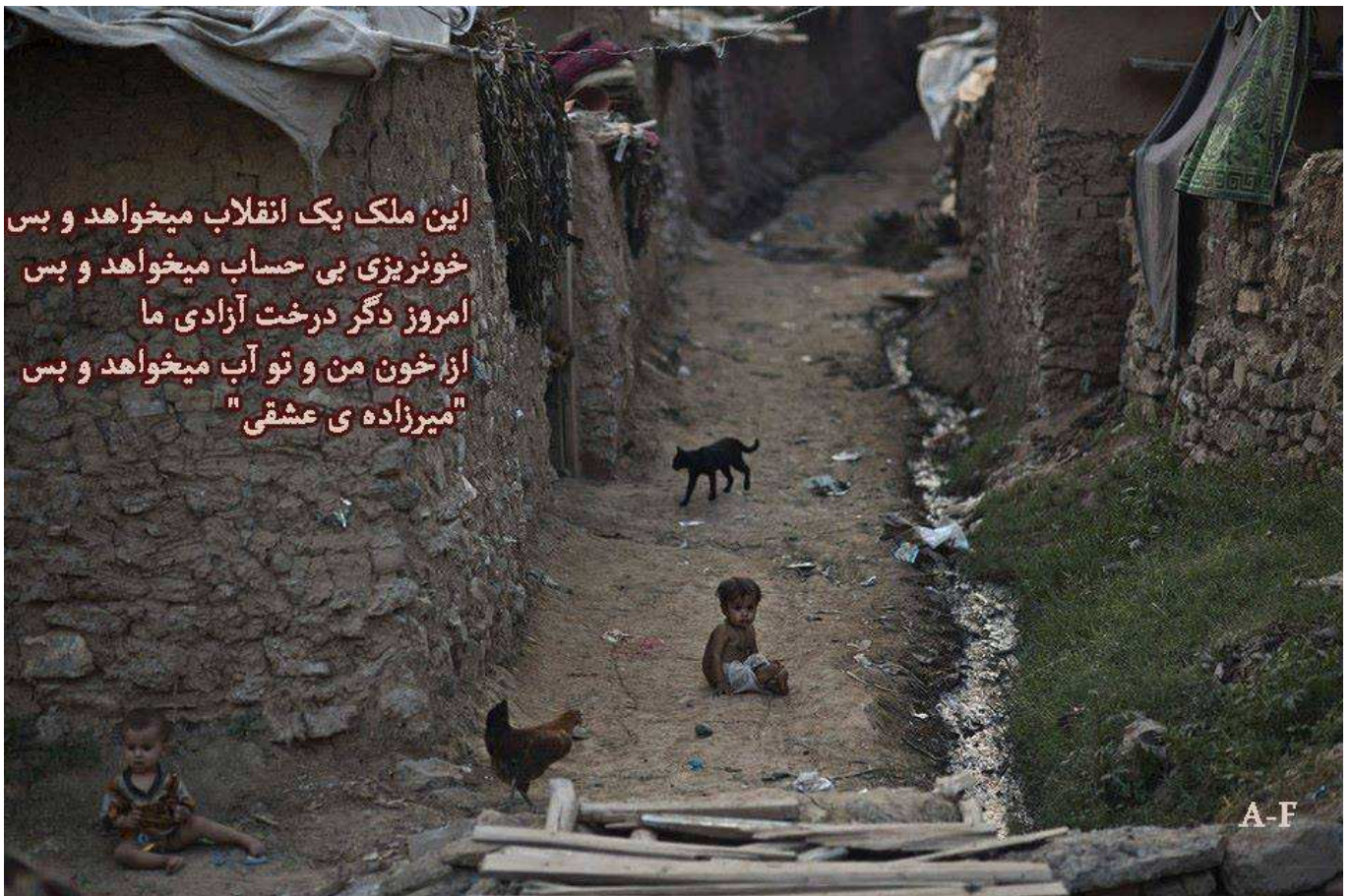
مثل مرغ و جوجه قربانی مشو

خر همان خر، رهبری بر آن سوار

خوشدل از تعویض پالانی مشو



بگذر از سبز و بنفش و سرخ و زرد
 در حصار رنگ، زندانی مشو
 خانه ات روشن ز دزد با چراغ
 بیخودی شاد از چراغانی مشو
 تا کلید خانه دست سارق است
 در شکایت از نگهبانی مشو
 گول بی.بی.سی و وی.او.ای مخور
 خام حرف مفت و مجانی مشو
 توی رودرواسی امت نمان
 وامدار جهل و نادانی مشو
 راه خود را زود پیدا میکنی
 منکر ادراک ایرانی مشو
 از کنار گود لنگش کن مگو
 هادی خرسندی ثانی مشو



اجلاس دو روزه شورای ملی مقاومت ایران

اجلاس دو روزه شورای ملی مقاومت در روزهای ۲۵ و ۲۶ دی با حضور رئیس جمهور برگزیده شورا با سرود «ای ایران ای مرز پرگهر»، سرود رسمی شورای ملی مقاومت، افتتاح شد.

خانم رجوی ضمن خیر مقدم به اعضای حاضر در جلسه، سخنان خود را با گرمترین درودها به شهیدان راه آزادی، ۴ شهید مجاهد خلق در چهارمین حمله موشکی به لیبرتی، ۵۲ شهید حماسه اشرف در ۱۰ شهریور، زندانیان سیاسی اعدام شده در سراسر میهن و شهیدان قیام روز عاشورا در دیمه سال ۸۸ آغاز کرد.

او، در مروری کوتاه بر تحولات سیاسی کشور، خاطرنشان کرد که ۶ ماه پس از نمایش انتخابات ریاست جمهوری در رژیم ولایت فقیه، که اصحاب مماشات و مدافعان حفظ این رژیم می خواستند آن را تحولی در جهت اعتدال و خروج این رژیم ورشکسته از بحران قلمداد کنند، تزلزل و بحرانهای فزاینده رژیم، به ویژه پس از تن دادن ناگزیر به یک گام عقب نشینی در برنامه تسلیحات اتمی، هم چنان بارز و آشکار است. فروپاشی اقتصاد کشور، تورم، بیکاری و شکستهای بزرگی نظیر طرح یارانه‌ها و بحرانهای اجتماعی ناشی از آن، دیکتاتوری آخوندها را درهم می پیچد و رژیم ولایت فقیه در برابر این بحرانها و درهراس از فوران قیامها، جز اعدامهای فزاینده، اعمال مجازاتهای ضد انسانی، تشدید سرکوب و انواع تبعیضها و تحمیل‌های ارتجاعی، به ویژه علیه ملیتها و پیروان مذاهب و ادیان مختلف، راهی نمی یابد.

خانم رجوی اضافه کرد: سیر تحولات، نه تنها هیچ اعتباری برای دعاوی میانه روی و خروج از بحران درمورد رژیم آخوندی باقی نگذاشته، بلکه صورت مسأله واقعی امروز ایران را- که همانا پیکار ملتی مقاوم برای سرنگونی استبداد مذهبی و استقرار آزادی و حاکمیت مردم است- هرچه واضح تر می کند.

رئیس جمهور برگزیده شورا برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران، آنگاه بر موقعیت و مسئولیت تاریخی شورای ملی مقاومت ایران و یکایک اعضا و حامیان در این شرایط حساس تأکید کرد و سخنانش را با تجلیل و قدردانی از هموطنان و حامیان مقاومت که در حماسه اعتصاب غذای ۱۰۸ روزه صفحه درخشان و فراموشی ناپذیری را در رویارویی با دشمن گشودند به پایان برد.

اجلاس شورای ملی مقاومت در بحثهای پیش از دستور و در دستورکار دو روزه خود رخدادهای سیاسی داخلی و منطقه‌یی و بین المللی در فاصله سه ماهه پس از اجلاس قبلی در اواخر مهرماه را که از جمله شامل موارد زیر بود، مورد بررسی قرار داد:

-بحران درونی هیأت حاکمه و پیامدهای شکست مهندسی خامنه‌ای در نمایش انتخابات ریاست جمهوری رژیم و روی کار آمدن آخوند روحانی و تشدید جنگ و جدال باندهای حاکمیت برسر عقب نشینی ناگزیر و از سر استیصال، از بمب سازی در توافقنامه ژنو؛

-رسوایش سریع مهمات تکراری درمورد میانه رو شدن رژیم قرون وسطایی آخوندها؛

- برملاشدن ابعاد دیگری از فساد فراگیر نظام و چپاولهای میلیاردی، از جمله فزونی ۸۷ میلیارد یورویی پولشویی و نقل و انتقال غیر قانونی ارز به ترکیه؛

-سرخوردگی و انزجار گسترده مردمی از دعاوی «اعتدال و تدبیر و امید» و وضعیت انفجاری در جامعه چپاول شده و به ستوه آمده، که ارتجاع حاکم با صدها اعدام و برپاکردن چوبه‌های دار در ملأ عام برای مهار آن تلاش می کند؛

- روند تحولات جاری در منطقه به ویژه در لبنان و سوریه، و به ویژه بالا گرفتن بحران در غرب عراق که سیاستهای مداخله جویانه و مطامع رژیم ولایت فقیه در این کشورها را در معرض تهدیدهای جدی قرار داده است، و از هم گسستگی و فرو ریختن جبهه اش در منطقه،

- شروع کار دادگاه بین المللی ترور رفیق حریری در لاهه که متهمان آن سرکردگان حزب الله لبنان هستند. خامنه ای در آذرماه سال ۱۳۸۹ شخصا علیه این دادگاه موضع گرفت و از پیامدهای آن برای سیاست صدور تروریسم و بنیادگرایی رژیم به شدت می ترسد.

اجلاس شورا هم چنین کارزار مقاومت برای سرنگونی استبداد مذهبی و همچنین توطئه های جنایتکارانه و همه جانبه یی را - که این دیکتاتوری تبهکار با صرف هزینه های گزاف و با کثیف ترین بند و بستها در منطقه و جهان، برای ازمیان برداشتن تهدید اصلی موجودیت خود، یعنی مقاومت سازمان یافته و یگانه جایگزین دموکراتیک (شورای ملی مقاومت) پیگیری می کند، مورد بحث و بررسی قرارداد.

اعضای شورا تأکید کردند که شعله های آتش حمله موشکی ۵ دیماه به لیبرتی با استفاده از دهها موشک طراحی شده برای کشتار جمعی و حمله به اشرف به وسیله حکومت دست نشانده مالکی در عراق در ۱۰ شهریور- که طبق تمامی تعاریف حقوقی و رأی دادگاه اسپانیا برای رسیدگی به آن، مصداق روشن جنایت علیه بشریت و جنایت علیه جامعه بین المللی است- عمق و دامنه هدف توطئه را به همگان نشان داد.

اجلاس شورا با قدردانی از انتشار گزارش بسیار ارزشمند و جامع و مستند ارتش آزادیبخش ملی ایران در باره حمله به اشرف، آن را تنها گزارش واقعی در این باره توصیف کرد که به گفته خانم رجوی در سخنانش در مراسم گرامیداشت شهیدان در ۱۵ دی، به خوبی «نشان داد که مقاومت ایران نخستین خواستار و نخستین برنده هر تحقیق مستقل و جامع و شفاف (در این باره) است». هم چنان که این گزارش «یک روشنگری تاریخی درباره ضعف و ذلت حاکم بر سیاست غرب و عهدشکنیهای شرم آور آنهاست».

در اجلاس شورا خاطرنشان شد که گزارش ارتش آزادیبخش، بادکنک قدرت نمایی و داعیه های ابلهانه قدر قدرتی سرکردگان زهرخورده رژیم آخوندها، از جمله گزارش سرکرده نیروی تروریستی قدس به خبرنگاران ارتجاع و دعاوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران در تلویزیون رژیم را ترکاند. این گزارش به دقت و به طور مستند نشان داد که حمله و گروگانگیری و اعدامهای جمعی در اشرف توسط حکومت دست نشانده عراق، چیزی جز کاربرد رذیلانه ترین و در عین حال بزدلانه ترین روشهای رایج در شکنجه گاههای رژیم در برابر زندانیان بی دفاع با بکار گرفتن خائنانی که به همدستی با جلاد کشانده می شوند، نبوده است. کمالینکه کارزار شیطان سازی و دروغپردازی رژیم ولایت، برای زمینه سازی، پیشبرد، و توجیه توطئه هایش علیه مقاومت، با همین روشها و همین گونه عوامل کارسازی می شود.

وقتی هم که چهره کریه خیانت در صحنه کشتار روشن شد، مزدورانی که چهره سوخته و سیاه و آینده تیره و تباه خود را، در آخر خط خیانت، در آینه نظام آدمکشان دیدند، چندی در حالت گمای سیاسی فرو رفتند و سپس یک به یک به فرموده وزارت در یک کره ماهنگ، همه جنایتها را - به شیوه امام شیادان که می گفت خودشان خودشان را شکنجه می کنند و می کشند - به خود مجاهدین نسبت دادند!

یکی دیگر از ترفند های رذیلانه دشمن ضدبشری که تحت عنوان دلسوزی برای مجاهدان لیبرتی یا خانواده های آنان صورت می گیرد، علاوه بر انداختن تقصیر منتقل نکردن مجاهدین به آمریکا و کشورهای اروپایی به گردن «رهبران» برای صاف کردن جاده دستگیری و کشتار آنان، کسب اطلاع از نقاط دقیق اصابت موشکها و وضعیت مجروحان و مصدومان به

طور مستقیم از طریق مأموران استخبارات عراق و به طور غیرمستقیم از طریق مزدوران رژیم تحت عناوین مختلف از قبیل «خانواده های مجاهدین» است. به این طریق دشمن به اشکال مختلف، هم‌چنان که در اطلاعیه کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورا به تاریخ ۱۳ دی ۹۲ افشا شده است حریص جمع آوری اطلاعات درمورد نتایج جزئی و تاکتیکی حملات موشکی به منظور طراحی و ادامه جنایتهای بعدی و پیگیری هدفهای مشخص است.

دراین میان، وضعیت دلسوزان به اصطلاح منتقد مقاومت به چنان درجه یی از فضااحت رسیده است که - لابد از فرط دلسوزی برای نظام- در معرفی عوامل رو سیاه وزارت اطلاعات و جستجو گران مختصات لیبرتی بعد از حمله موشکی برای هدف گیریهای دقیق تر بعدی، خم به ابرو نمی آورند تا هیچ فرصتی در نقد مجاهدین و شورا، آنها را با رکیک ترین الفاظ و عناوین، از دست نرود!

به اینان باید گفت در صورت امکان قبول زحمت نموده و مدتی با تغییر نقش، با مقاومت "مخالفت" و با رژیم و اطلاعات آخوندها "نقد و انتقاد" پیشه کنند تا همگان ببینند تفاوت "منتقد دلسوز" نظام با "مخالف" تشنه به خون مقاومت، در کجا و در چیست؟

تبهکاری و رسوایی مافیای جنایت، شقاوت و شناخت ولایت و مزدوران و همدستان و هم کیشان، البته فقط یک روی سکه است، روی دیگر سکه، هم چنان که در گزارش ارتش آزادیبخش درخشید، اصالت و استواری مقاومتی است مستقل و آزادیخواه که در رویارویی با بدترین دشمن ایران و ایرانی و بزرگترین تهدید و خصومت علیه بشریت معاصر و محافل و حکومتهای پشتیبان اش، و نیز در برابر نقض عهدها و خیانتهای زنجیره یی و بی پایان آنها، تکیه به مردم ایران و نیروی وجدان را برگزیده و راه رهایی میهن از بیداد آخوندی را در پاکبازی و پایداری به هر قیمت یافته است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۹ دی ۱۳۹۲

فراسوی خبرها....

جنایتی دیگر؛ حمله تروریستی به ساکنان بی دفاع لیبرتی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۸ دی

روز پنجشنبه ۵ دی ماه، ساکنان بی دفاع و غیر مسلح زندان لیبرتی مورد یورش دهها راکت و خمپاره قرار گرفتند. در این حمله جنایتکارانه تا کنون سه مجاهد به شهادت رسیده و حدود ۷۰ تن زخمی شدند.

این یورش وحشیانه تنفر، انزجار و محکومیت جهانی را به همراه داشت. در این حمله نقش سپاه پاسداران و نیروی قدس با هدف قتل عام مجاهدین برجسته است. موشک باران لیبرتی در این شرایط دستاورد سفر نوری المالکی به ایران در ۱۴ آذر و دیدار وی با خامنه ای است.

از زمان به قدرت رسیدن حسن روحانی، سه یورش جنایتکارانه علیه مجاهدین در عراق صورت گرفته است. یورش اول همزمان با اعلام پیروزی روحانی و شکست سیاست یکدست سازی خامنه ای. تهاجم دوم برای پرداخت هزینه نشانیدن قطره های جام زهر به ولی فقیه برای نرمش قهرمانانه و یورش اخیر در پی بحران در هرم قدرت، ناشی از اثرات نوشیدن جام زهر. این حمله در شرایطی صورت می گیرد که رژیم بیش از هر زمان با بحران روبروست. از سوی نوری المالکی برای

ادامه قدرت و حفظ دیکتاتوری اش احتیاج به حمایت ولی فقیه و عملیات حساب شده قاسم سلیمانی دارد. به ویژه این که وضعیت مالکی بسیار بحرانی و تنها سرکوب گسترده داخلی نمی تواند وی را نجات دهد. طبیعی است که کشتار مجاهدین بهترین پاداش دولت نوری المالکی در برابر حمایت رژیم حاکم بر ایران از وی است. یورش اخیر بار دیگر ثابت می کند که برنامه رژیم ایران قتل عام و یا تسلیم مجاهدین ساکن در لیبرتی است. این تهاجم همچنین نشان می دهد که سازمان ملل و دولت آمریکا در مقابل اقدامات سرکوبگرانه نوری المالکی بسیار ضعیف عمل می کنند. به همین لحاظ است که مالکی نه فقط در مورد مجاهدین خلق که در مقابل مردم ناراضی عراق و برخی از نمایندگان پارلمان عراق به اقدامات وحشیانه دست می زند. ضمن محکوم کردن این اقدام تروریستی، شهادت سه مجاهد خلق را به خانواده آنها، به سازمان مجاهدین خلق ایران و به همه رزمندگان راه آزادی تسلیت می گوئیم.

نرمش قهرمانانه بر بستر کابوس فتنه

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۱۰ دی

سالگرد تظاهرات فرمایشی ۹ دی با جنجالهای میان تهی برگزار شد. در روزهای گذشته لشکر مُتَمَلِّقان که از ترس تکرار قیام ۶ دی، تیرهای زهرآگین خود را به سوی فتنه گران پرتاب می کردند به روی خود نمی آوردند که این هیاهوهای تهوع آور محکم ترین دلیل بر اصالت قیامهای سال ۱۳۸۸ و بدیهی ترین مدرک برای اثبات ترس و زبونی حکومتیها و به ویژه شخص ولی فقیه است.

بیهوده نیست که این روزها کلمات و جملاتی مثل «باتلاق فتنه گری»، «انزوای سران داخلی فتنه»، «پایانی بر فتنه گری فتنه گران بود»، «نمایش قدرت خودیها»، «کوبیدن بر طبل توخالی رفع حصر بدون عذرخواهی» و... به وفور از چاله دهان حکومتیان بیرون می آید.

خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران سخنان علی لاریجانی در روز دوشنبه ۹ دی در مجلس رژیم را منتشر کرد. لاریجانی که همچون خامنه ای از کابوس فتنه رها نشده گفت: «۹ دی ظهور شکوفایی اراده ملت در مقابل کج اندیشی و انحراف و سبکسری استکباری بود».

یک نماینده احمدی نژادی ۹ دی را «یادآور خیانت فتنه گران کوچک و بزرگ و به ویژه سران فتنه و رأس فتنه در حق نظام اسلامی است».

خامنه ای که مبتکر و صحنه گردان این جنجالهای سخیف است حتی قدرت تحمل حرف علی مطهری که راهپیمایی ۹ دی را «بی مورد» اعلام کرد، ندارد و به بیدادستان اش دستور «اعلام جرم» علیه این مجلس نشین اصولگرا می دهد.

اما خامنه ای بیهوده سعی می کند تا در پس این جنجالها ترس خود را پنهان کند. ولی فقیه می داند که قیامهای سال ۱۳۸۸ چه بلایی بر سر او نازل کرده و اکنون که در ادامه همان پروسه مجبور به نوشیدن قطره قطره جام زهر شده است، خیلی بیشتر از گذشته با کابوس فتنه درگیر است. تقلای بیهوده ارادل و اوباش برای نجات خامنه ای از کابوس فتنه، ولی فقیه را بیشتر در گرداب فرو می برد. علاج رهایی از کابوس فتنه، نرمش قهرمانانه نیست. کسی که برای یک تظاهرات بی مقدار حکومتی این همه هیاهو به راه می اندازد، به طور حتم در ذلت و ناچاری به نرمش واداشته شده است.

"ولایت بر تخت" و "سرباز ولایت" در حبس

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۱۱ دی

بیش از یکسال پس از افشای اختلاس هنگفت نفتی از سوی آقای بابک زنجانی، اینک مقامهای جمهوری اسلامی می گویند که وی را دستگیر کرده اند. چنین می نماید که این کارگزار اُلیگارشهای جمهوری اسلامی، بازداشت خود را بیش از همه مدیون بین المللی شدن رُسواییهای مالی مجموعه ای باشد که او چهره بیرونی اش شناخته می شود. آقای زنجانی با وجود آنکه سال گذشته آشکار گردید در نقش دلال نفت، مبلغ محموله های فروخته شده را به کیسه خود سرازیر کرده، نمی بایست نگران پیگرد قانونی می بود. قوه قضاییه به عنوان مُدعی العُوم و از آن نیز جالب تر، طلبکاران وی، هیچگونه علاقه ای به بازخواست "سرباز ولایت" نشان ندادند و به طبع محدودیتی نیز برای کسب و کار پُر سود او به وجود نیامد.

در سایه این حاشیه امنیتی، آقای زنجانی یک مُعامله چهار میلیارد دلاری را برای تصاحب فیله ی یک گوسفند قُربانی، شامل ۱۷ شرکت مُتعلق به سازمان تامین اجتماعی به پیش برد و در کنار آن "حماسه اقتصادی" دیگری را نیز با شهرداری تهران جوش داد که به او اجازه می داد یک بُرج ۳۷ طبقه را در مرغوب ترین نقطه شهر بالا ببرد. "فعالیتهای اقتصادی" آقای زنجانی پس از افشای اختلاس از وزارت نفت و همچنین برخورد بیطرفانه دستگاه قضایی با این مساله، به خوبی میزان نُفوذ و قُدرت پُشتیبانان وی را به نمایش می گذارد. کسانی که به او مُجوز خرید و فروش نفت داده بودند، وجه برای پولشویی در اختیارش می گذاشتند و به او ماموریت "دور زدن تحریمها" را داده بودند، قادر به مصونیت بخشیدن به ابزار پوششی خود نیز بودند.

اینک چنین می نماید که آرامش منطقه سبز عاری از قانون با دستگیری یکی از کارگزاران این سیستم در ترکیه برهم خورده باشد و منافع حفظ مُهره لو رفته بر زیانهای اقتصادی و سیاسی آن دیگر چربش نداشته باشد. آقای اردوغان به دلیل مُشارکت و فعال یک بانک دولتی (هالک) در فساد مالی و نقل و انتقالات غیرقانونی ارز و طلا به شدت زیر فشار داخلی و بین المللی قرار گرفته است. آمریکا و مُتحدان غربی آن کُکم دولت ترکیه برای دور زدن تحریمها و نادیده گرفتن آشکار تعهُدات خارجی اش را قابل پذیرش نمی دانند. در چنین شرایطی، دستگیری آقای بابک زنجانی که در حقیقت اعلام برائت "نظام" از وی به شمار می رود، می تواند برای تقویت این فرضیه که رُسوایی کشف شده در خارج از چارچوبهای دولتی جمهوری اسلامی و ترکیه شکل گرفته، سند ارایه کند.

برای رووسای آقای بابک زنجانی خارج کردن دولت ترکیه از تیررس اتهام، منافع اقتصادی و سیاسی روشنی دارد. از نظر اقتصادی، حجم مُعاملات با ترکیه در سالهای گذشته به گونه پیوسته افزایش یافته، به طوری که به گفته منابع رسمی در سال گذشته به ۲۲ میلیارد دلار رسیده و اکنون از رساندن آن به سطح ۳۵ میلیارد دلار سُخن رانده می شود. در همین حال به گفته وزارت اقتصاد ترکیه، هم اکنون کمی بیش از ۲ هزار شرکت ایرانی در ترکیه فعالیت می کنند. خسارتهای برهم خوردن این مُناسبات چه بر اثر فشار خارجی بر آنکارا و چه در نتیجه اعتراضهای داخلی این کشور به فساد دولتی، به سختی با عایدی ناشی از خدمات آقای زنجانی و شبکه لو رفته اش مُقایسه پذیر است.

براساس مُحاسبه سیاسی نیز جمهوری اسلامی امروز بیش از هر زمان دیگر به دولت اسلامگرای ترکیه به عنوان شریک نیازمند است. درحالی که حاکمان ایران اُمیدوارند با امضای توافُق ژنو نقش پُر رنگ تری به آنها در منطقه داده شود، دولت آقای اردوغان می تواند برای ایجاد چنین جایگاهی، نقش پُل ارتباطی را بین مُتحدان استراتژیک خود در غرب و رژیم

مُلاها ایفا کند. به مُوازات آن، حُکومت به خوبی آگاه است که به واقعیت گراییدن این آرزو، بدون بُمب اُتم و صدور تروریسم، فقط در کنار دیگر بازیگران منطقه ای مُمكن است.

هم از این نظر و هم به دلیل پیشینه برخورد دستگاه قضایی و نهادهای دولتی با آقای بابک زنجانی، کمتر کسی دستگیری وی را نشانه ای از عزم حُکومت به مُبارزه با فساد و غارت سازمان یافته داریبهای همگانی به حساب خواهد آورد. آقای خامنه ای و دوستان چکمه پوش او اما می توانند نادرستی این ارزیابی را به اثبات برسانند. آنها کافی است رووسا و حامیان پشت پرده آقای زنجانی را نیز معرفی کنند، مورد پیگرد قرار دهند و به مُجازات برسانند.

"اسلام سیاسی" خامنه ای به روایت "حاج محمود کریمی"

منصور امان

فراسوی خبر... آدینه ۱۳ دی

دو هفته پس از اعلام حمایت رهبر جمهوری اسلامی از اوباش - مداحان و مُشارکت فعال آنها در درگیریهای داخل "نظام" به سود خویش، یکی از چهره های - از سر بدنای - شاخص این باندهای سیاه، صورت حساب را برای او ارسال کرده است. فرد مزبور که رسانه های حُکومتی از وی به نام "حاج محمود کریمی" یاد می کنند، مُتهم شده است که پس از یک تصادف رانندگی، به اتفاق همراهانش به سرنشینان خودروی دیگر حمله برده، به روی آنها هفت تیر کشیده و تیراندازی کرده است. همین رسانه ها توضیح داده اند که آقای کریمی دارای مُجوز حمل سلاح می باشد.

البته این رسانه ها روشن نکرده اند که دلیل صُدور چنین مُجوزی برای نامبرده و مُسَلح کردن وی چه می باشد، اما نگاهی به کارکرد طیف مزبور برای حُکومت و وظایفی که آمرانش بر عهده آن گذاشته اند، این ابهام را برطرف می کند.

آنها به مثابه پیاده نظام دستگاه های امنیتی، مامور انجام کارهای کثیف سیاسی و جنایی هستند که حُکومت مایل به پذیرفتن مسوولیت آنها نیست. حوزه ماموریت مزبور از حمله به سفارتخانه ها، برهم زدن مراسم یا سُخرانیهای جناحها و باندهای رقیب تا جوسازی و کفن پوشی علیه آنها و جُز آن را در بر می گیرد. در بُعد دیگر، این باندهای سیاه بخشی از استراتژی ترور سیستماتیک جامعه، وحشت پراکنی و تحریک بخشهای عقب مانده جامعه و لُمین پرولتاریا علیه اقشار و طبقه های مُدرن شهری و خواسته های آنها را به پیش می برد.

هم از این نظر، تپانچه کشی گانگستر هار شده در اتوبان، تنها مورد تیراندازی اوباش مورد حمایت آقای خامنه ای به روی شهروندان نیست. آنها در جریان خیزشهای ۸۸ با سلاحهای گرم و سرد به سوی مردم رها شدند و در انجام ماموریت خود که به خرج دادن حداکثر وحشیگری برای ترساندن آنها بود، چیزی فرو نگذاشتند.

با توجه به این خدمات است که آقای خامنه ای در ۲۸ آذر، پس از حمله جناح رقیب به چاقوکشهایش، بی درنگ به حمایت از آنها برخاست و با تاکید بر اینکه "هیاتها نمی توانند سکولار باشند"، آنان را به مُداخله در "مباحث اسلام سیاسی" تشویق کرد و خط داد که "اسلام سیاسی" یعنی "اسلام مُقاتله" و "اسلام خون دادن".

مداح ششلول بند، چراغ سبز آقای خامنه ای را که دیرگاهی ست پنهان و آشکار به ارادل شُهره، لایه های انگلی جامعه و ناکسان مکتبی علامت می دهد، به دیده "بصیرت" مشاهده کرده است. در مُحاسبه وی آنچه که برای ارباب حلال است، بر غُلام نیز حرام نیست.

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

"اقتدار" یعنی "دار"

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۲۱ دی

خامنه ای برای اثبات "اقتدار" رژیم اش به دو روش توسل جسته است؛ از یک سو از فرط نگرانی اجبار به کوتاه آمدن بیشتر در مذاکرات هسته ای و تن دادن به درصد بسیار پایین سانتریفوژها و یا حتی امکان توقف و شکست مذاکراتی که خود حامی آن بوده، خواب زده شده و با پرت و پلا گویی به ظن خویش نمایش "اقتدار" می دهد. از سوی دیگر، این پهلوان پنبه با به "دار" آویختن شهروندان ایرانی زور بازو نشان می دهد. نگاهی به تازه ترین کارنامه ای که او در این زمینه از خود به جا گذاشته، گواهی بر این امر است.

موج اعدام زندانیان در زندان مرکزی ارومیه ادامه دارد. سحرگاه روز پنجشنبه، ۱۹ دی، ۳ زندانی دیگر کرد در این زندان اعدام شدند. مختار خلیلی، اهل میاندوآب ۷ سال، علیرضا یعقوبی ۸ سال و احمد شفیق خانی اهل بوکان که در زمان بازداشت تنها ۱۹ سال سن داشته، هم ۴ سال در زندان بسر برده بودند. در همین حال، در روز ۱۸ دی، دستکم دو زندانی در زندان بندرعباس برای اجرای حکم اعدام به سلولهای انفرادی این زندان منتقل شدند. روز ۱۷ دی، چهار زندانی در قزوین و گچساران که یکی از آنها ۲۴ ساله بود، به دار آویخته شدند. سه روز پیش از آن نیز یک زندانی در زندان ساری اعدام شده بود. روز بعد دو زندانی در زندان بندرعباس برای اجرای حکم اعدام به انفرادی منتقل شدند.

این تنها نمونه هایی از اعدامها یا تدارک برای آن در دو روز اخیر است. همزمان، اعمال تبهکارانه رژیم علیه شهروندان و فشار افزایش یافته است. دبیرخانه شورای ملی مقاومت از بازداشت ۵۹ نفر در روز ۱۵ دی در شهر مشهد و شلاق زدن سه زندانی در ملا عام در شهرستان دهدشت (استان کهگیلویه و بویراحمد) در روز ۴ دی خبر داده است.

همچنین نیروهای سرکوبگر رژیم یک جوان ۲۶ ساله به نام سلمان خضری را در سردشت با شلیک مستقیم گلوله به قتل رسانده و سپس جسد او را به خودرو بسته و در مسیری دو کیلومتری بر زمین کشیدند.

دو روز پیش از آن، دو جوان، کاو ۵ مصطفایی، ۲۴ ساله، ساکن سقز و پوریا اسدی، ۳۰ ساله، ساکن اسلام آباد غرب به ضرب گلوله نیروهای سرکوبگر رژیم به قتل رسیدند. رامیار ابراهیمی، کارگر ساکن سردشت نیز از هفته گذشته بر اثر اصابت گلوله مستقیم مزدوران در حالت کما قرار دارد.

موارد یاد شده، نمونه هایی از قتل و جنایت و اعدام در روزهای اخیر و همزمان با مذاکرات هسته ای است. در سال ۲۰۱۳، ۷۲۶ شهروند ایرانی به دار آویخته شده اند که ۴۹ اعدام در ملا عام بوده است. این اعدامها در ماه های اخیر افزایش و سرعت بیشتری یافته و به علت عقب نشینی خارجی، صادق لاریجانی به دستور شخص خامنه ای آن را برای تولید اقتدار داخلی پیش می برد.

اکنون بیش از هر زمان این وظیفه بر دوش فعالان حقوق بشر و کوشندگان سیاسی و همچنین همه ایرانیان آزادیخواه و عدالت جو است که با افشای این جنایتها، رعایت حقوق بشر را به عنوان یکی از خواسته های مرکزی مردم ایران، در سراسر جهان مطرح کنند.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

نفت در مقابل تجهیزات نظامی و کالاهای بُنجل

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۲۲ دی

حمایت روسیه از دیکتاتوری ولایت فقیه در عرصه بین المللی تا کنون بدون پاداش نبوده است. اگر چه روسیه مانند چین توانایی پر کردن بازارهای ایران با کالاهای بُنجل را ندارد، اما نشان داده که توانایی آب کردن سلاحهای قراضه، تجهیزات موشکی و برخی کالاهای صنعتی از رده خارج شده را دارد.

فروش سلاح یکی از منابع درآمد روسیه است. کشورهایی مانند چین، هندوستان، الجزایر، ونزوئلا، ایران، مالزی و صربستان از جمله خریداران اصلی سلاح از روسیه هستند. روسیه در برابر گشاده دستی و باج دهی رژیم ایران، نقش مهمی در کمک به جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی بازی می کند.

به گزارش سایت العربیه روز آدینه ۲۰ دی، یک توافق پایاپای بین روسیه و رژیم ایران صورت گرفته است. العربیه در باره این توافق از قول خبرگزاری رویترز نوشت: «قرار است روسیه روزانه ۵۰۰ هزار بشکه نفت از ایران تحویل گیرد و در ازای آن کالا و تجهیزات روسی به ایران دهد».

روسیه در حالی از ایران نفت می خرد که خود صادر کننده نفت و گاز است و نیاز مبرمی به خرید نفت ندارد. رژیم با فروش نفت به روسیه و دریافت کالا قصد دارد برخی از نیازهایش را حل کند. روسیه هم در دفاع از دیکتاتوری ولایت فقیه تا جایی که منافعش حکم کند، از خرید ارزان نفت بیشترین سود را می برد.

چوب حراج زدن بر نفت، در برابر سلاح و تجهیزات نظامی فقط در خدمت امنیت نظام ولایی است. همانگونه که کالاهای بنجل چینی ضربه بزرگی به تولیدات داخلی زد، کالاهای بنجل روسیه چه نظامی و غیر نظامی ضربه بزرگی به اقتصاد و به مردم خواهد زد. دولت روحانی با انعقاد این قرارداد نشان می دهد که در اندیشه گرداندن چرخ اقتصاد ایران نیست.

شکاف بیشتر در حکومت با زهر اتمی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۲۴ دی

روز دوشنبه ۲۳ دی، کاترین اشتون طی بیانیه ای اعلام کرد که همه پایتختها از اجرایی شدن توافق آخرین نشست معاونان در ۹ و ۱۰ ژانویه حمایت کردند. بیانیه اشتون در حالی منتشر شد که مشاجره باندهای حکومتی در ایران همچنان اصل توافق نامه را زیر سوال می برند.

رویدادهای هفته گذشته، سخنرانی تند خامنه ای علیه آمریکا، مصاحبه رفسنجانی با سایت حکومتی انتخاب، موضع گیری حسین شریعتی مدیر مسئول روزنامه کیهان و موضع گیری جواد لاریجانی نشان دهنده بحران درون حکومت بر سر توافقنامه اتمی ژنو و ناتوانی ولی فقیه در مدیریت این بحران است.

خامنه ای دو روز قبل از مذاکره مستقیم با نماینده آمریکا در روز ۹ و ۱۰ دی، آمریکا را شیطان و برای رفع شر شیطان، مذاکره را مشروع دانست.

جواد لاریجانی، معاون رئیس قوه قضائیه در امور به اصطلاح حقوق بشر، روز دو شنبه ۲۳ دی در گفتگو با خبرگزاری حکومتی فارس گفت: «هیچ نهادی در نظام سند ژنو را قبول ندارد». صحبت وی مبنی بر این که «دولت جمهوری اسلامی

هیچ تعهدی برای پایبندی به سند ژنو ندارد» وضعیت بحرانی رژیم را نشان می دهد. بی اعتمادی اعضای سنای آمریکا به تعهدات رژیم و اصرار اکثریت آنان به تشدید تحریمها ناشی از همین وضعیت درونی رژیم است. جواد لاریجانی در مورد پذیرفتن قطعنامه شورای امنیت در توافق ژنو می گوید: «این امر مخالف نظر نظام و مجلس است». عراقچی برای کم اثر کردن زهر اتمی، از عطاری اتاق فکر رژیم تفسیر عجیبی در مورد توافق نامه مشترک ژنو می دهد. عراقچی گفت: «این که ما از یک سند تفاسیر متفاوتی را شاهد باشیم خیلی عجیب نیست هر متنی ممکن است مورد تفسیر واقع شود». اما متن مورد نظر گامهای اجرایی دارد که باید جمهوری اسلامی به آن تن دهد. برآمد توافق ژنو و آغاز اجرایی شدن آن سبب شکاف بیشتر در درون حکومتی لوزان می شود. بر همین منظر، ادامه سیاستهای ماجراجویانه برای قدرت بیشتر در منطقه با چشم انداز دستیابی به سلاح اتمی و یا هضم بیشتر جرعه های جام زهر، جدال باندهای حکومتی را در روزهای و ماههای آینده رقم می زند.

"حق مسلم"ی که خیال باطل از آب درآمد

لیلا جدیدی

"فراسوی خبر... شنبه ۲۸ دی"

جزئیات اجرایی منتشر شده از توافق ژنو از سوی کاخ سفید، بر باد رفتن نقشه های جنون آمیز حکومت خامنه ای را به روشنی به نمایش گذاشته است. "حق مسلم" رژیم در دستیابی به بمب اتمی با ریخت و پاش ثروت ملی مردم ایران و به روز سیاه کشیدن زندگی کارگران و زحمتکشان، خیال باطل از آب درآمده است. در مخالفت و اعتراض به این سیاستهای خیانتکارانه، چه سرها که بالای دار نرفت و چه زندانیها و شکنجه ها که کشیده نشد.

در پیام تویتری روحانی، رییس جمهور کشوری فیلتر شده، به زبان انگلیسی لاف زده شده که "قدرتهای جهانی در برابر ملت بزرگ ایران سر تسلیم فرود آورده اند" و "رابطه ما با جهان بر منافع مردم ایران استوار است". واقعیت بر حسب داده ها و شواهد موجود، نشان از بی اساس بودن هر دوی این ادعاها از بیخ و بن دارد. نخست آنکه بر اساس جزئیات منتشر شده از "تفهیم ژنو" از سوی کاخ سفید، جمهوری اسلامی متعهد شده پس از انتشار گزارش جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی، از روز ۲۰ ژانویه تمامی فعالیتهای خود در ارتباط با غنی سازی ۲۰ درصدی را متوقف کرده و همزمان، عملیات "رقیق سازی" نیمی از ذخیره اورانیوم ۲۰ درصدی خود را تا جایی که دیگر قابلیت "غنی سازی مجدد" نداشته باشند، آغاز کند. همچنین رژیم تعهد داده:

- اقدامی در جهت ساخت سانتریفیوژهای جدید و یا جایگزین کردن سانتریفیوژهای از کارافتاده به عمل نیاورد
- تامین یا سوخت رسانی و تکمیل راکتور اراک را متوقف کند
- به همه تلاشها برای پیشبرد برنامه هسته ای پایان دهد
- ساخت مجموعه های جدید هسته ای را کنار بگذارد
- از احداث هرگونه مجتمع فرآوری سوخت و نگاه داشتن فعالیتهای غنی سازی در سطح ۵ درصد خودداری کند

موارد بالا فقط بخشی از تعهدات جمهوری اسلامی در متن منتشر شده توسط دولت آمریکا برای شش ماه آینده است. در مقابل اقدامات یاد شده رژیم، تنها بخش کوچکی از تحریمها آنها به صورت "قابل برگشت" برداشته می شود که مهمترین

آن آزاد کردن حدود چهار میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار از درآمدهای بلوکه شده نفتی آنهم به طور قسطی طی شش ماه و در صورت اجرای کامل برنامه ی عمل است.

جمهوری اسلامی تا کنون در برابر جزییات اعلام شده سکوت اختیار کرده و این بی دلیل نیست. مردم ایران اخبار توافقیهای رژیم را از منابع خارجی می شنوند، چون "رهبر" و اعوان و انصارش حاضر نیستند به آنها حساب پس بدهند و زیر بار مسوولیت گزافه گوییها و شاخ و شانه کشیدنهای توخالی شان بروند. رژیم مانند دزدها دور از چشم مردم به عسس تمکین می کند تا از مکافات مالباختگان خود را نجات دهد. اینها تعهدی به مردم ندارند. تعهد آنها تنها به حفظ خود در قدرت به هر بهاست.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com

مادر اختر نیکوکار چشم از جهان فروبست!

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

مادر اختر نیکوکار، از مادران خاروان، مادری که دو فرزندش رحیم و حمید حسین پور و دامادش علی مهدی زاده، از شهدای سازمان ما را، در پیکار علیه استبداد و سرمایه از دست داده بود، چشم از جهان فروبست.

مادر اختر نیکوکار تنها مادر این سه شهید نبود. او هنگامی دو فرزندش رحیم و حمید و دامادش علی مهدی زاده در سخت ترین و نابرابرترین شرایط با فاشیسم مذهبی درنده دست و پنجه نرم می کردند، با شجاعت و بی باکی کم نظیری یار و یاور آنها بود و از هیچ نوع کمکی در همراهی آنها در مبارزه شان دریغ نمی کرد، با آن که از هزینه سنگین این یاوریهها به خوبی آگاه بود.

پس از شهادت دو فرزند و دامادش، در صف جنبش مادران شهدای آزادی و سوسیالیسم در زنده نگهداشتن یاد شهدا

که
خود
با



مبارزه خود را پی گرفت برای آن که مشعل جنبش دادخواهی علیه جانان جمهوری اسلامی خاموشی نگیرد. او در برابر همه فشارها و تهدیدهای برای به تسلیم واداشتن جنبش مادران، با شجاعت خودویژه اش، ایستادگی کرد و گزمگان جهل و ولایت را ناامید ساخت.

بنا بر وصیت او پس از مرگش عکسهای رحیم و حمید حسین پور و علی مهدی زاده را به عنوان نمادی برای جاودانگی راه شهدا بر تابوتش نصب کردند. پیام این وصیت این بود: راه شهدا را تا به آخر و تا پیروزی آزادی و سوسیالیسم ادامه دهید! ما مادری دیگر را از دست دادیم! ستاره دیگری از جنبش مادران خاموش شد، اما گرمای این خاموشی کهکشان جنبش دادخواهی را تا روز قطعی پیروزی بر ستم، استبداد و سرمایه فروزان تر خواهد کرد.

ما درگذشت مادر، اختر نیکورکار را به رفیق رخشنده حسین پور، کرامت مهدی زاده، خانواده های حسین پور و مهدی زاده و همه رهبران آزادی و سوسیالیسم تسلیت می گوئیم.

هیات اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سه شنبه ۱۷ دی ۱۳۹۲ برابر با ۷ ژانویه ۲۰۱۴

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران فقدان بانو اختر نیکورکار را به خانواده، به دوستان و یاران مادر اختر، به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی و به همه آزادیخواهان تسلیت می گوید.

شهدای فدایی در بهمن ماه

رفقا: ابراهیم پور رضا خلیق - سعید پایان - فتحعلی پناهیان - محمد طاهر رحیمی - محسن بطحایی - عبدالمجید پیرزاده جهرمی - مسعود پرورش - فاطمه افدرنیا - جعفر محتشمی - پوران یداللهی - مصطفی دقیق همدانی - انوشه فضیلت کلام - کیومرث سنجری - حسن فرجودی - حسین چوخاجی - کاووس رهگذر - جهانگیر قلعه میانداوب (جهان) - فرشاد مرعشی - حمید مؤمنی - محمدعلی خسروی اردبیلی - قاسم سیادتی - بابک سیلابی - خسرو پناهی - مهدی اقتدارمنش - محسن نیک مرام - بهروز عبدی - محمدجواد عرفانیان - محمدامین نورائی - اکبر پارسی کیا - عباس تبریزی - مسعود رحمتی - حسن محمدپور - علی نوروزی - بهنام قاسم زاده رضوی - جعفر (حر) رضایی - ابراهیم کردی - مراد میرزایی - اسد یزدانی - اسماعیل برزگر -

فریدون بانه ای - فاطمه محمدی - محسن نوربخش - حسن توسلی - فردوس آقا ابراهیمیان - میرمحمد درخشنده (توماج) - عبدالکریم مختوم - واحدی - حسین جرجانی - حمیدرضا هزارخانی - خسرو گلسرخی - کرامت دانشیان - در مبارزه قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع و استقرار دموکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۴۹ تاکنون به شهادت رسیده اند.



تصویر زنده یاد رفیق پوران یداللهی

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 343 21 January. 2014 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org